السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطمه علیهاالسلام

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

تنهایی مهر

اللهم صل علی فاطمة وابیها وبعلها وبنیها والسر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک

اللهم العن قاتلی فاطمة الزهراء

فاطمه سلام الله علیها

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

تنهایی مهر

# تنهایی مهر

پژوهشی در معتبرترین کتب شیعه و اهل سنت

سلام الله علیها

# فاطمه

علی

## دفاعیات


جمع آوری و تحقیق:
سید علی رضا غروی
مهدی امامی، مرتضی کارگر

به قلم: مجید هوشنگی (کاظمی)


فاطمه سلام الله علیها

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

تنهایی مهر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
واهلک عدوهم من الجن والانس من الاولین والاخرین

یا رب فاطمة بحق فاطمة اشف صدر فاطمة بظهور الحجة

غروی، علی رضا، -
تنهایی مهر: دفاعیات فاطمه سلام الله علیها / تحقیق علی رضا غروی، مهدی امامی، مرتضی کارگر؛
ترجمه: محمود امامی / تدوین مجید هوشنگی (کاظمی). - قم: انتشارات طوبای محبت، ۱۳۸۷.
۲۸۸ ص.
بهاء: ۴۲۰۰۰ ریال ISBN: 978-964-8894-74-5
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ۲۶۷ - ۲۸۸، همچنین به صورت زیرنویس.
۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها، ۱۳؟ قبل از هجرت - ۱۱ ق. ۲. فاطمه زهرا سلام الله علیها،
۱۳ ؟ قبل از هجرت. ۱۱ ق. سرگذشتنامه. الف. امامی، مهدی، محقق. ب. کارگر، مرتضی، محقق.
ج. هوشنگی (کاظمی)، مجید، تدوینگر. د. عنوان: دفاعیات فاطمه سلام الله علیها.
ه. عنوان.
BP ۳۷/ ۲/ غ ۴ت۸ ۹۷۳ /۲۹۳

**انتشارات طوبای محبت**

● **تنهایی مهر** (دفاعیات فاطمه سلام الله علیها)
✻ جمع آوری و تحقیق: **سید علی رضا غروی، مهدی امامی، مرتضی کارگر**
✻ ترجمه: **محمود امامی**
✻ به قلم: **مجید هوشنگی (کاظمی)**
✻ چاپخانه: ذاکر
✻ نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۰
✻ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
✻ بهاء: **۴۲۰۰ تومان**

**مراکز پخش**

قم: بلوار سمیه/ خیابان عباس آباد (شهیدین) / پلاک ۱۱۲
۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ / ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۴۹۶۷ / ۷۸۳۲۱۴۳/ ۷۷۴۰۰۶۶ - ۰۲۵۱
www.tobaymohebat.ir info@tobaymohebat.ir
قم: خیابان انقلاب / نرسیده به چهار راه سجادیه / پلاک ۷۴۹ / پخش کتاب کاغذ
۰۹۱۹۲۵۳۳۴۷۲ / ۷۷۳۳۵۱۲
تهران: خیابان فروردین / کوچه بهشت آیین / پلاک ۷ / انتشارات هاتف ۶۶۴۱۵۴۲۰

فاطمه سلام الله علیها

# فهرست مطالب

## بخش دوم

## بخش سوم: عکس العملهای حضرت زهراء علیهاالسلام

## بخش پنجم

## شاید شروع

نمی دانم تا امروز که این اوراق را دست گرفته اید و به دادگاهی مجازی دعوت شده اید تا چه اندازه در خصوص شورای سقیفه و فجایع تاریخی پس از آن مطالعه نموده اید و به چه میزان، اسناد آنرا معتبر می دانید؟

بازهم نمی دانم که حقایق آن جریانات شوم، تا چه حدّی توانسته است بعد مظلومیت خاندان رسول الله را در برابر فتنه ای فراگیر، بر آشیانه‌ی اندیشه شما روشن نماید!

افسوس ...

افسوس که فریادهای محبوس شده بسیار است و ناله های ناسروده بی نهایت؛ و تنها بازمانده‌ی این عصمت در هم شکسته، کوله باری ازدانه های مبارک روایات است که در کنار سفره‌ی طعام معرفتی ما به گونه ای معصومانه رها گردیده و آن طور که پیداست، گویا قرار نیست تا از این روضه های آسمانی و کلام گویای الهی، طرفی بسته شود.

نمی دانم که چرا اینگونه شدیم و این راهی که خواهیم سپرد به کدامین برهوت ناکجا آباد منتهی خواهد شد. اما همین را می دانم که معنای حقیقی معصومیت اهل بیت همین است و همین.

حال ای خواننده‌ی عزیز یا بهتر بگویم ای وجدان بیداری که لقمه های شبهه ناک شوره‌زار دنیا، تاریکیت ننموده، این زمان تو سواربر بال قلمی شکسته به دادگاهی فرا خوانده شدی که در آن فاطمه خود داد سخن سر می دهد و حنجره سرخ خویش را با فریادهای شور انگیز و کوبنده از خونابه‌ی سکوت تهی می‌گرداند.

این زمان، تو می مانی و دریایی از حرف های ناگفته که با فصولی از مستندات روایی ممزوج شده است و باید در برابر وجدان خویش قضاوت کنی و رای صادر نمایی به حضور فراگیر خورشیدی که در نقاب پنج انگشت دود آلود، رو به انکسار گذاشته است.

امّا بازهم حرف های ناگفته می ماند که در هیچ کتابی نوشته نشده و شاید تا ابدیت هم مخفی بماند و این سخنان را نیز می توان در صحیفه‌ی دل یافت و قلم سفید اشراقیات است که فصل فصل آن را به عباراتی سوزان و آسمانی مزیّن می نماید. آری نخست این باب معرفت را باید به نیکی دریافت و به حقایق آن ایمان آورد تا دروازه‌های آن معارف گشوده گردد و راهی به عالم بی نهایت رهایی، فراروی افتد.

باید گفت که در این محکمه زود هنگامی که پیش از ظهور حضرت حجت برپا گردیده است، بر تمامی ظرائف و صحنه های واقعه هجوم، دقت ویژه شده

است و سعی بر آن بوده تا لایه هـای ناشـناخته و حتـی از قلـم افتـاده ایـن هنگامه‌ی غیب، با خوانش جدیدی کاویده شود.

لذا در این محکمه بر آن باشید تا متن دفاعیات را به همجواری احـادیثش در یابید تا باشد که جهانی از قضاوت‌های روحانی فراروی وجـدان آگاهتـان، ظهور یابد.

اما در واپسین دم باید گفت که بزرگترین لطف الهی آن است که خنیـاگر دل با نوای اهورایی ولی امر زمان هم نوا شود و بسراید هر آنچه را که او مـی پسندد و بنالد آن زمان که او محزون است. باری، مجنون آن است که به یک شکنج بر ابروی لیلی سر ببازد و حکم کـلام معـشوقش، اوجـب الواجبـاتش گردد.

پس اگر عاشقیم یا این‌گونه تصور می کنیم که هستیم... پس بـرای خـاطر خال لب معشوق هم بفهمیم آنچه او می گوید و هم بسوزیم در سوگی که او هر روز برای آن اشک می ریزد.

گردی از خار به پای سگ لیلی افتاد　　　سوی مجنون بشتابید که از پا افتاد

# فصل اوّل

این بخش از دفاعیات، به بررسی
اسناد و مدارک موجود در
خصوص شرح جزئیات تهاجم
به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و بررسی
اقدامات مهاجمین از دیدگاه
آن بانوی بزرگوار می پردازد.

## رسمیّت دادگاه

*سکوتی محض و طولانی به اندازهٔ تمامی تاریخ*

*سکوتی که از تداوم‌اش جنون چکه می‌کرد.*

*سکوتی به فراخنای مرگ*

*و باز هم سکوت ...*

و در آن میانه، به یکباره صدایی که هنوز صاف نشده بود و برای بیرون آمدن از گلویی منجمد، دست و پا می‌زد، سکوت را شکست.

چند سرفهٔ موج‌دار و جریان انعکاس آن در شرق و غرب عالم.

صدای خش‌دار، با نفوذی عجیب این جمله را طنین انداز کرد :

«دادگاه رسیدگی به دفاعیات فاطمه، دختر پیامبر خدا آغاز شد.»

سکوتی شرم‌آور و محزون
و اضطرابی لرزان در قلوب بشریت
باز هم همان صدا :

«این زمان در ناکجاآباد خلقت، محکمه‌ای بر پا شده است تا گوش فرا دهد به دفاعیات کسی که مدعی است تنها جرمش، عصمت الاهی اوست و به اندازهٔ تمامی عصیان‌های کرده و نکردهٔ عالم، پاک است.

اما این تنها یک ادعا است و باید شنید و دید دلایلش را بر حقانیت‌اش و آنگاه تصمیم نهایی گرفته شود.

در این دادگاه هیأت منصفه‌ای در میان است که اعضای آن را نوع بشر با هر زبان و فکری تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت هیأت منصفه، حقیقت انسان است در پیچ و خم بستر تاریخ؛ این حقیقت، هزاران سال است که مانند موجی در میان نسل‌ها سریان دارد. در این محکمه، دفاعیات فاطمه، به هیأت منصفه ارجاع داده خواهد شد. اعضای آن هم کسانی نخواهند بود جز انسان‌ها و عقولشان که در هر کجای زمان و مکان می‌توانند حضور داشته باشند.

در این محکمه، تنها یک سؤال مطرح می‌شود؛ «چه دفاعی از خود دارید؟» و او از خود دفاع خواهد کرد.

ایشان وکیل مدافعی دارد که هنوز در دادگاه حاضر نشده و معلوم هم نیست که چه زمانی بیاید! به این دلیل است که محکمه تا کنون رسمیت خود را اعلام نکرده است. اما دیگر مجال انتظار نیست. باید که از خود دفاع کند؛ تنهای تنهای تنها ....!

پس بگو ای دختر رسول خدا که چه دفاعی از خود دارید؟

سکوت...

و باز هم همان سکوت...

یکباره، صدایی گرم و زلال که بوی بهشت را در قلب جاری می‌کرد و یاد رسول خدا را در پیچ و خم خاطره‌ها، زنده می‌گرداند، با لرزشی معنادار، سکوت محکمه را کنار زد :

«من فاطمه‌ام، فاطمه...

خداوند ازلی مرا کوثر نام نهاده است. روزی پدرم گفت که کوثر تجلی حسن و خوبی‌هاست[۱] و تو کوثر کائناتی! من آن فاطمه‌ام که در آسمان‌ها فرشته‌ام می‌خوانند و به صورت انسانی تجسم یافته‌ام،[۲] یا مرا لیله‌القدری لقب نهاده‌اند که قرآن در آن جلوه کرده است[۳]. من پارهٔ تن پیامبر خدایم. پارهٔ تن محمدم[۴].

---

۱- قال رسول الله صلی الله علیه وآله: لو کان الحُسن شخصاً لکان فاطمة بل هی اعظم.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: اگر حُسن وخوبی به صورت شخصی می شد هر آینه فاطمه می گردید، بلکه فاطمه برتر از حُسن است. (فرائدالسمطین۲/۶۸)

۲- قال الامام الرضا علیه السلام : هی الحوراء الانسیة. (بحارالانوار۴۳/۱۷۳)

۳- ازامام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: اللیلة فاطمة والقدرالله، فمن عرف فاطمة حقّ معرفتها فقد ادرک لیلة القدر. (تفسیر فرات الکوفی/۵۸۱ و بحارالانوار۴۳/۶۵)

۴- قواعدالاحکام۱/۱۲۲- مناقب آل ابی طالب/۱۱۲- طرائف/۲۶۲- بحارالانوار۲۹/۲۳۶ و صحیح بخاری/ح۳۴۳۷ و۳۴۸۳ - کنزالعمال۶/۲۲۰

پدرم خود می‌گفت که ای فاطمهٔ من، تو قلب و روح منی[۱] و مادر من[۲]، و شاید مادر تمامی پیامبران. [۳] و این حقیقتی بود که او می‌سرایید تا دیگران باورش کنند.

من یگانه شخصیتی هستم که کفو علی‌بن‌ابیطالب نام گرفته[۴]. همان کسی که طاعتش را بر جملهٔ خلایق لازم و واجب نمودند.[۵] و اقرار به فضل و محبتش، شرطِ اولِ تکاملِ پیامبران است.[۶]

من فاطمه‌ام، همین ...

---

۱- قال رسول الله صلی الله علیه وآله: فهی بضعة منی و هی قلبی و روحی التی بین جنبی.

فاطمه علیهاالسلام پارهٔ تن من است و او قلب و روح من است که در میان سینه ام جای گرفته. (کشف الغمة ۴۰۸/۱)

۲- کان النبی یعظم شأنها و یرفع مکانها و کان یکنیها بأم ابیها... (کشف الغمة ۴۶۲/۱)

۳- قل لا اسئلکم علیه اجراً الاّ المودة فی القربی. (شوری/۲۳)

۴- قال رسول الله صلی الله علیه وآله: لولا علیّ ما کان لفاطمة کفوٌ ابداً. (بحارالانوار ۵۸/۴۳)

۵- قال الامام الباقر علیه‌السلام : لقد کانت مفروضة الطاعة علی جمیع مَن خلق الله مِن الجن والانس والطیر والوحوش والانبیاء والملائکة. (دلائل الامامة/۲۸ [طبری])

۶- قال الامام الصادق علیه‌السلام : ما تکاملت النبوة لنبیّ حتی اقرّ بفضلها و محبتها. (مجمع النورین/۴۰ به نقل از مدینة المعاجز)

## پیش دفاعیه

در هیاهوی خفقان تاریخ بالاخره دادگاه دفاعیات فاطمه، آغاز شد. و نوایی از محض‌ترین سکوت شرمناک، به یکباره شیشهٔ دیو خاموشی را شکست و گفت: ای دختر رسول خدا، چه دفاعی از خود دارید؟

و ناقوس لرزان صدای فاطمه، دادگاه را رسمیت بخشید:

آی جماعت....

آی جماعت منصفه...

منتظرید تا چه بشنوید!؟

من دلیلی بر روشناییِ آفتاب ندارم از کرمِ شب‌تاب،

چه حجتی می‌توانم آورد از قافلهٔ کوران، که دیدند واقعه را و عمقِ فاجعه را با چشمانشان لمس کردند، اما صلاح معیشت‌شان، حکم بر بستن چشم‌بندی مصلحتی داد؛ و به یکباره، فریاد متظاهرانه‌ای برآوردند که :

ایهاالناس، ما جماعت نابینایانیم!!

من با چه دلیلی دفاع کنم از حیثیتِ کتابِ گویایِ خدا، وقتی جماعت گبریانند که قوم متجاوز را تشکیل می‌دهند؟

و چه انصافی است درندگان گرسنه را بر بساط پهن غزالی مجروح؟

سوگند به روح پدرم که در این میان بی‌دفاعم، اما ترنمِ محزونِ غزل از گلویی مجروح، بِه بُوَد از مؤذنیِ کلاغ‌ها بر منارهٔ شب!!

کاش می‌توانستم شما را متقاعد کنم که آن پردهٔ ابهام که مجالتان نمی‌دهد تا خورشید را ببینید، گشادی عمامه‌ایست که در شب سقیفه بر سرتان گذاشتند!

و کاش می‌توانستم بر شما اثبات کنم که آفتاب را دلیل‌هایی دیگر جز روشنایی هم هست!

من از ریشخندِ معنادارِ شما دل‌چرکینم. ولی از خود و رسالت پدرم و میراث‌داری شوهرم دفاع خواهم کرد.

هرچند که من بی‌دفاعم در این خنده‌بازارِ کوفیانه!

و هرچند بی‌تصمیم می‌ماند حکمِ نهاییِ محکمهٔ گیتی بر ادلّهٔ استوارم!

# دفاعیه اوّل

در این دفاعیه به تحقیقی پیرامون اسناد مربوط به
تصمیم عده‌ای برای **هجوم به خانهٔ امیرمؤمنان**
**و فاطمهٔ زهرا** علیهاالسلام می پردازیم

## آغاز هنگامه

آن روز خداوندگار نیز در خانهٔ ما همه‌گیر بود. یکه پهلوانِ دشتِ نبرد، آیا می‌شناسیدش؟ علی را می‌گویم، بر قبضهٔ ذوالفقارش، حسرتی غیرتمندانه اما دل‌خراش می‌خورد.

فریادهای افسوس‌اش، بندآب اشکش را لبریز می‌کرد.

و تنی چند از یارانش با نظارهٔ جمال صبر آموزش، قلب‌هایشان را زلال سکینه می‌دادند.

اشک‌هایم را اختیاری از خود نبود. یاد پهلوانی‌هایش می‌افتادم که هیبت عمرو و مرحب را مهر باطل می‌زد و حیرت زنادقه از رشادت‌هایش، گرمی بازار مجالس ذکر بود. اما محزون‌تر می‌شدم از زیارت قامت زانو در آغوش‌گرفتهٔ کوهستان صبر! و من در چشمان او گریستم، آنقدر تا آرام‌تر بسوزد آتش غیرت علی!

در آن میانهٔ حزن، غم بود و من بودم و علی، و بغض سنگین سکوت را جرأت شکستن نبود. به ناگاه آن‌سوی دیوارهای خانه، هنگامه‌ای برپا گشت؛ گویی هجوم، گویی غارت؛ و من خشونتِ صدایِ آشنایی را شنیدم که فریاد برآورد : بیعت کنید!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

﴿بعث ابوبکر عمر بن الخطاب الی علی علیه السلام حین قعد عن بیعته و قال: ائتنی به بأعنف العنف ...﴾

هنگامی‌که علی علیه‌السلام از بیعت با ابوبکر کناره‌گیری کرد، ابوبکر عمربن‌خطاب را به سوی علی علیه‌السلام فرستاد و گفت: او را با سخت‌ترین تندی و عتاب به نزد من بیاور. [برای بیعت گرفتن]

**اسناد شیعه :**

۱- الشافی فی الامامة ۲۴۰/۳ [الشریف المرتضی م. ۴۳۶]

۲- تلخیص الشافی ۷۵/۳ [شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی م۴۶۰]

۳- انوارالیقین /۳۷۹ [الحسینی الزیدی م. ۶۷۰]

۴- بحارالانوار ۳۸۸/۲۸ [العلامة مجلسی م. ۱۱۱۰]

## سند اهل سنت :

انساب الاشراف (ط. دارالمعارف قاهرة)۱/ ۵۸۷ و (ط. دارالفکر بیروت)۲۶۹/۲ و فی المکتبة الشامله ۲۵۳/۱ [البلاذری م. ۲۷۹ ]

## مدرک دوم

«(قال) ابوبکر : ... إن أبوا [علیك] فقاتلهم»

ابوبکر گفت: ... اگر امتناع کردند با آنها بجنگ.

## اسناد شیعه :

۱- نهج الحق و کشف الصدق /۲۷۱ [علامة حلی م. ۷۲۶]

۲- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۲۴/۲-۵۲۳ [رحمانی همدانی]

۳- مظلومیت برترین بانو /۱۰۵ [آیة الله سید علی میلانی]

## اسناد اهل سنت :

۱- العقد الفرید (فی المکتبة الشاملة) ۷۳/۲ (چاپ دار الکتاب العربی) ۲۴۲/۴ و (چاپ مکتبة النهضة المصریة) ۲۵۹/۴ و (ط. آخر)۱۳/۵ و (ط. آخر بمصر)۶۳/۳ "و عبارته هکذا : اِن ابیا (علی علیه‌السلام والعباس) فقاتلهما" [ ابن عبد ربه م. ۳۲۸]

۲- المختصر فی اخبارالبشر (فی المکتبة الشامله) ۱۰۷/۱و (ط. دارالغرفة بیروت) ۱۵۶/۱ و (ط. قاهره مکتبة المبتنی) /۱۶۵ [ ابوالفداء م ۷۳۲ ]

۳- اعلام النساء ۴ / ۱۱۶-۱۱۵ [ عمر رضا کحالة]

# دفاعیّه دوّم

موضوع این دفاعیه اسناد مربوط به **وقوع هجوم به خانهٔ فاطمهٔ زهرا** علیهاالسلام است

## یا بیعت کنید یا ...

نمی‌دانم....

رسم آسمانی پدرم این نبود که سنگ هجوم بر پیشانی مسلمانی بکوبند. اما دیگر کجا می‌توان یافت آن سیرهٔ ناب الاهی را!

در آن روز فریادی خش‌دار و زهر مزاج، ولوله را رهبری می‌کرد و دیگر جای هیچ شائبه‌ای نبود که آن هنگامه، اعلام نبردی است با خدا ؛ و در برابر خانهٔ خداوندگار توحید!!

من می‌دیدم که علی را زنجیری از صبر بر زمین منکوب کرده بود و نگاهش نمناک و سرخ، بر قبضهٔ شمشیرش خیره ماند.

باز همان خروش شیطانی، آسمان مدینه را مسموم کرد که : ای اقوام پیامبر مدفون شده، **یا بیعت کنید**، یا نقش بطلان می‌زنیم بر قاموس وجودتان!

می‌گفت آن هرزه درای بی‌مقدار، و همچنان نگاهِ سرخ‌تر از خونِ علی بر حسرت ذوالفقارش، هق هق می‌کرد!

و من از دریای صبر عجیبش لبریز می‌شدم؛ و در ناصیهٔ شوم تقدیر می‌دیدم که خلاصهٔ توحید را به قربانگاه خواهند برد.

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«و بلغ ابابکر و عمر إنّ جماعة من المهاجرین والانصار فقد اجتمعوا مع علی بن ابیطالب فی منزل فاطمة بنت رسول الله فأتوا فی جماعة حتی هجموا الدار...»

به ابابکر و عمر خبر رسید که عدّه‌ای از مهاجرین و انصار با علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام در خانهٔ فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اجتماع نموده‌اند پس (عمر) با جماعتی آمدند تا اینکه به خانه هجوم آوردند...

**سند شیعه :**

تاریخ یعقوبی (فی المکتبة الشاملة) ۱۵۵/۱ و (ط. آخر) ۱۲۶/۲ [ یعقوبی م. ۲۸۴ ]

**سند اهل سنت:**

السقیفة و فدک /۷۲ قریب بهذا المضمون [جوهری م. ۳۲۳]

## مدرک دوم

«فوجهوا الی منزله فهجموا علیه ...»

پس به سوی منزل او (امیرالمؤمنین علیه‌السلام) شتافتند و بر او یورش بردند ...

**اسناد شیعه:**

۱- بحار الانوار ۳۰۸/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- الهجوم علی بیت فاطمه /۲۶۹ [عبد الزهرا مهدی]

**سند اهل سنت :**

اثبات الوصیة /۱۴۲ و (طبع مرکزالمصطفی /۱۲۴) [مسعودی م ۳۴۵ ]

## مدرک سوم

«... انّ الهجوم الی بیت فاطمة الزهراء علیهاالسلام علی ما ذکره ابن قتیبة تکرر مرتین :

**[الهجوم الاولی فی کلام ابن قتیبة]:**

ان ابابکر تفقّد قوماً تخلّفوا عن بیعته عند علی (علیه‌السلام) فبعث الیهم عمر فجاء فناداهم و هم فی دار علی (علیه‌السلام) فأبوا ان تخرجوا ، فدعا بالحطب، و قال : والذی نفس عمر بیده لتخرجن او لأحرقنها علی من فیها فقیل له: یا اباحفص انّ فیها فاطمة قال: وان! فخرجوا فبایعوا الاّ علیاً (علیه‌السلام) .

الهجوم الثانی فی کلام ابن قتیبة :

... فأتی عمر ابابکر فقال له ألا تأخذ هذا المتخلّف عنك بالبیعة؟ فقال ابوبکر لقنفذ (و هو مولی له) اذهب فادع لی علیاً ... فقال عمر الثانیة لا تمهل هذا متخلّف عنك بالبیعة . فقال ابوبکر لقنفذ: عُد الیه فقل له خلیفة رسول الله یدعوك لتبایع ...ثم قام عمر فمشی معه جماعة حتی اتوا باب فاطمة [علیها السلام] فدقّوا الباب فلما سمعت اصواتهم نادت باعلی صوتها: یا ابت یا رسول الله ماذا لقینا بعدك من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة؟ فلمّا سمع القوم صوتها و بکاءها انصرفوا باکین و کادت قلوبهم تتصدع و اکبادهم تتفطر و بقی عمر ومعه قوم : فاخرجوا علیاً [علیه السلام] فمضوا به الی ابی بکر فقالوا له : بایع فقال [علیه السلام] إن لم افعله فمه؟ قالوا: اذاً والله الذی لا اله الا هو نضرب عنقك.

هجوم به خانه فاطمهٔ زهرا(علیها السلام) بنابرآنچه که ابن قتیبه ذکر نموده، دو بار تکرار شده است :

**[هجوم اول در کلام ابن قتیبه] :**

ابابکر گروهی را جویا شد که از بیعت با او تخلّف کرده و نزد علی علیه السلام می‌باشند. پس عمر را به سوی آنها فرستاد؛ عمر نزد آنها آمده و آنها را صدا زد و حال آنکه ایشان در خانه علی علیه السلام بودند.

ولی آنها از خارج شدن اباء و امتناع ورزیدند؛ پس عمر هیزم طلب کرد و گفت: به آن خدایی که جان عمر در دست اوست، یا از خانه خارج می‌شوید یا خانه را با تمام کسانی که در آن هستند می‌سوزانم.

به عمر گفته شد: ای اباحفص، فاطمه(علیها السلام) در این خانه است. عمر گفت: اگرچه [فاطمه(علیها السلام) در خانه باشد]. پس آن گروه خارج شده و با ابوبکر بیعت کردند جز علی علیه السلام .

## [هجوم دوم در کلام ابن قتیبه]

پس عمر نزد ابابکر آمد و به او گفت: آیا از این کسی که تخلف نموده بیعت نمی‌گیری؟ پس ابوبکر به قنفذ (و او مولای قنفذ بود) گفت: برو و علی علیه السلام را بخوان ... برای بار دوم عمر گفت: به این کسی که از بیعت با تو تخلف نموده مهلت نده .

بعد ابوبکر به قنفذ گفت: برگرد به سوی او و به او بگو: خلیفهٔ رسول الله (صلی الله علیه و آله) تو را می‌خواند که با او بیعت کنی ...

سپس عمر برخاست و گروهی با او حرکت کردند تا به درب خانهٔ فاطمه[علیها السلام] رسیدند. پس درب را کوبیدند.

فاطمه[علیها السلام] چون صدای آنها را شنید با ندای بسیار بلند فرمود: ای پدر، ای رسول خدا، بعد از تو، از ابن‌خطاب و ابن‌ابی‌قحافه چه‌ها برسر ما آمد. پس جمعی از آن گروه چون

صدای فاطمه(علیها السلام) و گریه‌اش را شنیدند، بازگشتند در حالیکه اشک می‌ریختند ونزدیک بودکه دلهایشان از جا کنده شود و جگرهایشان پاره پاره شود.

ولی عمر با جمعی باقی ماند؛ پس آنها علی علیه السلام را از خانه بیرون کشیده و او را به سوی ابوبکر بردند، و به او گفتند: بیعت کن! پس فرمود: اگر بیعت نکنم چه می‌کنید؟ گفتند: بنابراین قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، گردنت را خواهیم زد.

**سند اهل سنت:**

الامامة والسیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء (تحقیق: شیرازی/ ناشر: انتشارات شریف رضی) ۳۰/۱ و (تحقیق: زینی/ ناشر: مؤسسة الحلبی و شرکاء للنشر و التوزیع)۱۹/۱ و انتشارات شریف رضی طبع آخر ۱۲/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

## مدرک چهارم

«فانطلق قنفذ فاقتحم هو وأصحابه بغیر إذن ...»

قنفذ رفته و با اصحابش به داخل منزل هجوم آورد بدون اینکه [برای ورود به منزل] اذن بگیرد.

**اسناد شیعه:**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری) /۱۵۰ [سلیم بن قیس م. ۹۰]

۲- احتجاج ۱۰۹/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۳- غایة المرام ۳۳۵/۵ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۴- بحار الانوار ۲۶۹/۲۸ – ۲۸۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

# دفاعیّه سوّم

در این بحث به اسناد مربوط به **جمع کردن هیزم بر در خانهٔ فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام پرداخته می شود

## هیزم انباشته

ای شمایان، گوش فرا دهید!

ای کسانی که می‌پندارید افسانه می‌بافم،

اندکی نگذشت که فریادی زجرآگین‌تر برخاست و غرید: ای سپاهیان من، هیزمی هموار کنید، چون می‌خواهم خانه‌ای که بر تقوی اساسش نهاده‌اند، با زبانهٔ سوزان آتش، لیسیده شود، تا بر آن، یادگار جبت و طاغوت را بتوان نگاشت! چرا که دوزخیان مسکین، از بی‌همزبانی در دریای آتش، آزرده‌ترند تا از زبانهٔ زبانیه‌ها، و من برای‌شان می‌خواهم از خویشتن، شب‌نشین لیله النار هموار کنم.

آتش افکندن بر خانهٔ فاطمه؟!

آیا شرم نکردند از آن خانه‌ای که رسول خدا هر صبحگاهان، عطر سلامی آسمانی بر آن می‌افشاند؟

بیچارگان نمی‌دانستند دوزخی که اکنون برای خود ساخته‌اند، خوف‌انگیزتر است از جهنم موعودشان؛ و جهل اندر جهلشان نمی‌گذارد که این حقیقت را دریابند!

آری، فرمان بر آن شد تا هیزم بیاورند برای سوزاندن بیت اللّه.

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

قال ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغة:

«قال المسعودی: وكان عروة بن الزبير يعذر أخاه عبد الله فی حصر بنی هاشم فی الشعب، وجمعه الحطب ليحرقهم ويقول: إنما أراد بذلك ألا تنتشر الكلمة، ولا تختلف المسلمون، وان يدخلوا فی الطاعة، فتكون الكلمة واحدة، كما فعل عمر بن الخطاب ببنی هاشم لما تأخروا عن بيعة أبی بكر، فإنه أحضر الحطب ليحرق عليهم الدار.»

مسعودی می گوید: عروة بن زبیر برادرش عبد الله [بن زبیر بن عوام] را در محاصره ی بنی هاشم در درّه ای [در مکه] و جمع آوری کردن او هیزم را برای آتش زدن آنان [در وقایع مربوط به سالهای

دهۀ ششم و هفتم هجری که آل زبیر به دنبال کسب حکومت بودند]
معذور می دانست و می‌گفت:

او این کار را برای این کرد که تفرقه و پراکندگی ایجاد نشود و مسلمانان با هم اختلاف نکنند و آنان (بنی هاشم) نیز به اطاعت او در آیند و در نتیجه با هم متحد شوند، همانطور که عمر بن خطاب این کار را با بنی هاشم کرد، وقتی آنان (امیر مؤمنان و صدیقۀ طاهره علیهما السلام) از بیعت با ابوبکر درنگ کردند.

**سند اهل سنت :**

شرح نهج البلاغه ۱۴۷/۲۰ (طبع: مؤسسه‌ی اسماعیلیان) [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

**تحریف اول :**

کان عروة بن الزبیر یعذر اخاه اذا جری ذکر بنی هاشم و حصره ایاهم فی الشعب و جمعه لهم الحطب لتحریقهم و یقول انما اراد بذلک ارهابهم لیدخلوا فی طاعته **كما ارهب بنو هاشم و جمع لهم الحطب لاحراقهم** اذ هم ابوا البیعة فیما سلف.

عروة بن زبیر برادرش را وقتی صحبت از ماجرای بنی هاشم و محاصره کردن او آنان را در دره و جمع آوری کردن او هیزم را برای آتش زدن آن ها به میان می آمد، معذور می دانست و می گفت: او این کار را کرد تا آنان را با ترساندن، به اطاعت از خود وادار کند، همان گونه که در قبل نیز بنی هاشم ترسانیده شدند و برای آتش

زدنشان هیزم فراهم و جمع آوری شد، آن هنگام که آنان از بیعت با پیشینیان امتناع کردند.

**سند اهل سنت :**

مروج الذهب (چاپ بولاق ۱۲۸۳ هـ ق) ۷۹/۲ و (چاپ الازهرية ۱۳۰۳ هـ ق) ۷۲/۲ و (دار الرجاء- مصر، قاهرة ۱۳۵۷ هـ ق) ۲۴/۳ و (چاپ دار الحجرة- قم) ۷۷/۳ و (چاپ میمنیه) ۸۶/۳ [مسعودی م. ۳۴۶]

## تحریف دوم:

وحدث النوفلی فی كتابه فی الأخبار، عن ابن عائشة، عن أبيه، عن حماد بن سلمة، قال: كان عروة بن الزبير يعذر أخاه إذا جرى ذكر بنی هاشم وحَصْره إياهم فی الشِّعْبِ وجمعه لهم الحطب لتحريقهم.

ويقول: إنما أراد بذلک إرهابهم ليدخلوا فی طاعته● إذ هم أبوا البيعة فيما سلف، وهذا خبر لا يحتمل ذكره هنا، وقد أتينا على ذكره فی كتابنا فی مناقب أهل البيت وأخبارهم المترجم بكتاب حدائق الأذهان.

● كتمان حقایق و دست بردن در منابع تاریخی، نشانه ای است گویا به اینکه متعصبان اهل سنت در قبال توجیه این جنایت، جواب قانعی نداشته‌اند و چاره ای جز به حذف این جمله از منابع تاریخی نیافته اند، و اما آنچه در اینجا حذف شده عبارت زیر است:

«کما ارهب بنو هاشم و جمع لهم الحطب لاحراقهم»

**سند اهل سنت :**

مروج الذهب (فی المكتبة الشاملة) ۳۸۱/۱ [مسعودی م. ۳۴۶]

## مدرک دوم

«عن سلمان و عبدالله بن عباس قالا: ...فوثب عمر غضبان فنادی خالد بن ولید و قنفذا فأمرهما أن تحملا حطباً و ناراً...»

از سلمان و عبدالله بن‌عباس نقل شده که گفتند: عمر غضبناک برخاست و خالدبن ولید و قنفذ را صدا زد و به آن دو دستور داد که هیزم و آتش بیاورند .

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم/۳۸۶ [ سلیم بن قیس الهلالی م. ۹۰ ]

۲- بحارالانوار۴۳/ ۱۹۷ و۲۹۹/۲۸ [ علامه مجلسی م. ۱۱۱۰ ]

## مدرک سوم

«عن فاطمة الزهراء: ... فجمعوا الحطب الجزل علی بابنا وأتوا بالنار لیحرقوه و یحرقونا ...»

.. پس هیزم زیادی در کنار درب خانهٔ ما جمع کردند و آتش آوردند که در را بسوزانند وما را نیز بسوزانند ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۰ /۳۴۸ [ علامه مجلسی م. ۱۱۱۰ ]

۲- مجمع النورین /۱۴۷ [ ابو الحسن مرندی م. ۱۳۴۹ ]

۳- بیت الاحزان /۱۲۱ (مطبعة امیر) [ شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک چهارم

«نقل ابن خیزرانة [ابن جیرانة، ابن خزانة، ابن خنزابة] فی غُرَرِهِ قال زیدبن اسلم کنت مِمَّن حَمَلَ الحطب مع عمر الی باب فاطمة حین امتنع عَلِی و اصحابه عن البیعة ...»

ابن خیزرانه در کتاب غرر، از زیدبن‌اسلم روایت می‌کند که من از جملهٔ کسانی بودم که به هنگام خودداری علی علیه‌السلام و یارانش از بیعت، به همراه عمر هیزم به طرف درب خانهٔ فاطمه( علیهاالسلام ) بردیم ...

### اسناد شیعه :

۱- مثالب النواصب/۴۱۹ [ابن شهرآشوب م. ۵۸۸]

۲- الطرائف /۲۳۹ [ سید بن طاووس م. ۶۶۴]

۳- نهج الحق و کشف الصدق /۲۷۱[ علامه حلی م . ۷۲۶]

۴- احقاق الحق/ ۲۲۸ و (شرح احقاق الحق) ۳۷۳/۲ [ قاضی نور الله شوشتری ]

۵- شفاءالصدور فی الحاشیة ۲۷۹/۱ [ علامه ابوالفضل تهرانی ]

۶- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۲۵/۲ [رحمانی همدانی]

۷- مأساة الزهراء ۹۷/۲ و ۲۰۱ [ علامه عاملی ]

۸- الهجوم علی بیت فاطمة /۱۸۲ [عبدالزهراء مهدی]

### سند اهل سنت :

فلک النجاة /۱۲۱ قریب بهذا المضمون [علی محمد فتح الدین الحنفی م .۱۳۷۱]

## مدرک پنجم

«عن ابی جعفر علیه‌السلام : وذلك الحطب عندنا نتوارثه ...»

آن هیزم (که از آتش زدن درب باقی مانده) نزد ما موجود است و آن را (به عنوان سند مظلومیت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام از یکدیگر به ارث می‌بریم ...

**سند شیعه :**

دلائل الامامة (ط.الغری) /۲۳۸ و (ط: مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة) /۴۵۵ [طبری م. قرن ۴]

## مدارک دیگر

جمع آوری هیزم، پشت درب خانهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام در اسناد زیر هم آمده است :

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم /۱۵۰ [ سلیم بن قیس الهلالی م. ۹۰ ]

۲- تفسیر عیاشی ۳۰۸/۲ [عیاشی م. ۳۲۰]

۳- المسترشد /۲۲۵ فی الهامش [محمد بن جریر الطبری الامامی م. قرن ۴]

۴- کامل بهائی /۳۰۷ [شیخ عماد الدین الطبری م. قرن ۷]

۵- نوادرالاخبار(تحقیق انصاری قمی)/۱۸۳ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۶- البرهان (ط. اول دارالتفسیر قطع رحلی) ۴۳۵/۲ و (ط. آخر) ۴۲۴/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۷- بحارالانوار ۲۹۳/۳۰ و ۱۸/۵۳ و ۲۳۱/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- شرح احقاق الحق ۳۳ /۳۶۰ [سید المرعشی النجفی م. ۱۴۱۱]

۹- تشیید المطاعن ۴۳۳/۱ -۴۳۴ [سید محمد قلی نیشابوری م. ۱۲۶۸]

۱۰- الغدیر ۵ /۳۷۲ [علامه امینی]

۱۱- مستدرک سفینة ۸ /۴۰۵ [آیت الله نمازی]

۱۲- الکنی والالقاب ۳۸۶/۱ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۱۳- بیت الاحزان /۸۲ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## اسناد اهل سنت :

۱- الامامة و السیاسة ۱۲/۱ (تحقیق: الزینی) ۳۰/۱ (تحقیق: الشیری) ۱۲/۱ (ط. منشورات رضی) [ابن قتیبه م. ۲۷۶]

۲- انساب الاشراف ۱ /۵۸۷ و ۲ /۲۶۹ [البلاذری م. ۲۷۹]

۳- العقد الفرید ۵ /۱۲ [ابن عبد ربه م. ۳۲۸]

۴- مؤتمر علمای بغداد/۱۸۱ (تحقیق سید مرتضی رضوی) [مقاتل بن عطیة م. ۵۲۵]

۵- شرح نهج البلاغه ۱۴۷/۲۰ [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

۶- اعلام النساء / قسمت حرف فاء [عمر رضا کحاله]

۷- عمربن الخطاب /۱۸۳ [عبد الرحمن احمد البکری]

# دفاعیّه چهارم

در این دفاعیه اسناد حرکت آن کسی که **آتش به دست گرفته و به سوی خانهٔ فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام می رفت بیان شده است

## مشق مشعل ها

آمدند کافران، آمدند نامردان، در حالی‌که مشعل‌هایی از بغض علی را آتش‌ها داده بودند؛ و چشم در چشمهٔ زلال آفتاب انداخته، به ناموس خلقت، سنگ نفرت پرتاب می‌کردند. من به آستانهٔ این هنگامهٔ حقیقت سوزی، با حیرتی بغض‌دار می‌نگریستم و می‌گریستم.

رئیس سقیفه‌پیشگان آمد و فریاد کشید؛ فریادی که از هول آن کنگره‌های عرش نیز لرزیدند. من در آن لحظه، به رقص شمشیر خدا در آسمان تقدیر چشم دوخته بودم. چه می‌توانستم کرد که کشتی رسول اللّه، خانهٔ ناخدایان شده است و از منبرها، صدای جیغ غوک به گوش می‌رسد؟

راستی، سؤال‌هایی از شما دارم ای اهالیِ این محکمهٔ کذایی، آیا وکیلم نیامده است؟ آیا هنوز زمان دفاع از من نرسیده است؟

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«إنّ عمر جاء الی بیت علی لیحرّقه علی مَن فیه ...»

عمر به سوی خانهٔ علی[علیه‌السلام] آمد تا این‌که خانه را با هر که در آن است بسوزاند ...

**اسناد شیعه:**

۱- الغدیر ۷۷/۷ [علامه امینی م. ۱۳۹۲]

۲- الکنی و الالقاب ۳۸۶/۱ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

۳- الهجوم علی بیت فاطمة علیهاالسلام /۲۰۳ [عبد الزهراء مهدی]

**اسناد اهل سنت :**

روضة المناظر(چاپ درحاشیه کتاب الکامل ابن اثیر) ۱۱۳/۱۱ (چاپ افندی ۱۶۴/۷) [ابن شحنه م. ۸۸۲]

### مدرک دوم

«إنّ ابابکر ارسل الی علی یرید البیعة، فلم یبایع، فجاء عمر و معه فتیله فتلقّته فاطمة علی الباب...»

ابوبکر، سراغ علی[علیه‌السلام] فرستاد تا از وی بیعت بگیرد ولی او بیعت ننمود؛ لذا عمر در حالیکه مشعل را به دست داشت آمد، و فاطمه[علیهاالسلام] او را بر درب خانه‌اش مشاهده کرد ...

فاطمه سلام الله علیها

**سند شیعه:**

بحار الانوار ۳۸۹/۲۸ و ۴۱۱ قریب بهذا المضمون [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

**سند اهل سنت :**

انساب الاشراف (فی مکتبة الشاملة ۲۵۲/۱) و ۵۸۶/۱ و (ط. دارالفکر)۲۶۸/۲ [البلاذری م. ۲۷۹]

## مدرک سوم

«فاقبل عمر بشئ [بقبس] من نار علی ان یضرم [علیهم] الدار»

عمر با پاره‌ای از آتش پیش آمد تا خانه را به آتش بکشد...

**اسناد شیعه:**

۱- الطرائف/۲۳۹ [سید بن طاووس م. ۶۶۴]

۲- کامل بهائی /۳۰۷ [شیخ عماد الدین الطبری م. قرن ۷]

۳- نهج الحق و کشف الصدق/۲۷۱ قریب بهذا المضمون [علامه حلی م. ۷۲۶]

۴- احقاق الحق/۲۲۸ قریب بهذا المضمون [التستری م. ۱۰۲۰]

۵- بحار الانوار ۳۳۹/۲۸ قریب بهذا المضمون [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- الغدیر ۷۷/۷ [علامه امینی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- العقدالفرید (فی المکتبة الشاملة ۷۳/۲) و (دارالکتب العلمیة بیروت) ۱۳/۵ [ابن عبد ربه م. ۳۲۸]

۲- المختصر فی اخبارالبشر (فی المکتبة الشاملة ۱۰۷/۱) و ۱۵۶/۱ [ابی الفداء م. ۷۳۲]

# دفاعیّه پنجم

موضوع این دفاعیـه مدارکی‌است که **فرمان بـه آتش کشیدن خانهٔ فاطمهٔ زهراء** علیها السلام **و تهدید** به آن‌را بیان می‌کند

## فرمان آتش

آنان نگاهشان، تجدید یک حماقت ازلی بود و تلاش کروبیان در شکستن این خمرهٔ بلاهت، به بیراهه می‌رفت. کاش امیدی می‌توانستیم یافت!

اما ناگهان در این هنگامه، فریاد" بسوزانید" برخاست، و در آن لحظه بود که مشعل‌های حرامیان، قلعهٔ حماسه‌های پر از نور را با قلعه‌نشینانش، هدف بی‌حرمتی قرار داد.

آمدند تا بسوزانند خانهٔ امید رسول الله را؛ و دشنه‌های انتقام یک کینهٔ کهنهٔ جاهلی بود که تا نیمه از نیام سر بیرون می‌کشید. آیا هنگامهٔ اذا الشمس کوّرت هیچگاه می‌تواند به هولناکی لحظهٔ فرمان روشن کردن آتش بر درب خانهٔ علی باشد؟

آه از این قوم که چه آسان یقین ایمان را کفر پنداشتند و چه مطیعانه آتش برافروختند بر کنگره‌های عرش رحمانی!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«...فقال ابوبکر لقنفذ ارجع فان خرج و الّا فاقتحم [فاهجم] علیه بیته فان امتنع فاضرم علیهم بیتهم النار...»

...ابوبکر به قنفذ گفت: بازگرد به خانه علی علیه‌السلام اگر از خانه خارج شد که هیچ و گرنه بر (خانهٔ) او هجوم برید و اگر [از خروج برای بیعت] امتناع کرد خانه‌اش را به آتش بکشید...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم /۱۵۱ [سلیم بن قیس الهلالی م. ۹۰]

۲- الاحتجاج ۱۰۹/۱ [طبرسی م.۵۶۰]

۳- غایة المرام ۳۱۷/۵ [بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲- بحارالانوار ۲۸۳/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

### مدرک دوم

«فقال عمر بن خطاب: إضرموا علیهم البیت ناراً...»

پس عمر گفت: خانه را بر آنها آتش بزنید ...

**اسناد شیعه :**

۱- تفسیر امام عسکری المنسوب الی الامام العسکری(ط. مهر قم)/۱۰۸

۲- امالی شیخ مفید(مطبعة الاسلامیة)/۴۹ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۳- غاية المرام ۳۳۴/۵ [بحرانی م. ۱۱۰۷]

۴- بحار الانوار ۲۳۱/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک سوم

قال النظام[1]:

«و كان يصيح احرقوا دارها بمن فيها و ما كان فی الدار غير علی و فاطمة و الحسن والحسين...»

عمر [به خانه فاطمه (عليها السلام) حمله ور شده و] فرياد كشيد: خانه را با اهلش به آتش بكشيد و در خانه كسی جز [حضرت] علی[عليه السلام] و فاطمه[عليها السلام] و [امام] حسن و حسين[عليهما السلام] نبود ...

**سند اهل سنت :**

الملل و النحل (فی المكتبة الشاملة) ۷/۱ و (تحقيق محمد سيد گيلانی) ۵۷/۱ و (مكتبة الانجلو المصرية) ۵۹/۱ نقله عن غيره[2] [شهرستانی م. ۵۴۸]

## مدرک چهارم

«قال عمر: . . . والله لأحرّقنّ عليكم او لتخرجُنّ الى البيعة»

عمر گفت: ... به خدا قسم يا برای بيعت بيرون می‌آييد يا خانه را به رويتان آتش می‌زنم.

---

۱- و هو من رؤساء المعتزلة

۲- معلوم می شود که در عصر شهرستانی اين قضايا مشهور بوده اگرچه او آنرا به شيعه نسبت داده است .

## اسناد شیعه :

۱- نهج الحق و کشف الصدق /۲۷۱ [العلامة الحلی م.۷۲۶]

۲- احقاق الحق /۲۲۸ [تستری م. ۱۰۲۰]

۳- بحار الانوار ۲۳۸/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## اسناد اهل سنت :

۱- الامامة و السیاسة (تحقیق: الزینی) ۱۹/۱ و (تحقیق: شیری) ۳۰/۱ قریب بهذا المضمون [ابن قتیبه م. ۲۷۶]

۲- تاریخ الطبری ،الامم و الملوک (تحقیق: نخبة من العلماء الاجلاء) و (فی المکتبة الشاملة موافق للمطبوع) ۴۴۳/۲ و (غیر موافق للمطبوع) ۱۱۶/۲ (ط.مطبع الاستقامة بالقاهرة) ۱۹۸/۳ و (ط. آخر)۲۰۲/۳ [محمد بن جریرطبری م. ۳۱۰]

۳- شرح نهج البلاغة (مع اختلاف یسیر) ۵۶/۲ و۴۸/۶ [ ابن ابی الحدید م.۶۵۶ ]

## مدرک پنجم

«قالت له طائفة خافت الله، و رعت الرسول فی عقبه: یا اباحفص، انّ فیها فاطمة فصاح لایبالی و إن ...»

طایفه‌ای که از خدا می‌ترسیدند و می‌خواستند رعایت حال پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را در مورد دخترش بنمایند، گفتند: ای ابا حفص [کنیۀ عمر]، در این خانه فاطمه[علیها السلام] است! او گفت: اگر چه فاطمه[علیها السلام] باشد(خانه را به آتش می کشم).

## سند اهل سنت :

السقیفة و الخلافة /۱۴ [عبد الفتاح عبدالمقصود

## مدرک ششم

﴿و قالت فاطمة یابن الخطاب أتراك محرّقاً علی بابی قال : نعم و ذلك اقوی فیما جاء به ابوك...﴾

فاطمه[ علیها السلام ] فرمود: ای پسر خطاب آیا می‌خواهی درب خانه‌ام را آتش بزنی؟ عمر گفت: آری، این محکم ترین امر است در آنچه پدرت آورده ...

**اسناد شیعه :**

۱- الشافی فی الامامة ۲۴۱/۳ [الشریف المرتضی م. ۴۳۶]

۲- تلخیص الشافی ۷۶/۳ [الشیخ الطائفة ابوجعفر طوسی م.۴۶۰]

۳- مثالب النواصب /۴۱۹ [ابن شهر آشوب المازندرانی م. ۵۸۸]

**سند اهل سنت :**

انساب الاشراف (فی المکتبة الشاملة) ۲۵۲/۱ و (ط. دارالفکر بیروت) ۲۶۸/۲ [بلاذری م. ۲۷۹]

## مدارک دیگر

در منابع زیر، نیز تهدید به آتش زدن خانه ذکر شده است :

**اسناد شیعه :**

۱- کامل بهائی /۳۰۸ [شیخ عماد الدین الطبری م. قرن ۷]

۲- شرح احقاق الحق ۳۷۳/۲ [السید المرعشی النجفی م. ۱۴۱۱]

۳- اثبات الهداة ۳۳۴/۲-۳۸۳ [حر عاملی م. ۱۱۰۴]

۴- مرآة العقول ۳۱۹/۵-۳۱۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- بحارالانوار ۱۹۷/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- عوالم العلوم۴۰۱/۱۱ [الشیخ عبدالله بحرانی م. قرن۱۱]

۷- دلائل الصدق ۷۸/۳ [الشیخ محمد حسن المظفر م. ۱۳۷۵]

۸- النص والاجتهاد (تحقیق و ناشر ابو مجتبی)/۳۸۲ و (ط. مطبعة النجف)/۲۱۳ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

## اسناد اهل سنت :

۱- المصنّف (فی المکتبة الشاملة و تحقیق سعید محمد اللحام) ۵۷۲/۸ و طبع آخر ۴۳۲/۷ [ابن ابی شیبه م. ۲۳۵]

۲- انساب الاشراف (دارالمعارف مصر) ۵۸۶/۱ [ البلاذری م. ۲۷۹]

۳- السقیفة و فدک (تحقیق شیخ محمد هادی امینی) /۵۳ و ۷۳ و (مکتبة نینوا الحدیثة تهران)/۷۱ [جوهری م. ۳۲۳]

۴- شرح نهج البلاغة (داراحیاء الکتب العربیة) ۴۵/۲ [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

۵- اعلام النساء (ط. دمشق ،قسمت حرف فاء) ۱۲۵/۳ [عمر رضا کحالة]

# دفاعیه ششم

در این دفاعیه مدارک مربوط بـه واقعهٔ **آتش زدن خانهٔ فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام ارائه می گردد

## شعله بر کنگره عرش خدا

آیا انسان‌هایی که پا در زنجیر دورویی و غفلت، به آهنگ صور کفر از خاک برمی‌خیزند، شرم از تاریخ نمی‌کنند؟

از آنجا که استفراغ هر کلام شرم‌آگین، پاسخی مشبع و محکم در خویش دارد؛ آیا نمی‌هراسند از قضاوت بشریت دربارهٔ خویش؟

پس ای جماعت، بدانید که هیچگاه دهان هیچ کفتاری، خزانهٔ گوهر توحیدی نمی‌شود و نخواهد شد!

هنوز در حیرتم که چگونه به فرمانی و دستوری، آتش زدید به خانه‌ای که کعبه طوافش می‌کند و جبرئیل امین، خاک دیوارهایش را به تبرک، بر کنگره‌نشینان عرش می‌پراکند!

چرا آتش زدید درب آن منزل ایمان را و گوش فرا دادید به فرمان کسانی که نمی‌دانم چه نامشان برنهم؟! این بیداد را حتی واژگان نیزقدرت گفتن ندارند. حتی واژگان از اینکه ابزار توصیف این شناعت باشند، بیزارند.

مگر در حسرت یک تکه نان، نبض رگ‌های شما لگد به زمین می‌کوفت که به وعده‌ای کور و بی‌مقدار، پشت پا بر پیمان الاهی غدیر زدید و آتش افکندید در خانه‌ای که چشمه‌سار معرفت و رحمت بود!

آه که من بر عاقبتتان بسیار بیمناکم ای جماعت ...

بیمناکم بسیار!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«فوجهوا الی منزله فهجموا علیه و أحرقوا بابه واستخرجوه منه کرهاً...»

... پس راه خانهٔ علی [علیه‌السلام] را در پیش گرفتند و به او یورش بردند ، درب خانه‌اش را آتش زدند، و او را به زور بیرون کشیدند ...

**سند اهل سنت** :

اثبات الوصیة /١۵۵و (ط. مرکز المصطفی)/١٢۴ [ مسعودی م. ٣۴۶]

## مدرک دوم

«قالت فاطمة الزهراء (علیها السلام): ... فسقطت لوجهی والنار تسعر وتسفع وجهی ...»

فاطمهٔ زهرا علیها السلام فرمودند: ... پس به صورت، روی زمین افتادم و آتش شعله می‌کشید و صورتم را می‌گداخت ...

**اسناد شیعه:**

۱- بحارالانوار ۳۰/ ۳۴۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- فاطمة بهجة قلب المصطفی(عربی) ۵۳۱/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک سوم

«قال علی (علیه السلام) لعمر] ولکأنّی انظر الیکما و قد اُخرجتما من قبرکما غضین طریین حتی تصلبا علی الدوحات فیکون ذلک فتنةً لمن احبّکما ... ثمّ یؤمر بالنار و هی النار التی اضرمتموها علی باب داری لتحرقونی و فاطمة بنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) وابنَی الحسن والحسین وابنَتَی زینب وام کلثوم حتی تحرقا نها ...»

حضرت علی علیه السلام به عمر فرمودند: و هر آینه می‌بینم شما دو نفر را که از قبرتان با بدن‌هایی تازه، بیرون کشیده شده‌اید (به وسیله فرزندم مهدی علیه السلام) تا اینکه به درختان تنومندی آویزان شوید؛ پس البته این واقعه موجب گمراهی کسانی است که شما را دوست

می‌دارند: ... سپس امر می‌شود به آتش، و آن همان آتشی است که برافروختید برخانه‌ام تا من و فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دو پسرم، حسن وحسین و دو دخترم، زینب و ام‌کلثوم علیهم‌السلام را با آن بسوزانید ...

**سند شیعه :**

مدینة المعاجز(ط. مؤسسة معارف الاسلامیة)۲۴۵/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

## مدرک چهارم

﴿وقد روی إبراهیم بن سعید الثقفی، قال: حدثنا أحمد بن عمرو البجلی، قال: حدثنا أحمد بن حبیب العامری، عن حمران بن اعین عن ابی عبدالله جعفر بن محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: والله ما بایع علی علیه‌السلام حتی رای الدخان قد دخل علیه بیته.﴾

به خدا قسم علی علیه‌السلام بیعت نکرد تا اینکه دید دود داخل خانه‌اش شده است.

**اسناد شیعه :**

۱- الغارات [ابراهیم بن محمد ثقفی م. ۲۸۳]

۲- الشافی فی الامامة (مؤسسة الصادق تهران) ۲۴۱/۳ [الشریف المرتضی م. ۴۳۶]

۳- بحار الانوار ۳۹۰/۲۸-۴۱۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدارک دیگر

آتش زدن درب خانهٔ فاطمهٔ زهرا (علیها السلام) در منابع زیر نیزآمده است:

### اسناد شیعه :

۱- حلیة الابرار۶۶۷/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲- فاطمة بهجة قلب المص ذطفی/۵۲۸/۲ [رحمانی همدانی]

### اسناد اهل سنت :

۱- اثبات الوصیة /۱۴۲ [مسعودی م. ۳۴۶]

۲- مؤتمر علماء بغداد (تحقیق سید مرتضی رضوی)/۱۸۱ و طبع آخر / ۱۳۵- ۱۳۷ [مقاتل بن عطیه م. ۵۲۵]

# دفاعیّه هفتم

در این دفاعیه اسناد مربوط به **آزردن فاطمۀ زهراء** علیهاالسلام **در اثر فشار بین در و دیوار** ارائه می‌گردد

## در نهیب چوب و دیوار

من در آن دم، به پشت در آمدم تا سخنی آرام بگویم که دل‌سوزشان بودم. می‌ترسیدم از عاقبتی هول و نژند که امت رسول خدا را به کام کفر و نفرین خود می‌کشانْد. من برای انذار آمدم به پشت درب خانه ، تا بگویم : ای قوم در بیراهه مبهوت، باز گردید از کوی دنائت و چونان خاک باشید راهِ اهلِ بیتِ عصمت و طهارت را.

خواستم بگویم که اندکی صبر نمایید و گوش فرا دهید! شاید انبوه پنبۀ سیاه بنی سقیفه، تمام دالان گوش جانتان را خفه نکرده باشد؛ و پیام حقیقت ما را بتوانید گواراتر نیوشیدن نمایید!

خواستم بگویم که حیف از شما که در رکاب پدرم، شرق و غرب عالم را شمشیر جهاد زدید تا به نام مبارک اسلام آذین بندد اینگونه سبیل شنیع شقاوت را پله پله هبوط نکنید!

می‌خواستم بگویم که ...

لگدی بر درب سوخته ... آه سوختم ...

و دیگر چیزی در نیافتم.

سوختم! فقط همین.

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«إنه حَصَرَ فاطمة فی الباب حتی أسقطت محسناً»

عمر، فاطمه علیها السلام را چنان در میان در فشرد که محسن را سقط کرد.

**اسناد شیعه :**

۱- الصراط المستقیم ۳ /۱۲ [علی بن یونس العاملی م. ۸۷۷]

۲- شرح احقاق الحق ۲۷۲/۲ [سید المرعشی]

۳- شفاءالصدور ۲۸۲/۱ فی الهامش (تحقیق علی موحد ابطحی )[علامه میرزا ابو الفضل تهرانی]

۴- مأساة الزهراء ۱۳۲/۲ [ علامه عاملی ]

**سند اهل سنت :**

بلاذری (علی ما فی اثبات الهداة ) ۳۷۰/۲ [م. ۲۸۹]

## مدرک دوم

«فركلت الباب و قد الصقت احشاءها بالباب تترسه و سمعتها و قد صرخت صرخة حسبتها قد جعلت اعلى المدينة اسفلها ...»

**[اعتراف عمر در نامهٔ به معاویه] :**

در حالیکه او سینهٔ خود را به درب چسبانده و خود را به پشت درب پوشانده بود، با لگد محکم به درب خانه زدم و شنیدم فریادی کشید که گمان کردم شهر مدینه زیر و رو شده ...

**اسناد شیعه :**

۱- النقض/۳۰۲ [عبالجلیل قزوینی م. ۵۶۰]

۲- بحار الانوار ۲۹۴/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۴۰۸/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م.قرن۱۱]

۴- بیت الاحزان/۱۲۱ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

۵- مأساة الزهرا ۱۸۱/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۶- وفیات الائمة /۱۲۳ [مراجع من العلماء الاعلام]

# مدارک دیگر

در منابع زیر نیز به فشار بین در و دیوار اشاره شده است :

## اسناد شیعه :

۱- معانی الاخبار/۲۰۶ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بلد الامین/۵۵۱ [کفعمی م. ۹۰۰]

۳- وفاة الصدیقة (س) /۶۷ [عبدالرزاق مقرم م. ۱۰۴۳]

۴- بحارالانوار ۴۲/۳۹ و۸۲ /۲۶۴ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- عوالم العلوم۴۱۷/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م.قرن۱۱]

۶- مأساة الزهرا ۳۱۹/۱ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## اسناد اهل سنت :

۱- اثبات الوصیة /۱۴۲ [مسعودی م. ۳۴۶]

۲- مؤتمر علماء بغداد /۱۸۱ [مقاتل بن عطیه م. ۵۲۵]

# دفاعیّه هشتم

اسناد مربوط به اصابت میخ در به **بدن فاطمهٔ زهرا** علیها السلام

در این دفاعیه بیان شده است

## سینهٔ سوخته

می‌سوختم، سنگین و سوزناک و بر سینه‌ام گزش میخی را حس می‌کردم که می‌سوزاند؛ و پرپر می‌کرد قلب محزون علی را!

او یک دم از من و خیالم چشم نمی‌بست؛ و امیدش من بودم تا زمانی‌که بر پای خویش می‌ایستادم؛ و میخی ناچیز و سوزاننده می‌رفت تا در پهلویم امیدش را کم‌رنگ کند.

می‌سوختم به عشق علی و رقص زبانه‌های آتش بر قامتم، خاطرهٔ ابراهیم را در آتش زنده می‌کرد. اما ابراهیم در آتش آسوده بود. غمی نداشت، زیرا به یمن اسم اعظم هو، آتش‌اش گلستان شد و برای خود خوش بود در آن شعله‌های مسخ شده!

اما من با آنکه خود صحیفهٔ اسم اعظم بودم، با آنکه من تنها، گلستان آرزوهای علی بودم که، در آتش نمرودیانِ زمانه سوختم و قلب خائنان پدرم از این واقعه، برداً و سلاما شد.

آه ... می‌سوزم از یاد آن زبانه‌ها و یگانه خنکای قلب محزونم، زیارت قامت وکیلم خواهد بود.که دیرآمدی سخت نموده است!

صدایش کنید شاید اندکی تعجیل کند!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

﴿و لمّا جاءت فاطمة خلف الباب لترد عمر و حزبه، عَصَرَ عمر فاطمة بين الحائط والباب عصرةً شديدةً قاسيةً حتى اسقطت جنينها و نبت مسمار الباب فی صدرها...﴾

وقتی حضرت فاطمه علیهاالسلام پشت در آمد تا عمر و حزبش را برگرداند؛ عمر، فاطمه علیهاالسلام را بین در و دیوار به شدت فشار داد تا فرزندش سقط شد و میخ در، به سینهٔ زهرا علیهاالسلام فرو رفت.

**اسناد شیعه :**

۱- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه ) /۷۹۹ [رحمانی همدانی]

۲- مواقف الشیعه ۱۲۶/۳ [علی احمدی میانجی]

۳- مأساة الزهرا ۳۵۳/۱ و ۱۹/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۴- الهجوم علی بیت فاطمة /۱۸۷ [عبد الزهرا مهدی]

**سند اهل سنت :**

مؤتمر علماء بغداد /۱۸۱ [مقاتل بن عطیه م. ۵۲۵]

# دفاعیه نهم

موضوع این دفاعیه، اسناد مربوط بـه **داخل شدن بدون اجازه، به خانهٔ فاطمهٔ زهراء** علیها السلام است

## ننگ یک هجوم

آه از آن دم که هجوم آوردند! آه ...

آنان حمله‌ور شدند به خانه‌ای که ترس و بزدلی در پناهش به مقام رفیع شجاعت نایل می‌شد و خانهٔ یلان تاریخ بود.

آری، هجوم آوردند، هجومی که حرامیان بر کاروانی بی‌پناه هم در خیال خود نمی گذراندند!

بی‌شرمانه به خانه‌ای دویدند که کروبیان برای ورود به آن، در صف اجازت گرفتن، سالها منتظر می‌ماندند و بی‌زیارت اذن، قدم به اندرونش نمی‌نهادند.

های ...

های ...

های ... که چه دنیای کثیفی است دنیای بی‌حیایی کـه نمـی‌فهمنـد ایـن خانه، خانهٔ خداست!

و باید که در آن طاهر بود و طیبات سرود! نه آن که با قدمی آکنده از نجاستِ طغیان و قلبی مملو از تعفنِ نفاق، پای بر جواهر خاکش نهاد!

آه که چه دنیای کثیفی است دنیای بی‌وفایی!

**مقدمه:**

قال الله عزوجّل:

﴿یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الاّ ان یؤذن لکم﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، بدون اذن به خانه‌های پیامبر داخل نشوید[۱].

و قال رسول الله صلی الله علیه وآله:

﴿ألا انّ فاطمة علیها السلام بابها بابی و بیتها بیتی فمن هتکه فقد هتك حجاب الله﴾

بدانید همانا درب خانهٔ فاطمه علیها السلام، درب خانهٔ من است وخانهٔ فاطمه علیها السلام خانهٔ من است پس کسی که حرمت خانهٔ فاطمه علیها السلام را بشکند، به تحقیق حجاب خدا را هتک کرده است[۲].

۱- (احزاب/۵۳)

۲- (بحارالانوار ۴۷۷/۲۲)

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

﴿وبلغ أبا بكر وعمر أن جماعة من المهاجرين والأنصار قد اجتمعوا مع علی بن أبی طالب فی منزل فاطمة بنت رسول الله، فأتوا فی جماعة حتی هجموا الدار، وخرج علی ومعه السیف، فلقیه عمر، فصارعه عمر فصرعه، وكسر سیفه، ودخلوا الدار فخرجت فاطمة فقالت: والله لتخرجن أو لأكشفن شعری ولأعجن إلی الله !...﴾

به ابابکر و عمر خبر رسید که عده‌ای از مهاجرین و انصار با علی‌بن‌ابیطالب در خانهٔ فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اجتماع نموده‌اند پس (عمر) با جماعتی آمدند تا اینکه به خانه هجوم آوردند و علی علیه‌السلام در حالی که شمشیری با او بود بیرون آمد و با عمر بر خورد نموده و عمر بر ایشان حمله نموده و ایشان را بر زمین زده و شمشیرش را شکست[1] و آنها (عمر با آن جماعت) داخل خانه شدند، پس فاطمه علیهاالسلام بیرون آمده و فرمودند:

به خدا قسم باید از خانه‌ام خارج شوید یا (در پیشگاه خداوند) مویم را برهنه ساخته و به جانب او ناله و زاری می‌کنم.

**سند شیعه :**

تاریخ یعقوبی ۱۲۶/۲ [یعقوبی م. ۲۹۲]

---

۱– البته بر طبق روایات صحیحه از جمله کافی ۲۸۱/۱ و ۲۸۲ حضرت بنای مقاتله با مهاجمین را نداشتند و از طرف خداوند متعال مأمور به صبر در این مصائب بودند.

## مدرک دوم

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: لمّا اسری بالنبی قال له :

«...واما ابنتك فتظلم... و يدخل [عليها و] على حريمها و منزلها بغير اذن ...»

امام صادق علیه السلام نقل فرمودند: هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به معراج بردند، جبرئیل به آن حضرت عرض کرد: ... دخترت مورد ستم قرار می‌گیرد و بدون اجازه، بر حریم او و منزلش وارد می‌شوند ...

**اسناد شیعه :**

١- کامل الزیارات (تحقیق قیومی)/٥٤٨ و (طبع آخر) /٣٣٢ - ٣٣٥ [ابن قولویه م. ٣٦٨]

٢- بحارالانوار ٢٨ /٦٢ [علامه مجلسی م. ١١١٠]

٣- عوالم العلوم ١١ / ٣٩٨ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ١١]

## مدرک سوم

«فقالت [ فاطمة الزهرا علیها السلام ] : يا عُمَر اما تتقى الله عزوجل تدخل على بيتى و تهجم على دارى ؟ فأبى أن ينصرف ...»

[فاطمهٔ زهرا علیها السلام] فرمود: ای عمر، از خدا پروا نداری؟ به خانه‌ام وارد می‌شوی و بر خانه‌ام هجوم می‌آوری؟ پس او از بازگشتن امتناع کرد.

**اسناد شیعه :**

١- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری) /٣٨٧ [سلیم بن قیس م. ٩٠]

٢- کامل بهائی /٣٠٨ [شیخ عماد الدین الطبری م. قرن ٧]

٣- بحارالانوار ٢٨/ ٢٩٩ و ١٩٧/٤٣ [علامه مجلسی م. ١١١٠]

## مدرک چهارم

«عن عمرو بن ابی المقدام عن ابیه عن جده قال: ... و هی لا تشکّ ان لا یدخل علیها إلاّ باذنها فضرب عمر الباب برجله فکسره و کان من سعف ثمّ دخلوا ...»

عمروبن ابی‌المقدام از اجدادش نقل می‌کند ... و او [حضرت زهرا علیها السلام] شکّ نداشت که بدون اجازه‌اش کسی وارد نخواهد شد. پس عمر لگدی به درب خانه زد و آن را که از شاخهٔ درخت خرما بود شکست سپس وارد خانه شد...

**اسناد شیعه:**

۱- تفسیر عیاشی ۶۷/۲ [عیاشی م. ۳۲۰]

۲- الاختصاص/۱۸۵ الی ۱۸۶ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۳- تفسیربرهان ۹۳/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۴- بحارالانوار ۲۲۷/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک پنجم

«فجاء عمر فی عصابة فیهم اسیدبن حضیر و سلمة بن سلامة بن قریش و هما من بنی عبدالاشهل فاقتحما الدار فصاحت فاطمة و ناشدتهما الله ...»

پس عمر با گروهی که در میان آنها اسیدبن حضیر و سلمة بن سلامة بن قریش که آن دو از طایفهٔ بنی عبدالاشهل بودند، آمد؛ پس

آن دو داخل خانه شدند و فاطمه علیهاالسلام فریاد کشیده و آن دو را به خدا قسم داد (که از خانه خارج شوند)...

**اسناد شیعه:**

۱- غایة المرام ۳۴۰/۵ [علامه بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲- بحار الانوار ۳۱۴/۲۸ قریب بهذا المضمون [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک (تحقیق شیخ محمد هادی امینی) /۷۲ و (مکتبة نینوا الحدیثة تهران)/۷۰ [جوهری م.۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغه ۴۷/۶ [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

## مدرک ششم

«وددت (لیتی) أنی لم أکن کشفت (فتّشت) بیت فاطمة علیها السلام (و ترکته)...»

(ابوبکر گفت:) دوست می‌داشتم (ای کاش من) نمی‌گشودم (تفتیش نمی‌کردم) خانهٔ فاطمه علیهاالسلام را، (و خانهٔ او را واگذاشته بودم)..

عبارت فوق با تفاوت اندکی در این منابع موجود است:

**اسناد شیعه :**

۱- الایضاح/۱۶۰- ۱۶۱ [فضل بن شاذان م. ۲۶۰]

۲- تاریخ یعقوبی (نشر فرهنگ اهل بیت) ۱۳۷/۲ و (طبع آخر) ۱۲۶/۲ [یعقوبی م. ۲۸۴]

٣- خصال/١٧٢ [شیخ صدوق م. ٣٨١]

۴- تقریب المعارف/٣۶۶-٣٩٧ [ابوالصلاح الحلبی م. ۴۴٧]

۵- تلخیص الشافی٣/١٧٠ [شیخ طوسی م. ۴۶٠]

۶- مثالب النواصب (نسخه خطی)/١۵۵ [ابن شهر آشوب م. ۵٨٨]

٧- انوار الیقین/١٢ [الحسینی الزیدی م. ۶٧٠]

٨- تحفة الابرار/٢۴٧ [عمادالدین طبری م. قرن ٧]

٩- کامل بهائی (تحقیق صفدری قزوینی) /٣۵۵ [عماد الدین الطبری م. قرن ٧]

١٠- نهج الحق/٢۶۵ [علامه حلی م. ٧٢۶]

١١- منهاج الکرامة (تحقیق عبد الرحیم مبارک) /١٨٠ – ١٨١ و (ط. الحجر)/٨۶ [علامه حلی م. ٧٢۶]

١٢- کشف المراد (تحقیق حسن زاده آملی)/۵١١ و (تعلیق جعفر سبحانی)/٢٠٣ و (تحیق موسوی زنجانی)/۴٠٣ [علامه حلی م. ٧٢۶]

## اسناد اهل سنت :

١- جمهرة النسب (ط. داراليقضة العربية دمشق)٢/٩۴ [ابن الکلبی م. ٢٠۴]

٢- الاموال (فی المکتبة الشاملة) ١/٣٨٧ [ابن زنجوية م. ٢۵١]

٣- الامامة والسیاسة (تحقیق شیری) ١/٣۶ و (تحقیق الزینی) ١/٢۴ [ابن قتیبة م. ٢٧۶]

۴- تاریخ طبری (فی المکتبة الشاملة موافق للمطبوع) ٢/۶١٩ و (غیر موافق للمطبوع) ٢/٢٢٠ و (تحقیق نخبة من العلماء الاجلاء) ٢/۶١٩ و (طبع آخر) ٣/۴٣٠-۴٣١ و (ط. مؤسسة عزالدین بیروت) ٣/٢١۵ [طبری م. ٣١٠]

۵- السقیة وفدک (تحقیق محمد هادی امینی)/۴٣ و (ط. مکتبة نینوا الحدیثة تهران)/٧٣ [جوهری م. ٣٢٣]

۶- العقدالفرید (فی المکتبة الشاملة) ٢/٧٨ و (ط. مکتبة النهضة المصریة بیروت) ۴/٢۶٨ و (ط. آخر) ۴/٢۵٠ [ابن عبد ربه الاندلسی م. ٣٢٨]

٧- مروج الذهب (فی المکتبة الشاملة) ١/٢٩٠ (ط. بیروت) ٢/٣١٧ و (ط. آخر)٢/٣٠١-٣٠٢ [مسعودی م. ٣۴۶]

٨- معجم الکبیر (فی المکتبة الشاملة) ١٧/١ و (ط. داراحیاء تراث العربی) ۶۲/۱ [طبرانی م. ۳۶۰]

۹- تاریخ مدینة الدمشق (فی المکتبة الشامله) و (تحقیق علی شیری) ۳۰/ ۴۱۹ الی ۴۲۲ [ابن عساکر م. ۵۷۱]

۱۰- الاحدیث المختارة۱۰/۸۸- ۹۰ [ضیاء الدین الحنبلی م. ۶۴۳]

۱۱- شرح نهج البلاغة ۲/۴۶-۴۷ و ۵۱/۶ [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

۱۲- میزان الاعتدال (فی المکتبة الشاملة) و (تحقیق علی محمد البجاوی) ۱۰۹/۳ [ذهبی م. ۷۴۸]

۱۳- سیر اعلام النبلاء سیر خلفاء راشدین ۲/ ۶۱۹ [ذهبی م. ۷۴۸]

۱۴- تاریخ الاسلام ، عهدالخلفاء الراشدین (فی المکتبة الشاملة) ۳۸۵/۱ و (ط. دارالکتب العربی) ۱۱۷/۳ – ۱۱۸ [ذهبی م. ۷۴۸]

۱۵- جامع المسانید و السنن۶۵/۱۷ [ابن کثیر دمشقی م. ۷۷۴]

۱۶- مجمع الزوائد (فی المکتبة الشاملة) و (نشر دار الکتب العلمیة) ۲۰۳/۵ [الهیثمی م. ۸۰۷]

۱۶- لسان المیزان (فی المکتبة الشاملة) ۱۸۵/۲ و (ط. مؤسسة اعلمی) ۱۸۹/۴ [ابن حجر عسقلانی م.۸۲۵]

۱۷- مسند فاطمة الزهراء(ط. حیدر آباد)/ ۱۷و (ط. مؤسسة الکتب السقافیة بیروت)/۳۴-۳۵ [سیوطی م. ۹۱۱]

۱۸- کنزالعمال (فی المکتبة الشاملة) ۶۳۲/۱ و (طبع مؤسسة الرسالة) ۶۳۱/۵ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۱۹- الضعفاء الکبیر (فی المکتبة الشاملة) ۱۱۷/۷ [عقیلی]

## مدرک هفتم

«فانطلق قنفذ [الملعون] فاقتحم هو وأصحابه بغير إذن، وثار علي عليه السلام إلى سيفه فسبقوه إليه وكاثروه [وهم كثيرون] فتناول بعضهم سيوفهم [سيفه] فكاثروه [وضبطوه] فألقوا في عنقه حبلا وحالت بينهم و بينه فاطمة عليها السلام عند باب البيت...»

پس قنفذ [ملعون ] حرکت کرد و او با اصحابش بدون اذن در خانه وارد شدند و علی علیه‌السلام بجانب شمشیرش برخاست ولی آنها زودتر از علی علیه‌السلام بجانب شمشیر رفتند و آنها جمعیت بسیاری بودند و شمشیرهایشان را گرفتند، پس بر گردن او ریسمانی انداختند و فاطمه علیهاالسلام نزد در بین ایشان و علی علیه‌السلام فاصله انداخت.

**اسناد شیعه:**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری) ۱۵۰/ [سلیم بن قیس م. ۹۰]

۲- احتجاج ۱۰۹/۱ (قریب بهذا المضمون) [طبرسی م. ۵۶۰]

۳- غاية المرام ۳۳۵/۵ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۴- بحار الانوار ۲۶۹/۲۸ - ۲۸۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

# دفاعیّه دهم

در ایـن دفاعیه مدارک پیرامون **ضرب (زدن) واقع شده بر پیکر فاطمهٔ زهراء** علیها السلام ذکر گردیده است

## حمله بر پیکر خورشید

آمدند از برای لکه‌دار کردن پیکرِ ناموسِ خلقت و خاک‌اندود کردن آیینهٔ جمال الاهی.

آمدند تا به قصد آن تازیانه‌هایی که از حضور ایمانِ پدرم، بر قلب کفر اندودشان خورده بود، انتقامی فزاینده بگیرند.

آمدند تا بزنند محرم راز خدا را و زدند؛ آنقدر که خنک شد خاطر تلخ شکست لات و عزی به دست ایمان‌آفرینِ شوی‌ام علی.

اما غمی نیست این جورِ اشقیا را، و مقداری ندارد آن، در برابر عظمت شوهرم که هر ذرهٔ وجودم، نجوا می‌کند در رقص خون با تار گیسویش!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«لمّا اوقف علی علیه‌السلام تکلم فقال: اینها الغدرة الفجرة ... فاستعدوا للمسألة جواباً، و لظلمکم لنا اهل البیت احتساباً أوتُضرب الزهراء نهراً و یؤخذ منا حقنا قهراً و جبراً فلا نصیر و لامُجیر و لامسعد و لا منجد؟ فلیت بن ابی طالب مات قبل یومه فلا یری الکفرة الفجرة قد ازدحوا علی ظلم الطّاهرة البرة فَتَبّاً تَبّاً و سُحقاً سُحقاً ذلك امرُ الی الله مرجعه و الی رسول الله مدفعه فقد عزّ علی علی بن ابیطالب ان یسودَّ متن فاطمة ضرباً و قد عرف مقامه و شوهدت ایامه...»

هنگامی‌که حضرت علی علیه‌السلام سر پا نگه داشته شده بود [تا بیعت کند] لب به سخن گشود و چنین فرمود: ای نیرنگ بازان تبهکار، آمادهٔ پاسخگویی کارهای خود و کیفری باشید که بر اثر ستمی که بر ما اهل بیت روا داشتید در انتظارتان می‌باشد.

آیا فاطمه علیهاالسلام در روز، کتک بخورد و حق ما به زور گرفته شود و یاور و پناه و کمکِ کننده و معینی نباشد؟

ای کاش علی بن ابیطالب علیه‌السلام پیش از این روز از دنیا رفته بود و کافرانِ تبهکارِ فاجر را نمی‌دید که بر ظلم و ستم بر بانوی پاک و نیکوکار، اجتماع و ازدحام نموده بودند. پس دستتان بریده باد،

دستتان بریده باد. دور باشید از رحمت خدا، دور باشید از رحمت خدا. این امریست که بازگشتش به سوی خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله است. چقدر دشوار و سخت است بر علی علیه السلام که پهلوی فاطمه علیها السلام از ضربات، سیاه شود و حال اینکه مقام و منزلتش [بر همه] شناخته شده بود ...

**اسناد شیعه :**

۱- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۳۱/۲ [رحمانی همدانی]

۲- نوائب الدهور ۱۵۷/۳ [علامه میرجهانی]

۳- الصوارم الحاسمة فی تاریخ احوالات الزهراء فاطمة [کمالی استر آبادی]

## مدرک دوم

در معراج به پیامبرخبر دادند:

﴿... اما ابنتك ... تضرب و هی حامل ...﴾

... اما دخترت فاطمه علیها السلام ... زده می‌شود و حال آن‌که او باردار است ...

**اسناد شیعه :**

۱- کامل الزیارات (تحقق قیومی) /۵۴۸ و (طبع آخر) /۳۳۳ [شیخ ابوالقاسم جعفربن قولویه م. ۳۶۸]

۲- جواهر السنیة/۲۸۹ [الحر العاملی م. ۱۱۰۴]

۳- بحارالانوار ۶۲/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- عوالم العلوم ۳۹۸/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

در فصل‌های آینده نحوه‌های مختلف ضرباتی که توسط عمر و اطرافیانش بر پیکر دختر رسول خدا( صلی الله علیه و آله ) وارد شده ذکر خواهد شد.

# دفاعیّه یازدهم

این دفاعیه مربوط به اسناد **وقوع لطمه (سیلی) بر صورت دختر رسول خدا**صلی‌الله‌علیه‌وآله است

## کبودی مهر

آن روز خورشید، معصومیتم را ناباورانه منکر شد و خفاشانِ کورتر از شب، مرا به تقاص گناهی ناکرده سیلی زدند.

آنان مرا به خیال خام خویش زدند، غافل از این‌که رسول خدا در مدینه از گونه‌هایش جویبار خون جاری شد. من به درد خویش و کبودی مهیبش نمی‌گریستم. من بر غم آن عندلیب آسمانی می‌گریستم که اقامهٔ صلات صبحگاهش را با نظاره بر جمالِ دختِ عصمتِ خدا می‌آغازید واکنون آن آرامشِ آسمانِ امیدش، به دست شناعت‌ها و بی‌وفایی‌ها، لکه‌دار شده است.

اندوه که صورت من از نگاه علی سرشار بود و اکنون از او که خداوندگار ناموس است، می‌پوشانمش چونان که از حرامیان. آه!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«عن النبی قال: ابکی من ضربتك علی القرن و لطم فاطمة خدّها ...»

پیامبر اکرم فرمودند: (یا علی علیه السلام) گریه می‌کنم از ضربت بر فرق تو و سیلی بر گونهٔ فاطمه علیها السلام ...

**اسناد شیعه :**

۱- امالی صدوق (تحقیق قسم دراسات الاسلامیة) /۱۹۷ و (طبع آخر)/۱۱۸ و (ط. آخر)/۱۳۴ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- اثبات الهداة ۲۸۱/۱ [حر عاملی م. ۱۱۰۴]

۳- بحارالانوار ۵۱/۲۸ و ۱۴۹/۴۴ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- عوالم العلوم ۳۹۷/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

### مدرک دوم

«قالت فاطمة علیها السلام ... فَضَرَبَنی بیده [او صفق وجهی] حتی انتثر قرطی من اذنی...»

حضرت فاطمه علیها السلام: عمر چنان به صورتم سیلی زد که گوشواره‌ام از گوشم کنده شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری/۱۷۹ [الخصیبی م. ۳۳۴]

۲- بحارالانوار ۳۴۹/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان/۱۲۱ [شیخ عباس قمی]

۴- مجمع النورین/۱۴۷ [المرندی]

۵- الهجوم علی بیت فاطمهٔ /۴۵۲ [عبد الزهرا مهدی]

## مدرک سوم

عن الصادق علیه‌السلام :

«... فقال عمر) : هلمّیه الی فأبت ان تدفعه الیه ... ثمّ لطمها فکأنّی أنظر الی قرط فی اذنها حین نقفت ... »

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: عمر به حضرت زهرا علیهاالسلام گفت: نامهٔ رد فدک را به من بده، حضرت از دادن نامه امتناع کردند .. سپس عمر، سیلی به صورت او زد؛ گویا می‌بینم که (بر اثر سیلی او) گوشواره از گوشش بر زمین افتاد .

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص/۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- بحارالانوار ۱۹۲/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- فاطمة بهجة قلب المصطفی(ترجمه)/۷۷۱ - (عربی)۵۴۶/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک چهارم

«... فَصَفقتُ صَفقَةً علی خدّیها من ظاهر الخمار فانقطع قرطُها و تناثرت الی الارض»

(عمرگفت): ... پس از روی مقنعه، چنان سیلی به صورتش زدم که گوشواره‌اش کنده شد و به زمین پرت شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۲۹۴/۳۰[علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- عوالم العلوم ۱۱/ ۴۰۹ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

# دفاعیّه دوازدهم

اسناد مربوط به **واقعه لگد زدن بـه پیکر**

**فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام در این دفاعیه آمده است

## پهلوی آسمان، لگدکوب شد

مدینه در آن روز، همه چشم بود و در ازدحام بی‌شرمانهٔ خود، می‌دید که دردانهٔ رسول خدا را می‌زدند. اگر شما شاهد نبودید-که بودید- پس یقیناً خبرش را قاصدکی یا کبوتری روسپید برایتان آورده است؛ و می‌دانید که فدک را قباله‌ای بر نام من زده بودند در روز الست. دست مبارک پدرم مهر و مومش را آذین بخشید!

پس مگر درد بی‌رحم حناق، گلوی اعتراضتان را مسدود کرده بود که از آن میراث پدری‌ام حمایتی نکردید به فریادی، یا حقیقت را مشایعتی نکردید با پرتاب سنگی بر قامت جرسومهٔ کفر!

من شکایت دارم از بی‌غیرتی خلق که دیدند مهاجمان مهر و موم میراث حقهٔ پدری‌ام را پاره کردند با شناعتِ دستان خود و حکم ابطالش را با لگدی بر پهلویم، تثبیت نمودند و هیچ نگفتند!

گویا کرکسِ سکوت بر لبانشان لانه کرده بود و یا مصلحت معیشتشان چیز دیگری می‌طلبید.

من معترضم به حقیقتی روشن‌تر از خورشید که با افسون بی‌روح ساحران، قلم بطلان خورد؛ و کتیبهٔ پهلوی من به لگدی بی‌رحمانه ممهور شد.

وای ای افلاک، بخوانید رسالهٔ شکایتم را!

بخوانید و آگاه شوید ...!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

قال الصادق علیه‌السلام (لمفضل):

«... و لا کیوم محنتنا بکربلاء و ان کان یوم السقیفة و احراق الباب علی امیر المؤمنین و فاطمة والحسن والحسین وزینب و ام کلثوم و فضة و قتل محسن علیه‌السلام بالرفسة لأعظم و ادهی و أمرّ لانه اصل یوم العذاب ...»

امام صادق علیه‌السلام به مفضل فرمودند: ... هیچ روزی همچون مصیبت ما، در کربلا نیست؛ اگرچه روز سقیفه و آتش زدن درب خانهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام حسن وحسین وفاطمه و زینب و ام کلثوم و فضه و قتل محسن علیه‌السلام در اثر لگدی که به شکم مادرش زدند بزرگتر و ناگوارتر و تلخ تر است. چراکه آن روز، اصل روز عذاب است ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری (ط. بیروت مؤسسه البلاغ) /۴۱۷ [حسین بن همدان الخصیبی م.۳۳۴]

۲- نوائب الدهور /۱۹۴ [علامه میر جهانی]

۳- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۳۲/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک دوم

«فقال (عمر) : هلمّیه الی فأبت ان تدفعه الیه فرفسها برجله وکانت حاملة بابن اسمه المحسن فأسقطت المحسن من بطنها ...»

عمر گفت: نامهٔ فدک را به من بده! حضرت زهرا علیها السلام از دادن نامه به عمر امتناع کرد. عمر، لگدی به فاطمه علیها السلام زد، در حالیکه او باردار بود به پسری که نامش محسن علیه السلام بود و در اثر آن لگد محسن علیه السلام را سقط کرد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص/ ۱۸۵ [شیخ مفید م.۴۱۳]

۲- بحارالانوار ۱۹۲/۲۹ [علامه مجلسی م.۱۱۱۰]

۳- وفاة الصدیقة /۷۸ (مع تفاوت یسیر) [عبدالرزاق مقرم م ۱۴۰۳].

۴- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه) / ۷۳۸ و (عربی) ۵۲۲/۲ (مع تفاوت یسیر) [رحمانی همدانی]

## مدرک سوم

«إنّ عمر رفس فاطمة حتى اسقطت بمحسن ...»

عمر با لگد به فاطمه علیهاالسلام کوبید که به این جهت محسن علیه‌السلام را سقط کرد ...

**اسناد اهل سنت:**

۱- میزان الاعتدال ۱۳۹/۱ [ذهبی م. ۷۴۸]

۲- لسان المیزان (مشابه همین تعبیر)۲۶۸/۱ [ابن حجرعسقلانی م. ۸۲۵]

## مدرک چهارم

«...و صاح امیرالمؤمنین علیه‌السلام بفضة یا فضة مولاتك، فأقبلی منها ما تقبله النساء فقد جاءها المخاض من الرفسة و ردّ الباب فأسقطت محسنا...»

علی علیه‌السلام فریاد کشید: ای فضه، به سوی بانویت بشتاب! چنانچه زنان [بانویی را که وضع حمل دارد] در می‌یابند؛ چرا که در اثر لگد و اصابت درب به شکمش درد او را گرفته و محسن علیه‌السلام را سقط کرد ...

**اسناد شیعه:**

۱- الهدایة الکبری/۴۰۸ (قریب بهذا المضمون) [حسین بن حمدان الخصیبی م. ۳۳۴]

۲- حلیة الابرار۶۶۹/۲ [سید هاشن بحرانی م. ۱۱۰۷]

۳- بحارالانوار ۱۹/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- نوائب الدهور۱۵۰/۳[علامه میر جهانی]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۲ /۵۲۹ [رحمانی همدانی]

۶- مأساة الزهراء۶۱/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

# دفاعیّه سیزدهم

مدارک مربوط به **اصابت تازیانه بر بـدن فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام در این دفاعیه آمده است

## تازیانهٔ رعد

آری، تنها آسمان است که می‌فهمد من چه می‌گویم. تنها اوست که هم‌راز حزن من است.

تنها او...

زیرا آسمان زخم تازیانهٔ رعد را بارها و بارها بر پیکرش لمس کرده و درست چندی پس از سکوتی معنادار، از فحوای جان فریاد بر می‌آورد. اما باز هم آسمان با آن همه عظمتش، کودکی است. زیرا داغ تازیانه را چند لحظه‌ای بیش نمی‌تواند برتابد. آنچنان نعره می‌کشد که زهرهٔ زمین پاره می‌شود. اما من ... منی که به ایوب درس صبر می‌دادم. منی که به یعقوب نوشداروی آرامش می‌نوشاندم. من ...

باید آرام می‌بودم و حنظل تازیانه را با کاسهٔ صبرم جرعه جرعه می‌نوشیدم. من آن کودک آسمان نیستم که زخم تازیانه رسوایم کند. من فاطمه‌ام، کسی که چشمانش شب‌چراغ خلوت علی است و نوای او غزل روح‌انگیز شبستان خیالش! من نباید امیدش را ناامید کنم! من فاطمه‌ام ...

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«فأخذ عمر السوط من ید قنفذ مولی ابابکر فضرب به عضدی فالتوی السوط علی عضدی حتی صار کالدُملُج ...»

[حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند] : ...

پس عمر تازیانه را از دست قنفذ (غلام ابوبکر) گرفته و بر بازوی من زد، و چنان تازیانه بر بازویم پیچید که مانند بازوبند روی بازویم باقی ماند .

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری/۱۷۹ (قریب بهذا المضمون) [حسین بن حمدان خصیبی م. ۳۳۴]

۲- بحارالانوار ۳۴۸/۳۰ (به نقل از ارشاد القلوب نسخه قدیم) [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مجمع النورین /۱۴۷ [ابوالحسن مرندی م. ۱۳۴۹]

۴- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۳۰/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک دوم

«...و ضرب ید صدیقة الکبری فاطمة بالسوط ...»

[امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند]:... تازیانه زدن به دستان صدّیقهٔ کبری علیها السلام ...

**اسناد شیعه :**

۱- هدایة الکبری (علی ما نقل فی البحار ۱۴/۵۳) [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- مختصر بصائرالدرجات (ناشر:مطبعة الحیدریة فی النجف)/۱۸۷ [حسن بن سلیمان حلی م. قرن ۸]

## مدرک سوم

«فضربت کفّیها بالسوط فألمها فسمعت لها زفیراً وبکاءً ...»

(عمرگفت): ... با تازیانه به دست‌هایش زدم چنان‌که دردش گرفت و صدای ناله و گریه‌اش را شنیدم ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۰ /۲۹۳ [علامه مجلسی م.۱۱۱۰]

۲- مجمع النورین/۱۱۰ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۳- وفیاة الائمة /۲۳ ( دارالبلاغة بیروت )

۴- بیت الاحزان /۱۲۰ الی ۱۲۱ ( نشر دار الحکمه) [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک چهارم

«ضربها قنفذ الملعون بالسوط فماتت حين ماتت وإن فی عضدها كمثل الدملج من ضربته ...»

قنفذ ملعون او را با تازیانه زد و ایشان از دنیا رفتند در حالیکه به هنگام وفات در بازوی او در اثر ضربهٔ قنفذ اثری مانند بازوبند به‌جامانده بود...

**اسناد شیعه:**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری)/۱۵۱ [سلیم بن قیس م. ۹۰]

۲- احتجاج ۱۰۹/۱ قریب بهذا المضمون [طبرسی م. ۵۶۰]

۳- بحار الانوار ۲۷۰/۲۸ — ۲۸۳ و ۱۹۸/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین /۸۲ [ابو الحسن مرندی م. ۱۳۴۹]

۵- غاية المرام (تحقیق سید علی عاشور) ۳۱۷/۵ قریب بهذا المضمون [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

## مدرک پنجم

«فضربها قنفذ بالسوط علی ظهرها و جنبیها الی أنهكها ...»

قنفذ با تازیانه به پشت و پهلوی فاطمه علیهاالسلام زد چنانکه او را سخت رنجور ساخت...

**اسناد شیعه:**

۱- کتاب سلیم ۵۹۴/۲-۵۸۴ (اعلمی) و ۱۳۴ (محمد باقر انصاری) [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- بیت الاحزان/۹۴ و(دارالحکمة ط. اول)/۱۱۷[شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک ششم

«فالتفت عمر الی من حوله و قال : اضربوا فاطمة فانهالت السیاط علی حبیبة رسول الله صلی الله علیه و آله ...»

عمر به اطرافیانش رو کرد و گفت: فاطمه علیها السلام را بزنید! پس تازیانه‌ها بر حبیبۀ رسول خدا فرود آمد ...

**اسناد شیعه :**

۱- مواقف الشیعة ۱۲۷/۳ [میانجی]

۲- الهجوم علی بیت فاطمة /۱۲۷ – ۱۸۷ [عبد الزهراء مهدی]

۳- مأساة الزهراء ۱۹۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

**سند اهل سنت :**

مؤتمر علمای بغداد / ۱۳۷– ۱۳۵ [مقاتل ابن عطیة م. ۵۲۵]

## مدرک هفتم

«... فرفع السوط فضرب به ذراعها فصاحت یا ابتاه ...»

... عمر تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه علیها السلام کوبید. در آن هنگام فاطمه (در مقام استغاثه) فریاد زد: ای پدر ...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری) /۳۸۷ و (مطبعة الاعلمی) ۸۶۸/۲ – ۸۶۲ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- بحارالانوار ۲۸ /۲۹۹ و۴۳ /۱۹۷ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۴۰۱/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن۱۱ ]

۴- مجمع النورین /۸۱ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان (دارالحکمة)/ ۱۱۵ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک هشتم

«فضربها قنفذ بالسوط علی عضدها فبقی اثره فی عضدها من ذلك مثل الدملوج من ضرب قنفذ ایاها ...»

پس قنفذ با شلاق بر بازوی آن بانو کوبید و اثر آن بر بازوی او مثل بازوبند باقی ماند ...

**اسناد شیعه :**

۱- احتجاج (تحقیق سید محمد باقر خرسان)۱۰۹/۱ و (طبع آخر) ۸۳/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۲- بحارالانوار ۲۸۳/۲۸ (قریب بهذا المضمون) [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدارک دیگر

تازیانه زدن در منابع زیر نیز آمده است :

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری) /۱۵۰ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- الهدایة الکبری/۴۰۷ [الخصیبی م. ۳۳۴]

۳- کامل بهائی ۳۰۸/۱ [شیخ عمادالدین الطبری م. قرن ۷]

۴- نوادر الاخبار /۱۸۳و (ط. آخر تحقیق انصاری قمی) /۲۰۸ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۵- علم الیقین فی اصول الدین/۶۸۷ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۶- حلیة الابرار ۶۶۸/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۷- بحارالانوار۱۹/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- مرآة العقول ۳۱۹/۵-۳۲۰[علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۹- عوالم العلوم ۴۴۲/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۱۰- مأساة الزهراء ۶۰/۲- ۱۷۵ [سید جعفر مرتضی عاملی]

# دفاعیّه چهاردهم

بحث در این دفاعیه مربوط به اسناد پیرامون

**اصابت غلاف شمشیر** بـه بدن است

## زخم غلافی هولناک

بازوانم از نگاه علی سرشار بود؛ و چیزی نمانده بود تا آرام آرام بند دلش پاره شود. او می‌دید کبودی بازوانم را که از پشت چادری سیاه، کبودتر می‌زد. می‌خواستم که نبیند شرحه شرحه شدن دستانی که رسول‌الله می‌بوسیدش ...

می‌خواستم غم ننگ آمیزِ بیعتی کفایتش کند، اما چه می‌توان کرد که غلاف شمشیر نابکاران، دریای حزنش را متلاطم می‌کرد و من شرمسارتر می‌شدم وقتی که او می‌گریست و تنها سخنش زیر لب، زلال نجوایی، یا طنین شکایتی به رسول خدا بود که امتش جفاکارترین خلایق بودند!

خداوندا، مگر می‌توان این چنین بی‌رحمانه ستم دید و هیچ سخن نگفت؛ تا رضایتمند شوی از قافلهٔ تقدیرت!؟

بارالاها، من از بهر خود نمی‌نالم و شِکوه‌ای ندارم، اما مگر غیوریت از صفات جلالیهٔ تو نیست که غیرت‌الله را دست بسته در قربانگاه می‌نگری و هیچ تغیّر نمی‌کنی؟

شاید این‌گونه می‌خواهی‌اش،

محزون و استوار!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«... فرفع السیف و هو فی غمده فوجأ به جنبها فصرخت . . . فصاحت یا ابتاه ...»

... عمر، شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلوی فاطمه علیهاالسلام زد، فاطمه علیهاالسلام ناله‌ای زد و صدا زد: ای پدر ...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (محمد باقر انصاری) /۳۸۷ و (طبع مکتبة اعلمی) ۸۶۲/۲ - ۸۶۸ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- کامل بهائی (قریب بهذا المضمون) /۳۰۸ [شیخ عماد الدین الطبری م. قرن ۷]

۲- بحارالانوار ۲۹۹/۲۸ و ۴۳ /۱۹۷ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۴۰۱/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن۱۱]

۴- مجمع النورین/۸۱ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

## مدرک دوم

«وکان سبب وفاتها ان قنفذا مولی عمر نکزها [لکزها] بنعل السیف بأمره ..»

(امام صادق علیه السلام فرمود): ... علت شهادت فاطمه علیها السلام این بود که قنفذ، غلام عمر، به دستور اربابش با سر غلاف شمشیر به او زد ...

**اسناد شیعه :**

۱- دلائل الامامة / ۱۳۴ [محمدبن جریرالطبری الامامی م. قرن ۴]

۲- بحارالانوار ۴۳ / ۱۷۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۱۱/ ۴-۵۰ -۴۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۴- مستدرک سفینة البحار ۶۲۰/۸ [شیخ علی نمازی]

## مدرک سوم

«اخذ عمر عن خالدبن ولید سیفاً فجعل یضرب بغمده علی کتفها حتی صارت مجروحة ...»

عمر، از خالدبن‌ولید شمشیری گرفته و با غلاف آنقدر بر شانهٔ حضرت زهرا علیها السلام کوبید که مجروح شد...

**اسناد شیعه :**

۱- مجمع النورین /۸۲ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۲- الجنة العاصمة (تحقیق سید مهدی رجائی) /۴۵۸ و (طبع آخر) ۲۵۱/۱ [علامه میرجهانی]

۳- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه/۸۱۶) - (عربی ۵۷۵/۲) [رحمانی همدانی]

۴- الهجوم علی بیت فاطمة /۳۵۱ (قریب بهذا المضمون) [عبد الزهراء مهدی]

# دفاعیّه پانزدهم

در این دفاعیه اسناد مربوط به **جسارتهای زبانی به فاطمهٔ زهراء** علیها السلام آمده است

## شِکوه‌ای از بی‌حرمتی

من به غرورِ سرداری که از پشت خنجر خورده است از همه محزون‌ترم. اوست که سپاهش را کرکسانِ جفاکارِ نالایق، لانهٔ خدعه کرده‌اند و در خانهٔ شرافتش، افعیِ شومِ ناسزا و تهمت بیضه انداخته است. من به جرمی ناکرده، هم سوختم، هم شکستم و هم با طوفانی از جسارت‌های زبانی، درهم شکستم.

ای جماعت مهاجم، آفرین باد بر ناز شستِ پدرانتان و صد مرحبا بر جادوی تربیتِ مادران کوردلانی چون شما، که در گهوارهٔ خسبیدن‌ها، بر شما لالاییِ دشنام به رسول‌اللّه را می‌آموختند و تنها از مرد بودنتان افتخارشان این بود که روزی روزگاری، نمایندهٔ تام الاختیار شیطان خواهید بود در برابر خانهٔ ایمان.

من صبر می کنم تا آمدن وکیلم که اگر زودترم رهایی بخشد، زودتر رهایتان کند از خوش بالش ریاستتان و آویزان کند هر آن‌چه که رنگ شما را دارد در زباله‌دان تاریخ!

راستی آیا او - وکیلم - هنوز نیامده است؟

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«فقالت فاطمة: ما تشاء یا عمر؟! فقلتُ ما بال ابن عمك قد اورَدكِ للجواب و جلس من وراء الحجاب؟ فقالت لی طغیانك یا شقی أخرجنی والزمك الحجة ... فقلت دعی عنكِ الأباطیل و أساطیر النساء ...»

[عمر می‌گوید: هنگام هجوم به منزل علی علیه‌السلام] ...فاطمه علیهاالسلام گفت: چه می‌خواهی ای عمر؟ گفتم: چه شده! شوهرت تو را فرستاده پشت درب برای جواب دادن و خودش پشت پرده است (خودش را نشان نمی دهد)؟

پس فاطمه علیهاالسلام گفت: ای شقی، طغیان تو مرا بیرون آورده و حجت را بر تو تمام کرده. من گفتم: این اباطیل و افسانه‌های زنانه را از سرت بیرون کن ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۲۹۳/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مجمع النورین/ ۱۱۰ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /۱۲۰ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- فاطمة بهجة قلب المصطفی (عربی) ۵۵۹/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک دوم

[قال الصادق علیه‌السلام لمفضل] :

«... فقال لها عمر: دعی عنك یا فاطمة حمقات النساء فلم یکن الله لیجمع لکم النبوة والخلافة ...»

امام صادق علیه‌السلام به مفضل فرمودند: ... عمر به او گفت: فاطمه! حماقت زنانه را از خودت دور کن! خداوند نبوت و خلافت را برای شما در یک جا جمع نکرده است ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری/۴۰۷ (قریب بهذا المضمون) [الخصیبی م. ۳۳۴]

۲- حلیة الابرار ۶۶۸/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۳- بحارالانوار ۵۳/ ۱۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- عوالم العلوم ۴۴۲/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۵- مأساة الزهراء ۶۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک سوم

«قال سلیم: ... فنادت وا ابتاه وا رسول الله ... و عمر یقول: انّا لسنا من النساء و رأیهنّ فی شئ ...»

سلیم می‌گوید: ... فاطمه علیهاالسلام فریاد می‌زد که ای پدر، ای رسولخدا ... و عمر می‌گفت: ما، زن نیستیم و سخنان زنان هیچ اهمیّتی ندارد...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم /۱۵۲ (تحقیق محمد باقر انصاری) و (مکتبة اعلمی) ۵۷۷/۲ [سلیم بن قیس هلالی م.۹۰ ]

۳- غایة المرام ۳۱۷/۵ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲- بحارالانوار ۲۷۰/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک چهارم

«فلمّا سمع ابوبکر خطبتها شقّ علیه مقالتها فصعد المنبر وقال ایها الناس ما هذه الرعة الی کل قالة؟ أین کانت هذه الامانی فی عهد رسول الله؟ ... انّما هو ثعالة شهیده ذنبه مُربّ لکلّ فتنة ...»

پس چون که ابوبکر خطبهٔ فاطمه علیهاالسلام [هنگام اعتراض فاطمه علیهاالسلام به ردّ فدک] را شنید، گفته‌های فاطمه علیهاالسلام، بر او سنگین تمام شد، لذا بر منبر رفت وگفت: ای مردم، این چه سست عنصری است که در برابر هر سخنی که می‌شنوید از شما می‌بینم؟ این ادّعاها وآرزوها در زمان رسول خدا کجا بود؟ ... به درستی‌که او [علی علیه‌السلام] روباه ماده‌ای است که شاهدش دم اوست. او برپاکنندهٔ هر فتنه‌ای است.

[ابوبکر می‌خواست بگوید که حضرت علی علیه‌السلام برای فتنه به پا نمودن، حضرت فاطمه علیهاالسلام را جلو انداخته و او را شاهد حقّانیت خود قرار داده].

«عین این عبارت یا قریب به آن، در اسناد زیر آمده است»

**اسناد شیعه :**

۱- دلائل الامامة /۱۲۳ [ابو جعفر محمد بن الطبری م. قرن ۴]

۲- بحار الانوار ۳۲۶/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- اللمعة البیضاء/۷۴۴ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۴- مجمع النورین/۱۳۶ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان/۱۵۲ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۶- شبهای پیشاور/۶۴۰ [سلطان الواعظین]

۷- فدک فی التاریخ /۶۷ [ سید محمد باقر صدر]

۸- مواقف الشیعه ۴۷۶/۱ [میانجی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک (تحقیق شیخ محد هادی امینی)/۱۰۴ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۱۵/۱۶-۲۱۴ [ابن ابی الحدید المعتزلی م.۶۵۶]

## مدرک پنجم

«[قال ابوبکر] : ... هو الذی یقول : کروها جذعة بعد ما هرمت یستعینون بالضعفة و یستنصرون بالنساء کأمّ طحال اَحبّ اهلها الیها البغی ...»

ابوبکر گفت: علی کسی است که می‌خواهد جنگ خلافت را از سر بگیرد و می‌گوید این موضوع کهنه را پس از آنکه از هم مندرس شده، تازه کنید و برای این منظور، از زنان کمک و یاری می‌طلبد. مانند أمّ طحّال (زنی بدکاره در زمان جاهلیت بود که پرچم بدکارگی بر فراز خانه‌اش نصب نموده بود و لذا ضرب المثل شد) که محبوب‌ترین افراد نزدش زن بدکاره بود ...

«قال ابن ابی الحدید : قرأت هذا الکلام علی النقیب ابی تحیی جعفربن ابی تحیی بن ابی زید البصری و قلت له بمن یعرض ؟ فقال بل یصرّح . قلت لو صرّح لم أسألك فضحك و قال : بعلی بن ابیطالب علیه السلام قلت هذا الکلام کله لعلی یقوله قال نعم انّه الملك یا بُنَی .قلت فما مقالة الانصار؟ قال هتفوا بذکر علی علیه السلام فخاف من اضطراب الأمر علیه فنهاهم.»

ابن‌ابی‌الحدید گفت: این سخن را برای نقیب ابن یحیی جعفربن ابن یحیی بن أبی زید بصری خواندم و به او گفتم: ابوبکر به چه کسی اینگونه کنایه و گوشه می‌زند؟ نقیب گفت: بلکه بگو به چه کسی اینگونه تصریح و بی‌پرده سخن می‌گوید؟ گفتم: اگر ابوبکر تصریح می‌کرد، لازم نبود از تو سؤال کنم مقصودش که بوده ! پس نقیب خندید و گفت: مقصود ابوبکر، علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام است. گفتم: آیا تمام آنچه گفته خطاب به علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام است؟ نقیب گفت: آری، دعوای حکومت و خلافت بود ای فرزندم. گفتم: در این میان انصار چه گفتند؟ گفت: آنها صدا برای علی بلند کردند؛ اما علی علیه السلام از اضطراب و اختلاف میان مردم ترسید و آنها را از هر اقدامی نهی کرد.

**اسناد شیعه:**

۱- دلائل الامامة /۱۲۳ [ابو جعفر محمد بن طبری م. قرن ۴]

۲- بحار الانوار ۳۲۶/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳-مواقف الشیعة ۴۷۶/۱ [میانجی]

۴- اللمعة البیضاء /۷۴۴ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک /۱۰۴ (تحقیق شیخ محمد هادی امینی) [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۱۵/۱۶ [ابن ابی الحدید المعتزلی م. ۶۵۶]

## مدرک ششم

«فقال عمر (لأبی بکر) : عجباً للناس کیف ولّوك أمورهم و أنت شیخ قد خرفت تجزع لغضب إمرأة و تفرح برضاها و ما لمن اغضب إمرأة ، وقاما و خرجا ...»

...[ هنگامی که فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام در بستر افتاده بود و پس از این‌که این دو (عمر و ابابکر) را از غضب خود مطلع نمود] عمر به ابابکر گفت: عجب است که مردم چگونه تو را متوّلی امور خود کرده‌اند! و حال آنکه تو پیرمرد خرفتی شده‌ای که به خاطر غضب یک زن، جزع می‌کنی و باکی نیست برکسی‌که زنی را به خشم درآورد! و هردو بلند شده و بیرون رفتند.

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (ط. المطبعة الحیدریة فی النجف)/۱۸۷ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- کامل بهائی /۳۱۲ [عماد الدین طبری م. قرن۷]

۳- بحارالانوار۲۰۴/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین/۱۴۴ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۷۳ و طبع (مکتبة فدک) /۱۸۷ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

# دفاعیّه شانزدهم

اسناد مربوط به **اعتراض اهل مدینه به گریه‌های فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام در این دفاعیه بیان شده است

## اعتراض به عصمتی درهم شکسته

در زیرِ دالانْ سرایِ نفرت انگیز مدینه و در حجاب بی‌نور شب، تنها تسکینِ من، غم‌نامه‌ای بود که به دست ستمگران تدوینش کردند و هر لحظه هزار بار آن را می‌خواندم و در خود می‌گریستم. غم‌نامه بود و تسکین نامه، اما داغ زخمش فزاینده.

می‌گریستم در خویش و آرام تا نوای حزینش قلب علی را سوزان‌تر نکند.

شب بود و تکان‌های بی‌شرمانهٔ باد بود و نخل‌های مدینه را به زوزه کشیدن ترغیب می‌کرد. در آن هنگامه می‌نالیدم و می‌گریستم.

یاد ایام هجوم به شر باد؛ و شراره‌اش را با گریه آرام‌تر می‌کردم. اما از اینم نیز بر نمی‌تابیدند؛ و شِکوهٔ گریه‌ام را به چشم حسودشان نمی‌توانستند دید.

اعتراض می‌کنند، شِکوه سر می‌دهند، توهین می‌کنند که چرا گریه‌های تو خواب بدْبوی ما را که در خدمت ابلیسان، دوغ شوم خباثت می‌نوشیدیم،

درهم می‌شکنند. گریه مکن که امشب قرار است با حماله الحطب دوزخ میقات کنیم و شاید پیمانی تازه بندیم!

گریه می‌کنم. آنقدر می‌گریم تا چشم زُلِّ وهم‌ناکشان کورتر شود و خواب نوشین بی‌فروغشان ناسور!

آنقدر می‌گریم تا آنکه تاریخ بر هق هق من قضاوت کند؛ و بر قضاوت من هق هق نماید!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«... واجتمع شیوخ اهل المدینة و اقبلوا الی امیر المؤمنین علی علیه السلام فقالوا له یا اباالحسن انّ فاطمة تبکی اللیل و النهار فلا أحد منّا یتهنأ بالنوم فی اللیل علی فرشنا و لا بالنهار لنا قرار علی أشغالنا و طلب معایشنا و انّا نخبرك أن تسألها إمّا ان تبکی لیلاً او نهاراً ... فقالت یا اباالحسن ما اَقَلَّ مَکثی بینهم...»

... بزرگان مدینه جمع شدند و نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتند. پس گفتند: ای اباالحسن، همانا فاطمه علیها السلام روز و شب گریه می‌کند. پس هیچ کس از ما شب در رختخواب برای خواب، آرامش ندارد و در روز برای کار و طلب معاش، قرار ندارد پس ما به تو می‌گوییم تا از او

بخواهی که یا روز گریه کند یا شب... پس حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمودند: یا اباالحسن چه اندک در میان آنها خواهم ماند!

## اسناد شیعه :

۱- بحارالانوار ۱۷۷/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مجمع النورین/۱۴۱ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۳- بیت الاحزان (ط. دار الحکمة) /۱۶۵ (ط. مکتبة فدک) /۱۷۹ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- اللمعة البیضاء /۸۵۸ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

## مدارک دیگر

اعتراض به گریه‌های حضرت زهرا علیهاالسلام در اسناد زیر نیز آمده است :

۱- مناقب آل ابیطالب ۳/ ۱۰۴ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۲- ضیاء العالمین ۱۴۰/۲ [الفتونی م. ۱۱۳۸]

۳- الحدائق الناظرة ۱۶۲/۴ [محقق بحرانی م. ۱۱۸۶]

# دفاعیّه هفدهم

در این دفاعیه واقعهٔ **کندن درختی که سایبان**
آن‌حضرت علیهاالسلام در بقیع بود ذکر شده است

## درخت احساس

اما غصهٔ شب و نالهٔ صبح تسکینم نمی‌دهد. دریای شور انگیز قلبم، بیت الاحزانی را می‌خواهد که روح زخم خورده‌ام در آن فریاد برآورد.

برهوتِ دین و احساس است عالم؛ و من رسولم که به اشک، آبادانش کنم.

من پیامبر بانویی هستم که آمده‌ام تا حقیقتِ ناگفتهٔ علی را احیا کنم و چه زود عَلَم بدعت و بی‌شرمی، خاطرم را مکدر کرد! درختی داشتم در بیت الاحزانم که زیر آن رسالتم را به اشک تبلیغ می‌توانستم کرد، اما ریشه‌اش سنگین آمد بر پیکر معاندین حجتم و از بیخ برکندندش. اما آنچه فراموش نمی‌شود و نخواهد شد، سوگندِ گرانِ توحیدیان است که جادوی فرعونیان را باطل خواهد کرد.

## ستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

[قال السید شرف الدین]

﴿ ... و خروجها بولدیها فی لمّة من نسائها الی البقیع یندبن رسول الله فی ظلّ أراکة کانت هناك فلمّا قطعت بنی لها بیتا فی البقیع تأوی الیه للنیاحة یدعی بیت الاحزان﴾

[امام شرف‌الدین می‌گوید]:

... او (حضرت زهرا علیها السلام) و دو فرزندش و عده ای از زنان در بقیع، زیر درختچه‌ای، در فراق رسول خدا نوحه سرائی می‌کردند. چون آن درختچه را قطع کردند، علی علیه السلام برای فاطمه علیها السلام خانه‌ای در بقیع ساخت که برای نوحه‌سرائی در آن مأوی می‌گرفت. این خانه همان بیت الاحزان نامیده می‌شود .

**اسناد شیعه :**

۱- النص والاجتهاد (تحقیق ابو مجتبی) /۳۰۱ - ۳۰۲ و (ط. مکتبة النجف) /۲۳۴ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۲- مأساة الزهراء۱/۳۴۸ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## «توضیحی درباره بیت الاحزان»

«... ثمّ انّه بنی لها بیتا فی البقیع نازحاً عن المدینة یسمّی بیت الاحزان ...»

[پس از رحلت پیامبر اکرم، حضرت فاطمه شبانه روز گریان بودند. لذا اهل مدینه از گریه‌های حضرت به امیر مؤمنان علیه‌السلام شکایت کردند]. پس امیر مؤمنان دور از مدینه در بقیع برای حضرت زهرا علیهاالسلام خانه‌ای ساختند که بیت الاحزان نامیده شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۱۷۷/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- عوالم العلوم ۱۱/ ۴۸۹ (فی الهامش) [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۳- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۶۵ و (ط. مکتبة فدک)/۱۷۹ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- اللمعة البیضاء /۸۵۸ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

**سند اهل سنت :**

وفاءالوفاء ۹۱۸/۳ [سمهودی م. ۹۱۱]

...[و کان هذا البیت یزار فی کل خلف من هذه الامة کما تزار المشاهد المقدسة حتی هدم فی هذه الایام بأمر الملك عبدالعزیز بن سعود الجندی لما استولی علی الحجاز و هدم المقدسات فی البقیع عملاً بما یقتضیه مذهبه الوهابی و ذلك سنة ۱۳۳٤ الهجرة] و کنا سنة ۱۳۳۹ تشرفنا بزیارة هذاالبیت ( بیت الاحزان ) إذ من الله علینا فی ذالك السنة بحجّ بیته و زیارة نبیه و مشاهد أهل بیته الطاهرین فی البقیع .

سید شرف‌الدین می‌گوید: و این خانه (بیت‌الاحزان) در هر نسلی از این امت زیارت می‌شد؛ چنانچه مشاهد مقدسه هم چنین بود. تا اینکه در همین روزها به دستور ملک عبدالعزیز ابن سعود الجندی، هنگامی‌که مسلط بر حجاز شد، ویران گردید و همین‌طور مقدسات در بقیع، هتک و ویران شد و این به مقتضای مذهب وهابیت وی بود. این واقعه در سال ۱۳۴۴هجری قمری رخ داد.

در سال۱۳۳۹ به زیارت این خانه (بیت‌الاحزان) مشرف شدیم زمانی که خداوند بر ما منت نهاد به زیارت خانه‌اش و زیارت پیغمبر و اهل بیت طاهرینش در بقیع .

**سند شیعه :**

النص والاجتهاد (تحقیق ابو مجتبی)/۳۰۲ و (مطبعة النجف)/۱۷۵ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

ابن جبیر در اوائل قرن هفتم در سفر خود به مکه از بیت الاحزان یاد کرده و می‌گوید: بعد از قبّهٔ عبّاسیه، خانهٔ فاطمه علیها السلام بنت رسول‌الله واقع شده و به نام بیت‌الاحزان شناخته می‌شود و گفته می‌شود که اینجا همان خانه ای است که بعد از وفات پدرش تا هنگامی که به ایشان ملحق شد در آنجا مسکن گزید و ملازم آنجا بود.

**سند شیعه :**

مأساة الزهراء ۳۳۷/۱ [سید جعفر مرتضی عاملی]

# دفاعیّه سجدهم

در این دفاعیه مدارک مربوط به غصب

فـدک و سایر اموال آمـده است

## تاراج هستی خورشید

من اکنون یک‌پارچه دردم. سیلی از اشک‌های نگشاده؛ و سدّی که طغیان حزن، لبریزش کرده، عنقریب است که بشکند.

بارالاها یاری‌ام کن که آهم نشکند این جهان شکستنی را و نوای نفرینم نسوزاند قاموس وجودی خلقت را، زیرا که از جهانت گله دارم! من بسی گله دارم که سکوت می‌کند افلاک و زمین به طوفان غارت‌ها. شاید مرض رخوت، کوه‌های خمودهٔ سرزمینت را بی‌حیا کرده است. آنان می‌بینند که فدکم را غصب نمودند و دیدند که قباله‌اش را سوزاندند. آنان دیدند هر آنچه به نام دخت رسول‌الله است به تاراج رفت و آبی خنک در پس آن؛ و آنان می‌بینند که مرض جوع این گروه تاراج‌گر، تا هزارهٔ ابدی خلقت کامروا نخواهد شد از غصب اموال آل رسول؛ و همچنان می‌تازانند

در ساعت صبر خدا، اسب چموششان را. اما باز از مشاهدهٔ این صحنه‌های شرم‌آور سکوت می‌کنند و هیچ نمی‌گویند بی‌معرفتان!

کاش نمی‌دیدم این بی‌تفاوتی‌ها را!

آنان - همان جماعت بی‌مقدار را می‌گویم- فدک را به چه حقی گرفتند وقتی صحبت‌های بالغه بر بطلان استدلالشان می‌آمد؟ که البته استدلالشان، منطق هجوم بود و قانونشان تهمت و دروغ!

من به حکم حقّهٔ الاهی سکوت می‌کنم و امروز چیزی نمی‌خواهم. اما خدایتان رحم کناد از لحظهٔ حضور وکیلم بر دروازهٔ ظهور! آنک خواهید دریافت که در برابر سپاه فاطمه، لشکری که دون‌پایه‌ترین سربازش مرحب خیبری است، از موری پای شکسته و در مانداب افتاده، عاجزتر است؛ و او با فریادِ حیدریِ خود، همهٔ بت‌های جهان را درهم می‌شکند، تا فرش کند بر راهی که انبیا و اولیای آسمانی بر آن قدم خواهند گذاشت.

گوش کنید ای شمایان که بر بالش غفلت به قفا افتاده‌اید؛ و مرا که قربانی زیاده خواهی‌های شمایم، به نظاره بنشسته‌اید! خواهد آمد و شاید هم اکنون بیاید و یا آمده است وکیل مدافع من! آیا کسی هست تا به بشارت حضورش دل‌شادم کند؟

قبل از بیان مدارک و اسناد غصب فدک لازم است مقدمه‌ای ذکر شود:

اهل تسنن اعتراف نموده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات خویش فدک را به فاطمهٔ زهراء علیها السلام اعطاء فرمودند. ابتداءً مدارکی را که گواه بر این مطلب است به استحضار شما می‌رسانیم:

اهل تسنن درشأن نزول آیهٔ ﴿فآت ذا القربی حقه﴾[1] از ابن عبّاس و ابی سعید خُدری روایاتی را به این مضمون نقل می‌کنند :

لمّا نزلت ﴿فآت ذا القربی حقه﴾ اعطی رسول الله فاطمة فدکاً ...

هنگامی که این آیه «به خویشاوندت حقش را بده»، نازل شد، رسول خدا فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید ...

**«عین این عبارت یا قریب به آن در اسناد زیر آمده»**

## اسناد شیعه:

۱- تفسیر عیاشی ۲۸۷/۲ [عیاشی م. ۳۲۰]

۲- تفسیر الفرات الکوفی ۲۴۰/ [فرات ابن ابراهیم کوفی م. ۳۵۲]

۳- التبیان ۲۵۳/۸ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۴- تفسیر جوامع الجامع ۱۴/۳ [الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی م. ۵۴۸]

۵- تفسیر مجمع البیان ۲۴۳/۶ [الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی م.۵۴۸]

۶- مناقب آل ابی طالب ۱۲۳/۱ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۷- کامل بهائی (تحقیق صفدری قزوینی) ۳۵۷/ [عماد الدین طبری م. قرن ۷]

۸- عوالی اللئالی ۷۸/۲ [ابن ابی جمهور الاحصائی م. ۸۸۰]

۹- تفسیر الاصفی ۹۶۱/۲ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۱۰- تفسیر الصافی ۱۳۳/۴ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

---

۱- سورهٔ روم آیهٔ ۳۸

۱۱- بحار الانوار ۱۱۸/۲۹ – ۱۲۱ و ۱۰۶/۳۶ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۱۲- تفسیر نور الثقلین ۱۵۶/۳ [حویزی م. ۱۱۱۲]

## اسناد اهل سنت :

۱- المطالب العالیه ۳۶۷/۲ و فی المکتبة الشاملة ۴۱۶/۱۰ ح ۳۸۰۱ [ابن حجر عسقلانی م.۲۸۵]

۲- مسند ابی یعلی (تحقیق حسین سلیم اسد) ۳۳۴/۲ و (طبع آخر) ۵۳۴/۲ و فی المکتبة الشاملة ۸۱/۳ [موصلی م. ۳۰۷]

۳- الجرح و التعدیل ۲۵۷/۱ [رازی م. ۳۲۷]

۴- شواهد التنزیل ۵۷۰/۱-۴۴۲- ۴۳۸ [حاکم حسکانی م. ۴۹۰ ]

۵- مقتل الحسین ۱ /۷۰ [خوارزمی م.۵۶۸]

۶- میزان الاعتدال (تحقیق علی محمد البجاوی) ۱۳۵/۳ و (تحقیق آخر) ۲/ ۲۲۸ و فی المکتبة الشاملة ۱۳۵/۳ [ذهبی م. ۷۴۸]

۷- درّ المنثور (دار المعرفة) ۱۷۷/۴ و (طبع آخر) ۲/ ۱۵۸ و ۲۷۴/۵-۲۷۳ و فی المکتبة الشاملة ۲۶۲/۶ [سیوطی م. ۹۱۱]

۸- کنز العمال (تحقیق شیخ بکری حیانی) ۷۶۷/۳ و (طبع آخر) ۱۵۸/۲ و فی المکتبة الشاملة ۷۶۷/۳ [متقی هندی م.۹۷۵]

۹- تفسیر روح المعانی ۵/ ۵۸ [آلوسی بغدادی م. ۱۲۷۰ ]

۱۰- ینابیع المودة (سید علی جمال اشرف الحسینی) ۱۳۸/۱ – ۳۵۹ و (طبع آخر) /۱۱۹-۴۳۹- ۴۴۱ [قندوزی الحنفی م. ۱۲۹۴]

۱۱- حیاة الصحابة ۵۱۹/۲ [دهلوی هندی]

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«انّ فاطمة قالت لابی بکر من یرثك؟ فقال ابوبکر: اولادی؛ فقالت فاطمة[ علیهاالسلام ] أیرثك اولادك و لا أرث انا من رسول الله صلی الله علیه وآله»

(پس از غصب فدک)، فاطمه علیهاالسلام نزد ابی‌بکر آمده و فرمود: چه کسی از تو ارث می‌برد؟ ابوبکر گفت: فرزندانم. پس فاطمه علیهاالسلام فرمود: آیا اولادت از تو ارث می‌برند و من از رسول خدا ارث نمی‌برم؟

«عین این عبارت و یا مضمون آن را در اسناد زیر می یابیم».

**اسناد شیعه:**

۱- الشافی فی الامامة ۸۵/۴ [شریف مرتضی م. ۴۶۰]

۲- کشف الغمة ۱۰۶/۲ [اربلی م. ۶۹۳]

۳- الصراط المستقیم (ط. المکتبة المرتضویة) ۲۸۳/۲ [علی بن یونس العاملی م. ۸۷۸]

۴- بحارالانوار ۲۰۶/۲۹- ۳۷۵ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- النص والاجتهاد/۶۱ (فی الهامش ) [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۶- الغدیر۲۲۹/۷ [علامه امینی]

۷- شرح احقاق الحق ۳۵۶/۳۳ [سید المرعشی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- طبقات ابن سعد (الطبقات الکبری) (ط. دارصادر بیروت) ۳۱۴/۲ و فی المکتبة الشاملة ۳۱۴/۲ [محمدبن سعد بن منیع البصری م. ۲۳۰]

۲- مسند احمد (ط. دارصادر بیروت)۱۰/۱ و فی المکتبة الشاملة ۶۰/۱ ح/۵۷ [احمد بن حنبل م. ۲۴۱]

۳- تاریخ المدینة (ط. قدس قم)۱۹۸/۱ و فی المکتبة الشاملة ۱۹۸/۱ [نمیری م. ۲۶۲]

۴- ترکة النبی والسبل التی وجهها فیه/۸۱ و فی المکتبة الشاملة ۵۴/۱ ح/۵۳ [حماد بن زید بغدادی م. ۲۶۷]

۵- سنن الترمذی (ط. دارالفکر بیروت) ۸۱/۳ و فی المکتبة الشاملة ۱۴۳/۶ ح/۱۵۳۳ [ابوعیسی ترمذی م.۲۷۹]

۶- فتوح البلدان (تحقیق صلاح الدین المنجد) ۳۶/۱ و (ط. آخر) /۳۸ و فی المکتبة الشاملة ۳۶/۱ [بلاذری م. ۲۷۹]

۷- السقیفة و فدک (ط. شرکة الکتبی) /۱۰۸ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۸- السنن الکبری (ط. دارالفکر بیروت) ۳۰۲/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۰۲/۶ [بیهقی م. ۴۵۸]

۹- المبسوط (ط. دارالمعرفة) ۳۰/۱۲ و فی المکتبة الشاملة ۲۴۵/۱۴ [شمس الدین سرخسی م.۴۸۳]

۱۰- جامع الاصول ۳۸۶/۱۰ [ابن اثیر م.۶۳۰]

۱۱- شرح نهج البلاغة ۲۱۸/۱۶ [ابن ابی الحدید عسقلانی م. ۶۵۶]

۱۲- فتح الباری (ط. دارالمعرفة بیروت)۱۴۰/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۴۵/۹ ح/۲۸۶۲ [ابن حجر عسقلانی م.۸۵۲]

۱۳- کنزالعمال (ط. مؤسسة الرسالة) ۵۸۵/۵ – ۶۳۷ و فی المکتبة الشاملة ۵۸۵/۵ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۱۴- نیل الاوطار (ط. دارالجلیل بیروت)۱۹۶/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۷۷/۹ [شوکانی م. ۱۲۵۰]

۱۵- معجم البلدان ۲۳۹/۴ و فی المکتبة الشاملة ۳۱۳/۳ [حموی م. ۶۲۶]

۱۶- البدایة و النهایة ۳۰۹/۵ و فی المکتبة الشاملة ۳۰۹/۵ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

## مدرک دوم

«عن عطیة العوفی انه سمع ابابکر یومئذٍ یقول لفاطمة ... و اما فدك ما جعل ابوكِ لك»

عطیّه عوفی می‌گوید: از ابوبکر شنیدم که به فاطمه علیهاالسلام می‌گوید: فدک را پدرت برای تو قرار نداده است ...

**اسناد شیعه:**

۱- بحار الانوار ۲۴۶/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- اللمعة البیضاء /۳۲۰ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۳- مجمع النورین /۱۲۵ [ابو الحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۴- مواقف الشیعه ۴۸۴/۱ – ۴۸۵ [میانجی]

**سند اهل سنت :**

بلاغات النساء /۱۹ (ما جعل لک ابوک) و فی المکتبة الشاملة ۸/۱ [ابن طیفور م.۲۸۰]

## مدرک سوم

«... قالت فاطمة ان أُم أیمن تشهد لی ان رسول الله صلی الله علیه و آله أعطانی فدك؛ فقال لها : ... ان هذا المال لم یکن للنبی و انما کان مالاً من اموال المسلمین»

... [وقتی ابوبکر برای اثبات این‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فدک را در زمان حیات خود به فاطمه علیهاالسلام بخشیده بود، شاهد خواست]، فاطمه علیهاالسلام به ابوبکر گفت: ام ایمن شهادت می‌دهد که رسول خدا فدک را به من

بخشید. ابوبکر گفت: ... این مال پیامبر نبود [که ببخشد] بلکه از اموال عمومی مسلمین بود...

**اسناد شیعه:**

۱- بحار الانوار ۳۲۸/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- اللمعة البیضاء /۷۵۰ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /۱۵۴ [شیخ عباس قمی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک (تحقیق شیخ محمد هادی امینی) /۱۰۴ و (ط. مکتبة نینوی الحدیثة) /۱۰۱ - ۱۰۲ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۱۴/۱۶ [ ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶ ]

## مدرک چهارم

﴿قال عمربن خطاب: فلما توفی رسول الله قال ابوبکر انا ولی رسول الله، فجئتما تطلب میراثك من ابن اخيك و تطلب هذا ميراث امرأته من ابيها، فقال ابوبكر: قال رسول الله ما نورث، ما تركنا صدقة...﴾

عمر[به عباس عموی پیامبر و امیرمؤمنان علیه‌السلام] گفت: هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از دنیا رفت، ابوبکر گفت: من جانشین رسول خدا هستم. شما دو نفر آمدید و میراث خود را طلب کردید. تو [عباس] میراثت را از پسر برادرت و این [علی علیه‌السلام] میراث همسرش از پدرش

را طلب نمود، پس ابوبکر گفت که پیامبر فرموده: کسی از ما ارث نمی‌برد و اموالی که به جای می‌گذاریم، صدقه است ...

**اسناد شیعه:**

۱- نهج الحق /۳۶۴ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۲- وصول الاخیار الی اصول الاخبار /۷۵ [والد بهائی العاملی م. ۹۸۴]

۳- صوارم المهرقة /۱۶۳ [التستری م. ۱۰۱۹]

۴- بحار الانوار ۶۳۰/۲۹ (قریب بهذا المضمون) [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- خلاصة عبقات الانوار ۶۴/۱ [سید علی میلانی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- صحیح مسلم ۱۵۲/۵ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۴/۹ ح/۳۳۰۲ [مسلم م. ۲۶۱]

۲- سنن الکبری ۶۵/۴ و فی المکتبة الشاملة ۶۵/۴ (قریب بهذا المضمون) [نسائی م. ۳۰۳]

۳- مسند ابی یعلی ۱۵/۱ - ۱۶ و فی المکتبة الشاملة ۴/۱ (قریب بهذا المضمون) [ابو یعلی م. ۳۰۷]

۴- السنن الکبری ۲۹۸/۶ و فی المکتبة الشاملة ۲۹۸/۶ [بیهقی م. ۴۵۸]

۵- فتح الباری ۱۴۴/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۴۶/۹ [ابن حجر م. ۸۵۲]

۶- کنز العمال ۲۴۱/۷ و فی المکتبة الشاملة ۲۴۱/۷ [متقی هندی م. ۹۷۵]

## مدرک پنجم

«انّ فاطمة بنت النبی ارسلت الی ابی بکر تسأله میراثها من رسول الله ممّا أفاء الله علیه [و فاطمة حینئذ تطلب صدقة النبی] بالمدینة و فدك و ما بقی من خمس خیبر ... فأبی ابوبکر ان یدفع الی فاطمة منها شیئاً.»

همانا دختر رسول خدا فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود را از رسول خدا که شامل فیء مدینه (غنائم جنگی) و فدک و ما بقی خمس خیبر و ... بود، از او طلب کرد، اما ابوبکر از اینکه چیزی از این اموال را به وی پس دهد خودداری کرد.

**اسناد شیعه:**

۱- العمدة /۳۹۰ [ابن بطریق م. ۶۰۰]

۲- الطرائف /۲۵۷ – ۲۵۸ [سید ابن طاووس م. ۶۶۴]

۳- نهج الحق /۳۵۹ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۴- شرح اصول کافی ۲۱۸/۷ [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۵- بحار الانوار ۱۱۱/۲۹ – ۱۱۲ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- مجمع النورین /۲۳۸ [المرندی م. ۱۳۴۹]

۷- شرح احقاق الحق ۵۳۵/۲۵ [سید المرعشی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- طبقات الکبری ۳۱۵/۲ و فی المکتبة الشاملة ۳۱۵/۲ [ابن سعد م. ۲۳۰]

۲- صحیح مسلم ۱۵۳/۵ – ۱۵۴ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۷/۹ و (طبع آخر) ح/۳۳۰۴ [مسلم م. ۲۶۱]

۳- مسند احمد ۹/۱ ح/۵۲ و فی المکتبة الشاملة ۵۵/۱ ح/ ۵۲ [احمدبن حنبل م. ۲۴۱]

۴- صحیح بخاری ۸۲/۵ و فی المکتبة الشاملة ۱۳۵/۱۳ ح/۳۹۱۳ [بخاری م. ۲۵۶]

۵- تاریخ المدینه ۱۹۶/۱ و فی المکتبة الشاملة ۱۹۶/۱ [نمیری م. ۲۶۲]

۶- سنن ابی داود ۲۳/۲ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۲/۸ [سجستانی م. ۲۷۵]

۷- السقیفة و فدک /۱۰۷ (قریب بهذا المضمون) [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۸- صحیح ابن حبان ۵۷۳/۱۴ و فی المکتبة الشاملة ۱۶۵/۲۰ [ابن حبان م. ۳۵۴]

۹- سنن الکبری ۶۵/۷ و ۱۴۳/۱۰ و فی المکتبة الشاملة ۱۴۳/۱۰ [بیهقی م. ۴۵۸]

۱۰- شرح نهج البلاغه ۲۱۷/۱۶ – ۲۱۸ (قریب بهذا المضمون) [ابن ابی الحدید م.۶۵۶]

۱۱- کنز العمال ۶۰۴/۵ و فی المکتبة الشاملة ۶۰۴/۵ [هندی م. ۹۷۵]

## مدرک ششم

﴿... فقال امیرالمؤمنین علیه‌السلام : یا ابابکر أما تقرأ کتاب الله؟ قال: نعم، قال علیه‌السلام أخبرنی عن قول الله عزوجل (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا) فی مَن نزلت؟ فینا أم فی غیرنا؟

قال: بل فیکم، قال علیه‌السلام فلو انّ شهوداً شهدوا علی فاطمة بنت رسول الله بفاحشة ما کنت صانعاً بها؟ قال کنت اقیم علیها الحد کما اقیم علی نساء المسلمین، قال علیه‌السلام اذن کنت عندالله من الکافرین. قال و لم؟ قال علیه‌السلام لانك رددت شهادة الله لها بالطهارة و قبلت شهادة الناس علیها کما رددت حکم الله و حکم رسوله ان جعل لها فدکاً قد قبضته فی حیاته ...﴾

پس امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: ای ابوبکر، آیا کتاب خدا را نخوانده‌ای؟ گفت بلی. حضرت فرمود: به من بگو که این فرمودهٔ خدا(خداوند هرگونه رجس و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کرده)دربارهٔ چه کسی نازل شده؟ آیا دربارهٔ ما نازل شده یا دربارهٔ غیر ما؟ ابوبکر گفت: البته که دربارهٔ شما نازل شده. حضرت علیه‌السلام فرمود:

پس اگر عده‌ای علیه حضرت فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا به امر خلافی شهادت بدهند، تو چه خواهی کرد؟ گفت: بر او حدّ جاری

می‌کنم، کما اینکه بر زنان مسلمین هم چنین می‌کنم؛ حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

بنابراین تو نزد خدا از کافرین خواهی بود. ابوبکر گفت: چرا؟ حضرت فرمود: برای اینکه تو شهادت خدا را بر طهارت فاطمه علیهاالسلام رد کرده‌ای و شهادت مردم را قبول کرده‌ای؛ کما اینکه تو حکم خدا و حکم رسول او را بر اینکه فدک ملک فاطمه علیهاالسلام بوده و در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را گرفته است ردّ کردی ...

## اسناد شیعه :


۱- علل الشرایع ۱۹۱/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- الاحتجاج ۱۲۳/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۳- کامل بهائی (تحقیق صفدری قزوینی)/۳۴۵ [عماد الدین طبری م. قرن ۷]

۴- کنزالدقائق (تحقیق حسین درگاهی)۳۷۷/۱۰ [میرزا محمد مشهدی قمی م. حدود عام ۱۱۲۵ هـ ق]

۵- غایة المرام (تحقیق سید علی عاشور) ۳۴۹/۵ [علامه بحرانی م. ۱۱۰۷]

۶- بحار الانوار ۱۲۹/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۷- تفسیر نور الثقلین ۱۸۷/۴ [حویزی م. ۱۱۱۲]

## مدارک دیگر

منابع دیگر که در آن نیز مسئلهٔ غصب فدک آمده :

### اسناد شیعه :

۱- الاحتجاج ۱۳۱/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۲- مناقب آل ابی طالب ۲۰۶/۲ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۳- طرائف/۲۶۴ [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۴- کنزالدقائق (تحقیق درگاهی ۳۴۵/۳) و (تحقیق مؤسسة نشر الاسلامی)۳۷۸/۲ [میرزا محمد مشهدی قمی م. حدود عام ۱۱۲۵ هـ ق]

### اسناد اهل سنت :

۱- مشکل الآثار ۴۷/۱ و فی المکتبة الشاملة ۹۱/۱ [طحاوی م.۳۲۱]

۲- السنن الکبری ۳۰۰/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۰۰/۶ [بیهقی م. ۴۵۸]

۳- شرح نهج البلاغة ۴۶/۶ [ابن ابی الحدید المعتزلی م. ۶۵۶]

۴- البدایة والنهایة ۲۸۵/۵ [ابن کثیر م. ۷۴۴]

۵- التلخیص ۱۵۴/۳ [ذهبی م. ۷۴۸]

۶- تاریخ ابن کثیر ۲۸۹/۵ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۷- تفسیر الوصول الی جامع الاصول ۴۶/۲ [شیبانی م. ۹۴۴]

۸- تاریخ الخمیس ۱۷۳/۲ [دیار بکری م. ۹۶۶]

۹- المستصفی ۱/ ۲۲۸ [غزالی]

## و اما غصب سایر اموال:

**مقدمه اول :**

اموال پیامبر ﷺ به قرار زیر است که طبق قانون ارث به حضرت زهرا علیها السلام منتقل می‌شود:

اموال حضرت رسول ﷺ در هنگام رحلت :

### ■ از جهت ارث :

- منزل مادر بزرگوارشان آمنه
- خانهٔ همسرشان حضرت خدیجه

**اسناد اهل سنت:**

۱- احکام السلطانية/۱۸۶- ۱۸۵ [ابی یعلی م. ۳۰۷]

۲- احکام السلطانية/۱۷۱[ماوردی م. ۴۵۰]

### ■ از جهت داد و ستد :

- زمین منزل شخصی ایشان در مدینه

**سند شیعه :**

دراسات و بحوث فی التاریخ والاسلام۱/۱۸۱-۱۶۹[سید جعفرمرتضی عاملی]

- زمین منزل همسرانشان در مدینه

**اسناد اهل سنت:**

۱- طبقات ابن سعد (الطبقات الکبری) ۸/۱۶۴[ابن سعد م. ۲۳۰]

۲- فتح الباری ۶/۱۴۸[ابن حجرعسقلانی م. ۸۵۲]

۳- عمدة القاری ۱۵/۲۹[عینی م. ۸۵۵]

۴- ارشادالساری ۵/۱۹۰[قسطلانی م.۹۵۳]

## ■ از جهت هدیه :

- اموال مخیریق یهودی مشهور به باغهای هفت‌گانه

**اسناد اهل سنت:**

۱- سیره ابن هشام ۱۶۵/۲-۱۶۴ [ابن هشام م. ۲۱۸]

۲- تاریخ طبری ۵۳۱/۲ [طبری م. ۳۱۰]

۳- شواهد التنزیل ۴۴۱/۱[حاکم حسکانی م. ۴۹۰]

۴- تاریخ ابن اثیر ۱۶۲/۲ [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۵- تاریخ ابن کثیر۳۶/۴ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۶- وفاءالوفاء۲۸۳/۱ و ۹۸۹/۲ [سمهودی م. ۹۱۱]

۷- مغازی واقدی ۲۶۳/۱-۲۶۲

- زمین‌هایی که انصار به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هدیه کردند که در مدینه و اطراف آن بوده است :

**اسناد اهل سنت :**

الاموال /۲۸۲ [ابوعبید م. ۲۲۴]

## ■ از جهت خمس :

- خمس دژهای خیبر

**اسناد اهل سنت :**

۱- معجم البلدان ۴۳۷/۴ [حموی م. ۶۲۶]

۲- وفاءالوفاء۱۲۹۲/۴ [سمهودی م. ۹۱۱]

۳- خلاصة الوفاء/۵۹۸

۴- عمدة الاخبار/۴۰۹ [احمدالعباسی]

- خمس غنائم جنگهای مختلف

**سند اهل سنت :**

طبقات ابن سعد (الطبقات الکبری) ۲و۷۷/۱ [ابن سعد م. ۲۳۰]

## از جهت فئ :

- زمین‌های بنی‌نضیر

**اسناد اهل سنت :**

۱- مغازی واقدی ۳۶۶/۱ [مغزی واقدی م.]

۲- طبقات ابن سعد ۵۸/۲ [ابن سعد م. ۲۳۰]

۳- الخراج /۳۳ و ۳۵

۴- فتوح البلدان ۲۱/۱ [بلاذری م. ۲۷۹]

۵- تاریخ ابن کثیر ۲۰۳/۴ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۶- انساب الاشراف ۳۳۹/۱ [بلاذری م. ۲۷۹]

- قلعه و حصن وطیح و قلعه سلالم

**اسناد اهل سنت :**

۱- سیره ابن هشام ۳۵۱/۳ و ۳۵۲ [ابن هشام م. ۲۱۸]

۲- تاریخ طبری ۱۴/۳ و ۱۵ [طبری م. ۳۱۰]

۳- سنن الکبری ۱۳۸/۹ [بیهقی م. ۴۵۸]

۴- کامل ابن اثیر ۲۲۱/۲ [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۵- تاریخ ابن کثیر ۱۹۸/۴ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۶- وفاء الوفاء ۱۲۰۹/۴ و ۱۲۱۰ [سمهودی م. ۹۱۱]

• زمین‌های وادی القری

• سرزمین تیماء

**اسناد اهل سنت :**

۱- فتوح البلدان ۴۰/۱ [بلاذری م. ۲۷۹]

۲- تاریخ الاسلام ۴۲۲/۲ [ذهبی م. ۷۴۸]

۳- تاریخ ابن کثیر ۲۱۸/۴ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۴- وفاء الوفاء ۱۳۲۸/۴ و ۱۳۲۹ [سمهودی م. ۹۱۱]

۵- مغازی واقدی ۷۱۰/۲ و ۷۱۱ [واقدی م. ]

• بازار مهزور

**اسناد اهل سنت :**

۱- احکام السلطانیه /۱۸۵ [ابی یعلی م. ۳۰۷]

۲- احکام السلطانیه /۱۷۰ و ۱۷۱ [ماوردی م. ۴۵۰]

۳- وفاء الوفاء ۹۸۹/۳ [سمهودی م. ۹۱۱]

۴- عمده الاخبار /۴۴۴ [احمد العباسی]

• فدک

## تذکر:

فدک نیز جزء اموال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده که به عنوان فیء به تملک آن‌حضرت در آمده و ایشان در زمان حیات خود آن را به حضرت زهراء علیها السلام اعطاء فرمودند.

**توضیح مختصر:**

بر اساس مشهور فقه اهل بیت، زوجه، از زمین ارث نمی‌برد و تمام این اموال به تنها دختر ایشان حضرت فاطمه علیها السلام منتقل می‌شود، اما ابوبکر با جعل حدیث ساختگی«نحن معاشرالانبیاء لا نوّرث» تمام اموال آن حضرت را مصادره و غصب نمود.

**مقدمه دوم :**

«عن ابی بصیر قال ابو جعفر علیه السلام : الا أقرئك وصية فاطمة (علیها السلام)؟ قال قلت بلى. قال فأخرج حقا أو سفطا فأخرج منه كتابا فقرأه :

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما أوصت به فاطمة بنت محمد أوصت بحوائطها السبعة: العواف والدلال والبرقة والمثيب والحسنى والصافية وما لأمّ ابراهيم الى على بن ابيطالب ...»

امام باقر علیه السلام به ابابصیر فرمودند: آیا نمی‌خواهی وصیت فاطمه علیها السلام را برایت قرائت کنم؟ ابا بصیر گفت: البته که می خواهم. پس صندوقچه‌ای را آوردند و نوشته‌ای از آن بیرون آوردند و اینچنین قرائت نمودند:

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان؛ این وصیتی است که فاطمه علیها السلام دختر محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام نموده است، به باغ‌های هفتگانه‌اش، العواف والدلال والبرقة والمثيب والحسنى والصافية و آنچه برای اُم ابراهیم بود ...

**اسناد شیعه :**

۱- اصول کافی ۴۸/۷ [کلینی م. ۳۲۹]

۲- دعائم الاسلام ۳۴۱/۲و۳۴۴ [قاضی ابو حنیفة نعمانی م. ۳۶۳]

۳- من لایحضره الفقیه۲۴۴/۴ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۴- تهذیب الاحکام۱۴۵/۹ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۵- دلائل الامامة/۱۲۹ [ابوجعفر محمد بن جریرالطبری الامامی م. قرن ۴]

۶- مختلف الشیعة ۳۰۳/۶ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۷- بحارالانوار۲۳۵/۴۳و ۱۸۵/۱۰۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- الحدائق الناضرة ۱۸۳/۲۲و۱۳۷ [محقق بحرانی م. ۱۱۸۶]

۹- مستدرک الوسائل ۵۴/۱۴ [میرزا حسین نوری م. ۱۳۲۰]

## مدرک اول

«انّ فاطمة بنت النبی ارسلت الی ابی بکر تسأله میراثها من رسول الله ممّا افاءالله علیه بالمدینة و فدك و ما بقی من خمس خیبر... فأبی ابوبکر ان یدفع الی فاطمة منها شیئاً»

همانا فاطمه علیها السلام دختر رسول الله صلی الله علیه وآله ، کسی را نزد ابوبکر فرستاد و از او خواست تا ارث خود از پیامبر صلی الله علیه وآله را از او طلب کند این مطالبه شامل: فیء و فدک و باقیماندهٔ خمس خیبر بود ... امّا ابوبکر از اینکه چیزی از این اموال را به وی پس بدهد خودداری ورزید.

**اسناد اهل سنت :**

۱- مسند احمد۱۰/۱-۹ [احمدبن حنبل م. ۲۴۱]

۲- صحیح بخاری ۸۳/۵-۸۲ [بخاری م. ۲۵۶]

۳- الامامة والسیاسة ۱۳/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۴- فتوح البلدان /۴۵ [بلاذری م. ۲۷۹]

۵- تاریخ الامم والملوک ۲/ ۴۴۸ [محمد بن جریرطبری م. ۳۱۰]

۶- مشکل الاثار ۴۸/۱-۴۷ [طحاوی م. ۳۲۱]

۷- السنن الکبری ۶ /۳۰۰ [بیهقی م. ۴۵۸]

۸- جامع الاصول لاحادیث الرسول ۴/ ۴۸۲ [ابن اثیر م.۶۳۰]

۹- التخلیص ۱۵۴/۳ ( در حاشه کتاب المستدرک علی الصحیحین به چاپ رسیده است) [ذهبی م.۷۴۸]

۱۰- البدایة و النهایة ۵ /۲۸۵ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۱۱- وفاء الوفاء ج۲/۹۹۵ [سمهودی م. ۹۱۱]

۱۲- تفسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول ج۲/۴۶ [شیبانی م.۹۴۴]

۱۳- تاریخ الخمیس ۱۷۳/۲ [دیار بکری م.۹۶۶]

۱۴- کنز العمال ۵۸۴/۵ [متقی هندی م.۹۷۵]

## مدرک دوم

عایشه خانه‌ای را که در آن سکونت داشت غصب و تصاحب کرد و حال اینکه سهمش فقط یک هفتاد و دوم قیمت اموال غیر منقوله بود.

**سند شیعه :**

دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام ۱۶۹/۱ و ۱۸۱ [سید جعفر مرتضی عاملی]

**تذکر:**

منابع اهل سنت دلالت بر این دارد که خانۀ همسران پیامبر در تملک و تـصاحب آنها نبوده!

**اسناد اهل سنت:**

۱- طبقات ابن سعد ۱۶۴/۸ [ابن سعد م. ۲۳۰]

۲- فتح الباری ۱۴۸/۶ [ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۳- عمده القاری ۲۹/۱۵ [عینی م. ۸۵۵]

۴- ارشاد الساری ۱۹۰/۵ [قسطلانی م. ۹۵۳]

## مدرک سوم

شعر عبدالله ابن عباس خطاب به عایشه :

تجمّلتِ تبغّلتِ و اِن عِشتِ تفیّلتِ          لکِ التسع من الثمن و بالکل تملّکتِ

یک روز سوار بر شتر شدی[و جنگ جمل را به پا کردی] امروز سوار بر قاطر شده‌ای [و به بهانۀ این‌که مقبرۀ پیامبر، خانۀ توست، از دفن امام حسن مجتبی علیه‌السلام در کنار قبر پیامبر ممانعت می‌کنی] و اگر زنده بمانی روزی سوار بر فیل خواهی شد [و فتنه‌ای بزرگ‌تر به پا خواهی کرد]. تو صاحب یک نهم از یک هشتم [یک هفتاد و دوم] سهم زنان پیامبر می‌باشی و حال آنکه همۀ آن را برای خود تملّک کرده‌ای.

**اسناد شیعه :**

۱- الایضاح/۲۶۲ [فضل بن شاذان م. ۲۶۰]

۲- شرح الاخبار(ط. مؤسسة نشرالاسلامی)۱۹/۲ [قاضی نعمان مغربی م. ۳۶۳]

۳- الارشاد(ط. دارالمفید)۱۹/۲ [محمدبن محمدبن نعمان م. ۴۱۳]

۴- مناقب آل ابی طالب(ط. مطبعة الحیدریة نجف)۲۰۴/۳ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۵- شرح اصول کافی۱۶۷/۶ [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

# دفاعیه نوزدهم

اسناد و مدارک مربوط به **واقعۀ کوچۀ**

**بنی هاشم و پاره کردن قبالۀ فدک**

در این دفاعیه بیان شده است

## پرده دری از حرمت یک قباله

مدینه بود و غربتی بی انتهای مهتاب و کوچه ای آغشته به نام طایفه بنی هاشم.

گذرگاهی بود و رود بی انحنای نگاه‌های پر شور و بی شعور، و من قباله ای در دست، راز کهکشان سخاوت محمدی را از آن معبر، گذر می دادم.

قباله ای بود که در آن، واژگان و کلمات، برگرد امضای آسمانی رسول خدا، حلقه زده بودند و به خوش باشی این همجواری، رقص و طرب می نمودند.

قباله فدک مجلس شادی کلمات بود که در آن حروف و عبارات با سماع عاشقانه خود، دست در دست هم می دادند و یک معنای مطلق را فریاد می زدند. آنها یک سرود می خواندند و یک حقیقت را افشا می نمودند...

یک چیزو تنها یک چیز...

و آن هم«حق با علی است»

اما چه سود...

که به ناگاه این بزم معانی، درهم دردیده شد و بذاق کینه‌ی یک قوم مغضوب، چهره‌ی گریان آن را مکدّر کرد.

از آن قباله راهی بود تا آسمان و رمزی بود بر روی زمین. قباله فدک رساله حیثیت خاندان خدا بود که در پیش چشمانم، بی آبرو شد.

آه که بغض شراره های اندوهم، مبادا که شعله زند هر قباله‌ی وجودی را..

آه کجاست مادرم خدیجه که به نوازشی آرامم کند، و کجاست وکیل آبرویم تا که تکه پاره های قباله را چونان شاهدی گویا، در پیش چشمانتان حاضر گرداند، کجاست او ، کجاست؟

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«... فخرجت والکتاب معها فلقیها عمر فقال ما هذا معك یا بنت محمد قالت: کتاب کتبه لی ابن ابی قحافة ، قال ارینیه فابت فانتزعه من یدها و نظر فیه ثم تفل فیه و محاه و خرقه ...»

(در کوچهٔ بنی‌هاشم) ... پس حضرت زهرا علیهاالسلام خارج شد در حالیکه نوشته با او بود. پس عمر در راه به حضرت رسید. پس گفت: ای دختر

محمد، نوشته‌ای که با خود داری چیست؟ فاطمه علیهاالسلام فرمود: نوشته‌ای است که ابوبکر برایم نوشته است، عمر گفت آن را به من نشان بده. پس فاطمه علیهاالسلام ابا کرد. پس عمر آن را از او گرفت و در آن نگاه کرد، سپس در آن آب دهان انداخت و آن را پاره کرد ...

**اسناد شیعه :**

۱- اصول کافی ۵۴۳/۱ [کلینی م. ۳۲۹]

۲- المقنعة /۲۹۰ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۳- تهذیب الاحکام ۱۴۹/۴ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۴- شرح اصول کافی ۴۰۴/۷ [مولی صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۵- غایة المرام ۲۸۴/۳ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۶- بحارالانوار ۱۵۷/۴۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۷- نور الثقلین ۱۵۴/۳ و ۲۷۶/۵ [حویزی م.۱۱۱۲]

## مدرک دوم

﴿قال الصادق علیه‌السلام : ... فخرجت والکتاب معها فلقیها عمر فقال: یا بنت محمّد ما هذا الکتاب الذی معك؟ فقالت: کتاب کتب لی ابوبکر برد فدك فقال: هلمیه الی فأبت أن تدفعه الیه ... ثم رفسها ... ثم لطمها... ثمّ أخذ الکتاب فخرقه ...﴾

[ابوبکر نوشته‌ای برای فاطمه علیهاالسلام در ردّ فدک نوشت] پس خارج شد فاطمه علیهاالسلام در حالیکه آن نوشته با او بود. عمر در راه به او رسید. پس گفت: ای دختر محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله این نوشته‌ای که با خود داری

چیست؟ فرمود: نوشته‌ای است که ابوبکر در ردّ فدک نوشته است. پس عمرگفت: آن را به من بده، حضرت زهرا علیهاالسلام از دادن آن امتناع کردند ... سپس لگدی به حضرت زد ... سپس لطمه‌ای به صورت حضرت زد، ... سپس عمر نوشته را گرفت و پاره کرد...

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص/۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- النقض/۳۰۲ [عبدالجلیل قزوینی م. ۵۶۰]

۳- بحارالانوار ۱۹۲/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- جامع النورین/۲۰۶ [اسماعیل سبزواری م. ۱۳۱۱]

۵- اللمعة البیضاء /۳۱۲ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۶- مجمع النورین /۱۲۳ [مرندی]

۷- بیت الاحزان /۱۵۸ [شیخ عباس قمی]

۸- مأساة الزهراء ۶۳/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک سوم

قال الصادق علیه‌السلام (لمفضّل):

«... و قول عمر هاتی صحیفتك الّتی ذکرت انّ اباكِ کتبها لكِ و اخراجها الصحیفة و أخذه ایاها منها و نشره لها علی رؤس الأشهاد من قریش و المهاجرین و الانصار و سائر العرب و تفله فیها وتمزیقه ایاها و بکائها ...»

در حدیث مفضّل از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

... و گفتن عمر به فاطمه علیهاالسلام بیاور نامه ای را که گفتی پدرت به تو داده است (برای فدک). و بیرون آوردن حضرت نامه را، وگرفتن

عمر آن را از دست حضرت، و گشودن آن نامه در مقابل قریش و مهاجرین و انصار و دیگر اعراب، و آب دهان در آن انداختن و آن را پاره کردن و گریستن آن حضرت علیها السلام ...

**اسناد شیعه :**

۱- هدایة الکبری /۴۰۶ (قریب بهذا المضمون) [حسین بن همدان الخصیبی م. ۳۳۴]

۲- مختصر بصائر الدرجات/۱۹۱ [حسن بن سلیمان حلی م. قرن ۹]

۳- بحارالانوار۱۷/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک چهارم

«... اخذ (عمر) الکتاب منها قهراً و بصق فیه و خرّقه... فقالت: علیها السلام: بقرت کتابی بقر الله بطنك»

[عمر] نامۀ فدک را از حضرت زهرا علیها السلام به زور گرفت، بعد آب دهان بر روی آن انداخته و آنرا پاره کرد. ... پس حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خداوند شکمت را پاره کند چنانکه نامۀ مرا پاره کردی.

**سند شیعه :**

وفاة الصدیقة الزهراء/۷۸ [عبدالرزاق المقرم م. ۱۴۰۳]

**مدارک دیگر**

منابع دیگر که در آن نیز پاره کردن قبالۀ فدک آمده :

**سند شیعه:**

الشافی ۹۸/۴ [شریف مرتضی م. ۴۳۶]

**اسناد اهل سنت :**

۱- شرح نهج البلاغة ۲۷۴/۱۶ [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

۲- السیرة الحلبیّة ۳۶۲/۳ [برهان الدین شافعی م. ۱۰۴۴]

# فصل دوّم

این بخش از دفاعیات، به بررسی
اسناد و مدارک موجود در
خصوص آسیب ها و جراحات
متعددی که به پیکر حضرت زهرا سلام الله علیها
وارد شده است، می پردازد.

فاطمه سلام الله علیها

فاطمه سلام الله علیها

# دفاعیّه بیستم

این دفاعیه تحقیقی است پیرامون اسناد و مدارک
مربوط به **جراحات و آسیبهایی** که به
حضرت زهراء علیها السلام رسید

## نقش جراحات خورشید

آن روز، فراخ‌ترین جنایت تاریخ گسترده شد و پارهٔ جگر عصمت خدا، جگرپاره گشت. من از پشت چشم‌های غریبه‌های مدینه، شعلهٔ کینه‌ای را تماشا کردم که تنها سیراب خاموشی‌اش، خون سرخ فاطمه است و تنها من فاطمه بودم.

آه که نمی‌دیدند آن قطرهٔ اشکی که خاک‌فرش کوچه‌هایشان را نمناک می‌کند، خون خداست که دل خورشید در ذره ذرهٔ قطره‌های آن می‌تپد؛ و آه که نمی‌فهمیدند و پر خشم‌تر و پر ضربه‌تر می‌نواختند.

من بیدار بودم؛ آه، از لابه‌لای روزنه‌های چادرم، تصویرِ بی‌روحِ جنونِ حاکمیت را به نظاره نشستم؛ و کاش نبود این کرسیِ بی‌منزلتِ خلافت و چهاربالش سخیف قدرت!

من هرچه می‌اندیشم که چه می‌خواستند از این هجوم فلاکت‌انگیز و فریادهای بی‌رحمانهٔ شکننده، نیافتم پاسخی را که آرامم کند در بارش حیرت‌ها و حسرت‌ها! و سوختم و می‌ساختم با زخم جراحت‌های بی‌عفتی و بی‌حرمتی اقوام عرب.

آه، شاید آنان گمان می‌کنند که من هرگز دختر رسول خدا نبوده‌ام و نسب من اینچنین پاک و آسمانی نبوده است، زیرا جراحات بدنم آنقدر آشکار و جان فرساست که بعید می‌دانم بر دوشیزه‌ای از خاندانی جاهلی هم اینگونه هجومی را تصور کنند و با این همه فجاعت، زخم آگینش نمایند، تا چه رسد به دردانهٔ نمکین پیامبر خدا که رازهای خلقت در گردش چشمانش معنا می‌گرفت! زخم‌های بی‌رحم پیکرم هر کدام نشانه‌ای است بر حقانیتِ من و دفاعیه‌ای است بر دادخواست این محکمهٔ گرم و سرخ!

و آتش می‌کشد شعله از اندام غزل خوانم و می‌سوزد به هر افطار، قلبم از غروبی زود هنگام؛ و مغموم است چشمان کبود من در تکفیر زنجیرها بر شانه‌های آزادگی‌ام. راه، بس بیم‌ناک است بر ضاربان از عافیت مهجور!

آی مصیبت‌های نامراد عالم، مرا دریابید و بر پیکرم، هر کدام نقشی از تشویش برافکنید. من آماده‌ام که در هر کجایِ این جهانِ بی‌روزن به میهمانی

سفرهٔ وجودم فرا خوانمتان و بر جای‌جایِ پیکرم، نقش حزنی از غم اندوهبار علی منکوب شود!

من غریو ضربه‌های وحشت‌انگیز یک فتنه را بر عضو عضو پیکرم دریافتم و چه خوش می‌رقصد نقش کبودی‌های آن بر صفحهٔ وجودم!

من مادری نداشتم تا فریاد کند و یا پدری که رگ غیرتش در تهاجمی اینچنینی جامه‌دری کند. من تنها به پشتوانهٔ یک شوی مردافکن، قیام و قعود می‌کردم، اما چه سود که او نیز باید که خار در چشم و استخوان در گلو می‌ماند و مرا با تمام بی‌حرمتی های خلق، به نظاره‌ای خرد کننده می‌نشست! من درد می‌کشیدم و اعضای وجودم، لحظه به لحظه عَلَم ضعف و انکسار را بر می‌افراختند و تنها در میان من و علی، راز دلی بود که با ترنم اشک‌های معنا داری افشا می‌شد.

# مستندات این دفاعیّه

## (۱) شکستن استخوان پهلو

### مدرک اول

جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت:

«... اما ابنتك ...و يكسر ضلعها...»

... اما دخترت ... شکسته می‌شود استخوان پهلویش.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۴۴/۹۸ [علامه مجلسی م.۱۱۱۰]

۲- مستدرک الوسائل ۲۷۶/۱۰ [میرزای نوری]

۳- مأساة الزهراء ۴۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۴- الهجوم علی بیت فاطمة /۳۹ [عبد الزهراء مهدی]

### مدرک دوم

**در روایتی آمده :**

«السلام عليك ايتها الصديقة الشهيدة . . .المكسورة ضلعها...»

سلام بر صدیقهٔ شهیده ... که استخوان پهلویش شکسته.

**اسناد شیعه :**

۱- اقبال الاعمال (ط.مکتب الاعلام الاسلامی۱۶۶/۳) و طبع (یک جلدی) /۶۲۵ [سیدبن طاووس م.۶۶۴]

۲- بحارالانوار ۲۰۰/۹۷ [علامه مجلسی م.۱۱۱۰]

## مدرک سوم

«... فارسل ابوبکر الی قنفذ اضربها فالجأها الی عضادة بینها فدفعها فکسّر ضلعها من جنبها...»

ابابکر قنفذ را فرستاد و به او گفت که فاطمه علیهاالسلام را بزن. پس قنفذ فاطمه علیهاالسلام را مجبور کرد به سمتی از خانه‌اش (به لنگهٔ در) پناه ببرد پس قنفذ، فاطمه علیهاالسلام را پرت کرد (هُل داد) و استخوانی از پهلویش را شکست...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم /۱۵۳(تحقیق محمد باقر انصاری) [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲-الاحتجاج ۱۰۹/۱ [طبرسی م.۵۶۰]

۳- بحارالانوار ۱۹۸/۴۳و ۲۸۳/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین/۹۹ [ابوالحسن مرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان/۱۱۵ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۶- مأساة الزهراء۲۹۸/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدارک دیگر

در اسناد زیر به شکسته شدن (استخوان) پهلو اشاره شده است.

**اسناد شیعه :**

۱- امالی صدوق/۹۹- ۱۰۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بشارة المصطفی/۲۰۰-۱۹۷[محمدبن علی الطبری م. ۵۵۳]

۳- ارشادالقلوب ۲۹۵/۱ [دیلمی م. ۷۷۱]

۴- غایة المرام (تحقیق سید علی عاشور) ۱۷۱/۱ و (طبع آخر) /۴۸ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۵- بحارالانوار ۳۸/۲۸-۲۷۰-۲۸۳ و ۱۷۳/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- مرآة العقول۳۲۰/۵ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۷- عوالم العلوم ۳۹۱/۱۱- ۳۹۲ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۸- مستدرک سفینة البحار۶۱۹/۸ [شیخ علی نمازی]

۹- مأساة الزهراء۲/ ۳۸ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## سند اهل سنت :

فرائدالسمطین ۳۴/۲- ۳۵ [جوینی م. ۷۳۰]

## (۲) جراحت پهلو

### مدرک اول

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله ....اللّهم العن مَن ظلمها ...و خلّد فی نارك من ضرب جنبها (جنبیها)..»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ... خدایا، آنان را که به فاطمه‌ام ظلم می‌کنند لعنت کن، و کسانی‌که به پهلویش ضربه می‌زنند به آتش ابدی خود بسوزان ...

**اسناد شیعه :**

۱- امالی صدوق (ط. مؤسسة البعثة) /۱۷۶ و (طبع مکتبة فدک)/۹۹-۱۰۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بشارة المصطفی (طبع مؤسسة نشرالاسلامی)/۳۰۷ و (طبع آخر) /۲۰۰- ۱۷۹و [محمدبن علی طبری م.۵۵۳]

۳- المحتضر (تحقیق سید علی اشرف)/ ۱۹۷ و (طبع آخر)/۱۰۶ [شیخ عزالدین حلی م. قرن ۸]

۴- غایة المرام (تحقیق سید علی عاشور)۱۷۲/۱ و (طبع آخر) /۴۸ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۵- بحارالانوار ۳۹/۲۸ و ۱۷۳/۴۳ و ۶۲۰/۳۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- عوالم العلوم۳۹۱/۱۱-۳۹۲ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۷- اللمعة البیضاء /۸۵۴ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۸- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۴۸ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۹- مأساة الزهراء۳۹/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

**سند اهل سنت :**

فرائد السمطین ۳۴/۲- ۳۵ [جوینی م. ۷۳۰]

## مدرک دوم

«...فتقدم الیها و رفسها برجله ... و کانت حاملةً فاوجع جنبها ...ثم اسشدت باحدی یدیها الی الجدار و جعلت الاخری علی جنبها و کرّت راجعةً الی بیتها و بعدها سقطت علی الارض و نادت (قتلنی عمر).»

عمر به سوی حضرت آمد و با پا لگد محکمی به حضرت زد ... و حال آنکه فاطمه علیهاالسلام باردار بود، و پهلوی فاطمه علیهاالسلام به شدت به درد آمد ... سپس با یکی از دو دستش به دیوار تکیه نمود و دست دیگرش را به پهلو گرفت و با همان حالت به خانه بازگشت و در آنجا به زمین افتاد و فریاد زد: (عمر مرا کشت).

**اسناد شیعه :**

۱- جامع النورین/۲۰۶ [اسماعیل سبزواری م. ۱۳۱۱]

۲- الهجوم علی بیت فاطمه /۳۶۴ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک سوم

«... فرفع (عمر) السیف و هو فی غمده فوَجأ به جنبها فصرخت (فاطمة)...»

... عمر، شمشیر را که در غلاف بود بالا برده و چنان به پهلوی فاطمه علیهاالسلام زد که ناله و فریاد حضرت بلند شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری)/۱۵۰-۳۸۷ و (طبع اعلمی بیروت)۸۶۲/۱- ۸۶۸ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- کامل بهائی/۳۰۸ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن ۷]

۳- بحار الانوار ۲۶۹/۲۸ و ۱۹۷/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین /۹۸ [ابوالحسن مرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان /۱۰۹ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۶- الانوارالعلویة / ۲۸۷ [شیخ جعفر نقدی م. ۱۳۷۰]

۷- مأساة الزهراء ۱۵۵/۲– ۱۶۵ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک چهارم

«و ضربها قنفذ بالسّوط علی متنها فصاحت فاطمة یا ابتاه...»

قنفذ با تازیانه بر پهلوی حضرت زهرا علیهاالسلام زد و حضرت، با ناله فریاد زدند: ای پدر ...

**اسناد شیعه :**

۱- کامل بهائی/۳۰۸ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن ۷]

۲- مأساة الزهراء ۱۷۵/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک پنجم

«فاخذ عمر سیفه و هو فی قرابه و ضربها به علی جنبیها...»

....پس عمر شمشیر را که در غلاف بود، برداشت و با آن، به هر دو پهلوی حضرت زد ...

**اسناد شیعه :**

۱- کامل بهائی/۳۰۸ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن ۷]

۲- مأساة الزهراء ۱۷۵/۲ [سید عبد الزهراء مهدی]

## به منابع زیر هم رجوع شود:

۱- نوادرالاخبار/۱۸۳ و (ط. آخر. تحقیق انصاری قمی)/۲۰۸ [فیض کاشانی م.۱۰۹۱]

۲- علم الیقین فی اصول الدین/۶۸۷ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۳- الصوارم الحاسمة فی تاریخ احوالات الزهراء [کمالی استر آبادی]

۴- نوائب الدهور ۱۵۸/۳ [علامه میرجهانی]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۳۱/۲ [رحمانی همدانی

## (۳) جراحت کمر

### مدرک اول

«...و حینئذ جاء عمر الی قنفذ و اخذ سوطه و ضربها بالسوط علی ظهرها...»

...در این هنگام عمر به سوی قنفذ آمد و تازیانهٔ قنفذ را گرفت و بر کمر حضرت زهرا علیهاالسلام زد ...

**سند شیعه :**

ضیاءالعالمین (مخطوط) ۶۰/۲-۶۴ [الفتونی م. ۱۱۳۸]

### مدرک دوم

«فامر عمر، قنفذ بضربها بسوطه فضربها قنفذ بالسوط علی ظهرها ...الی أن أنهکها...»

عمر به قنفذ امر کرد که فاطمه علیهاالسلام را با تازیانه بزنند. پس قنفذ با تازیانه برکمر او زد ... و او را بسیار رنجور ساخت ...

**اسناد شیعه :**

۱- نوادر الاخبار /۱۸۳و (ط. آخر.تحقیق انصاری قمی)/۲۰۸ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۲- علم الیقین فی اصول الدین /۶۸۶-۶۸۸ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۳- بیت الاحزان /۱۱۷ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک سوم

«...فقال له المقداد: ذهبت بنت رسول الله و کان الدم تخرج من ظهرها ... بسبب ضربك لها بالسیف والسوط ...»

مقداد به عمر گفت: دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به سبب ضربهٔ شمشیر و تازیانهٔ تو، در حالیکه خون از کمرش جاری بود از دنیا رفت ...

**اسناد شیعه :**

۱– کامل بهائی /۳۱۴ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن ۷]

۲– ماساة الزهراء ۱۷۵/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک چهارم

«بعد دفن فاطمة سلام الله علیها من دون علم الخلیفة ... جاء (عمر) الی علی علیه‌السلام و قال یابن ابی طالب لاتترکون الحسد القدیم ...و الیوم تصلی علی فاطمة دوننا ، فقال له عقیل رحمة الله و انتم والله لاشد الناس حسداً واقدم عداوة لرسول الله و اهل بیته ضربتموها بالأمس و خرجت من الدنیا و ظهرها بدم و هی غیر راضیة عنکما .»

بعد از دفن حضرت فاطمه علیهاالسلام که بدون اطلاع ابی‌بکر بود ... عمر به سوی حضرت علی علیه‌السلام آمد و گفت ای پسر ابی‌طالب، حسادت قدیمی

را ترک نمی‌کنید .. و امروز بدون ما بر فاطمه نماز می‌خوانید؟ پس عقیل (خدا او را رحمت کند) فرمود: (به خدا قسم) شما از همهٔ مردم حسودترید و قدیمی‌ترین دشمنان پیامبر خدا و اهل بیتش هستید. قبل از این، فاطمه را زدید و او از دنیا رفت در حالیکه کمرش آغشته به خون بود و او از شما دو تا (عمر و ابوبکر) راضی نبود.

**اسناد شیعه :**

١- کامل بهائی /٣١۴ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن ٧]

٢- مأساة الزهراء١٧۵/٢ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## (۴) جراحت کتف

### مدرک اول

﴿اخذ عمر عن خالدبن ولید سیفاً فجعل یضرب بغمده علی کتفها حتی صارت مجروحة﴾

عمر از خالدبن‌ولید شمشیری گرفته و با غلاف (در حالیکه شمشیر داخل آن بود) آنقدر بر شانهٔ حضرت علیها السلام زد که مجروح شد.

**اسناد شیعه:**

۱- مجمع النورین/۸۲ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۲- الجنة العاصمة (تحقیق سید مهدی رجائی) /۴۵۸ و (طبع آخر)/۲۵۱ [علامه میرجهانی]

۳- فاطمة بهجة قلب المصطفی/۸۱۶ (فارسی) و۵۷۵/۲ (عربی) [رحمانی همدانی]

## (۵) جراحت سینه

### مدرک اول

«عصر عمر فاطمة بين الحائط والباب عصرةً شديدة ... و نبت مسمار الباب فى صدرها ...»

عمر، فاطمه عليها السلام را بين در و ديوار فشار شديدى داد ... و ميخ در به سينهٔ حضرت عليها السلام فرو رفت ...

**اسناد شیعه :**

۱- مواقف الشيعة ۱۲۶/۳ [ميانجى]

۲- ماساة الزهراء ۳۵۳/۱ و ۱۹۰/۲ [سيد جعفر مرتضى عاملى]

۳- الهجوم على بيت فاطمة /۱۸۷ [عبد الزهراء مهدى]

**سند اهل سنت :**

مؤتمر علماء بغداد (تحقيق سيد مرتضى رضوى)/۱۸۱ و (طبع آخر)/۱۳۵ [مقاتل بن عطية م. ۵۲۵]

### مدرک دوم

«...ان الاخباريين من الشيعة رووا : ان ابابكر كتب لفاطمة [صلوات الله عليها] بفدك كتابا فلمّا خرجت به وجدها عمر فمدّ يده اليه لياخذه مغالبة فمنعته فدفع بيده فى صدرها و اخذ الصحيفة فخرّقها...»

... اخباریین شیعه روایت کردند: همانا ابوبکر نامه‌ای دربارهٔ فدک برای حضرت فاطمه علیهاالسلام نوشت. وقتی حضرت با نامه خارج شد، عمر حضرت را یافت؛ پس دستش را دراز کرد که با خشونت و غلبه بتواند نامه را بگیرد. ولی حضرت نگذاشتند و عمر با دستش به سینهٔ حضرت زد و نامه را گرفت و پاره کرد.

## سند اهل سنت :

اعلام النساء ۱۲۴/۴ [عمر رضاکحالة]

## اسناد شیعه:

۱- ماساة الزهراء ۲۱۷/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۲- الهجوم علی بیت فاطمه /۱۹۹ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک سوم

«... و نبع الدم من صدرها...»

... و خون از سینه‌اش جاری بود ...

## اسناد شیعه :

۱- الکوکب الدری (ط. شریف رضی حیدریة النجف)/۱۹۴-۱۹۵

۲- الهجوم علی بیت فاطمه /۱۲۴ [عبد الزهراء مهدی]

## (۶) جراحت شکم

### مدرک اول

«...ان عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعة»

...به درستیکه عمر در روز بیعت ضربه‌ای به شکم فاطمه علیها السلام زد ...

**اسناد شیعه :**

۱- النقض/۲۹۸ [عبدالجلیل قزوینی م. ۵۶۰]

۲- کامل بهائی /۳۱۱ [عماد الدین طبری م. قرن ۷]

۲- عوالم العلوم ۴۱۶/۱۱ [شیخ عبدالله بحرینی م. قرن ۱۱]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۲۳ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- شرح احقاق الحق ۳۷۲/۲ [سید المرعشی]

۵- مستدرک سفینة البحار ۹۴/۱۰ [شیخ علی نمازی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- الملل والنحل (تحقیق محمد سید گیلانی) ۵۷/۱ و (مکتبة الانجلو المصریة)۵۹/۱ [شهرستانی[۱] م. ۵۴۸]

۲- الوافی بالوفیات (تحقیق احمد الارناؤوط)۱۵/۶ و (ط. آخر) ۳۴۷/۵ [صفدی شافعی م. ۷۶۴]

### مدرک دوم

حدیث مفضل از امام صادق علیه السلام :

«...و رکل عمر الباب برجله حتی أصاب بطنها ...»

---

[۱] نقل الشهرستانی عن النظام و هو من رؤساء المعتزلة

در حدیث مفضل از امام صادق علیه السلام: ... عمر با پایش لگدی بـه در زد، تا اینکه به شکم او اصابت کرد ...

**اسناد شیعه :**

۱- هدایة الکبری /۴۰۷ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- بحارالانوار ۱۹/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۴۴۱/۱۱-۴۴۳ [شیخ عبدالله بحرینی م. قرن ۱۱]

## مدرک سوم

﴿بعث (ابابکر) الیها عمر حتی ضربها علی بطنها...﴾

(ابابکر) عمر را به سوی حضرت زهرا علیها السلام فرستاد تا اینکه عمر بر شکم حضرت زد ...

**اسناد شیعه :**

۱- اللوامع اللهیة فی المباحث الکلامیة /۳۰۲ [الفاضل المقداد السیوری م. ۸۲۶]

۲- ماساة الزهراء ۸۸/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۳- الهجوم علی بیت فاطمه /۳۳۰ [عبد الزهراء مهدی]

## مدارک دیگر

درمنابع زیر به ضربتی که عمر به شکم حضرت زهرا علیها السلام زده، اشاره شده است .

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری /۴۰۲ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- تلخیص الشافی ۱۵۶/۳-۱۵۷ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۳- النقض /۳۰۲ [عبدالجلیل قزوینی م. ۵۶۰]

۴- بحارالانوار ۱۴/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## (۷) ورم کردن بازو

### مدرک اول

«عن فاطمة الزهراء علیها السلام قالت: ... فاخذ عمر السوط من ید قنفذ [مولی ابی بکر] فضرب به عضدی فالتوی السوط علی عضدی حتی صار کالدملج»

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که فرمودند: ... پس عمر تازیانه را از دست قنفذ - غلام ابی بکر- گرفته و بر بازوی من زد و چنان تازیانه بر بازویم پیچید که اثر آن مانند بازوبند روی بازویم باقی ماند...

**اسناد شیعه :**

۱- هدایة الکبری /۱۷۹ [حسین بن حمدان الخصیبی]

۲- بحارالانوار ۳۴۸/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مجمع النورین /۱۴۷ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۴- بیت الاحزان /۲۱ (نشر دار الحکمه) [شیخ عباس قمی]

### مدرک دوم

«فی حدیث عن الامام الصادق علیه السلام: ... و ضرب عمر لها بالسوط علی عضدها حتی صار کالدملج الاسود...»

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده: ... تازیانه زد عمر، بر بازوی حضرت فاطمه علیها السلام بگونه‌ای که مانند بازوبند سیاه شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری /۴۰۷ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- حلیة الابرار (طبع دارکتب العلمیة) ۶۶۸/۲ و (طبع آخر) ۶۵۲/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۳- بحارالانوار ۱۹/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- نوائب الدهور ۱۵۰/۳ [علامه میرجهانی]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۳۲/۲ [رحمانی همدانی]

۶- مأساة الزهراء ۶۰/۲ و ۲۹۰ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک سوم

**از کتاب سلیم :**

«... و حالت بینهم (مهاجین) و بینه (علی علیه السلام) فاطمة علیها السلام عند باب البیت فضربها قنفذ الملعون بالسوط فماتت حین ماتت و ان فی عضدها مثل الدملج من ضربته لعنه الله ...»

...حضرت زهرا علیها السلام بین هجوم آورندگان و حضرت علی علیه السلام مانع شد، پس قنفذ ملعون، با تازیانه بر بازوی حضرت زد، پس، از دنیا رفت در حالیکه اثر آن بر بازوی او مثل بازوبند باقی ماند ...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمدباقر انصاری)/۱۵۱و(طبع اعلمی بیروت)۸۶۲/۲ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- احتجاج (تحقیق محمد باقر خرسان) ۱۰۹/۱ و (طبع آخر) ۸۳/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۳- بحار الانوار ۲۷۰/۲۸ و۱۹۸/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مرآة العقول (مع تفاوت یسیر) ۳۱۹/۵-۳۲۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- عوالم العلوم ۴۰۰/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۶- مجمع النورین /۸۲ [شیخ ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۷- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۱۰ و (مطبعة فدک)/۹۴ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۸- مستدرک سفینة البحار ۶۱۹/۸ [شیخ علی نمازی]

## (۸) صورت کبود

### مدرک اول

«عن النبی صلی الله علیه و آله قال: ابکی من . . . لطم فاطمة خدّها»

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند : گریه می کنم از ... سیلی بر گونهٔ فاطمه علیها السلام ...

**سند:**

در بخش ۱ فصل ۱۱ حدیث ۱ صفحه ۷۵ ذکر شده است

### مدرک دوم

«عن الامام الصادق علیه السلام : ...ثم لطمها ...»

از امام صادق علیه السلام ... سپس سیلی بر او زد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص /۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- بحارالانوار ۱۹۲/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- اللمعة البیضاء /۳۱۲ [تبریزی انصاری]

۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۲۶ [شیخ عباس قمی]

در این دو روایت قبل، کلمهٔ «لطم» ذکر شده است. از کتب لغت معتبر استفاده می‌شود که مادهٔ لطم در موردی به کار می‌رود که صورت در اثر ضربهٔ کف دست رنگش کبود (مابین رنگ سیاه و خاکستری) شود.

برای تحقیق در این واژه بیانات بعضی از لغویین مشهور ذکر می‌شود :

**الف:** اللطم الضرب علی الوجه بباطن الراحة

لطم عبارت است از زدن به صورت با کف دست (لسان العرب۵/۵۰۰)

**ب:** ابن الاعرابی : اللطم ایضاح الحمرة

لطم عبارت است از آشکار کردن سرخی (لسان العرب۵/۵۰۰)

**ج:** تلطّم وجهه : اربدّ [یعنی صَورتش کبود شد] (تاج العروس۹/۶۰)

زبیدی در تاج العروس ۳۴۹/۲ می‌گوید : الربدة بالضم الغبرة او لون الی الغبرة و قال ابو عبیدة لون بین السواد والغبرة (غبرة یعنی خاکستری ) فی الحدیث کان اذا نزل علیه الوحی اربّد وجهه اَی تغیّر الی الغبرة .

## (۹) مجروح شدن چشم

### مدرک اول

«...حین اقبل (الرجل) یلطم خدّها حتی احمرّت عینها.»

آن مرد (عمر) چنان سیلی به صورت فاطمه علیها السلام زد که چشمان ایشان سرخ شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- وفاة الصدیقة الزهراء/۴۱ [عبدالرزاق المقرم م. ۱۴۰۳]

۲- ماساة الزهراء ۱۹۳/۱ [سید جعفر مرتضی عاملی]

### مدرک دوم

«انهم لمّا ارادوا الدخول الی بیتها، و اخراج علی منه، ارادت ان تحول بینهم و بین ذلك، ضربها قنفذ علی وجهها و اصاب عینها.»

در آن هنگام که آنها قصد نمودند به خانهٔ ایشان (فاطمه علیها السلام) داخل شوند و علی علیه السلام را خارج نمایند فاطمه علیها السلام قصد کرد که بین آنها و علی علیه السلام حائل شود، قنفذ تازیانه را بر صورت حضرت زد و بر چشم ایشان اصابت کرد.

**اسناد شیعه :**

۱- سیرة الائمة الاثنی عشر ۱۳۲/۱ (۱۴۵/۱) [هاشم معروف حسنی م. ۱۴۰۶]

۲- مأساة الزهراء ۱۹۰/۲ (دارالسیرة بیروت) [سید جعفر مرتضی عاملی]

۳- الهجوم علی بیت فاطمة علیهاالسلام /۱۲۶ [عبدالزهراء مهدی]

## (۱۰) کنده شدن گوشواره

### مدرک اول

«عن فاطمة الزهراء : ...فضربنی بیده حتی انتثر قُرطی مِن اُذنی ...»

حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند: ... پس عمر چنان به من سیلی زد که گوشواره‌ام از گوشم کنده شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری/۱۷۹ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- بحار الانوار ۳۴۹/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۲۱ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- مجمع النورین /۱۴۷ [مرندی]

۵- مأساة الزهراء۴۸/۲-۲۹۳ [سید جعفر مرتضی عاملی]

### مدرک دوم

قال الصادق علیه‌السلام :

«...ثم لطمها ، فکانی انظر الی قرط فی اذنها حین نُقِفَ ...»

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ... سپس(عمر) سیلی به صورت حضرت علیهاالسلام زد، گویی به گوشوارهٔ گوش می‌نگرم، که شکسته شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص/۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- بحار الانوار۲۹/۱۹۲ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- وفاة الصدیقة الزهراء/۶۷- ۷۵ [عبدالرزاق المقرم م. ۱۴۰۳]

۴- مجمع النورین /۱۲۳ [مرندی]

۵- مأساة الزهراء۲/۶۴ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک سوم

«قال عمر : ... فصفقت صفقةً علی خدیها من ظاهر الخمار فانقطع قرطها و تناثرت الی الارض ...»

...چنان با دو دست، محکم بر صورت فاطمه[علیها السلام] سیلی زدم که گوشواره‌اش کنده شد و روی زمین افتاد ...

[این مصیبت دلخراش در کوچه‌های بنی‌هاشم هم اتفاق افتاده که پیش از این در فصل غصب فدک ذکر شده است.]

**اسناد شیعه :**

۱- النقض/۳۰۲ [عبدالجلیل قزوینی م. ۵۶۰]

۲- بحارالانوار۳۰/۲۹۴ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۱۱/۴۰۹ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۴- مجمع النورین/۱۱۰ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۲۱ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۶- مأساة الزهراء ۲/۲۹۶ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## (۱۱) جاری شدن خون از کمر

### مدرک اول

﴿... فالتفت عمر الی مَن حوله و قال: اضربوا فاطمة فَانهالت السیاط علی حبیبة رسول الله و بضعته حتی ادموا جسمَها.﴾

... عمر نگاهی به اطرافش کرد و به هوادارانش گفت: فاطمه علیها السلام را بزنید! در این حال شلاقهایی بر بدن حبیبه و پارهٔ تن رسول خدا وارد آمد تا اینکه بدن او را مجروح و پر از خون نمود ...

**اسناد شیعه :**

۱- مواقف الشیعه۱۲۷/۳ [میانجی]

۲- الهجوم علی بیت فاطمة /۱۲۷ [عبد الزهراء مهدی]

۳- ماساة الزهراء ۱۹۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

**سند اهل سنت :**

مؤتمر علمای بغداد (طبع دار الارشاد الاسلامی)/۱۳۵ الی ۱۳۷ و (تحقیق سید مرتضی رضوی)/۱۸۱ [مقاتل بن عطیة م. ۵۲۵]

### مدرک دوم

﴿امّا انت یا مغیرة بن شعبة فانك لله عدوٌ...و انت ضربت فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه وآله حتی ادمیتها...﴾

امام حسن مجتبی علیه‌السلام به مغیرهٔ‌بن‌شعبه فرمود: اما تو ای مغیره، دشمن خدائی ... تو فاطمه علیها‌السلام دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به گونه‌ای کتک زدی، که او را خونین ساختی ...

**اسناد شیعه :**

۱- الاحتجاج (تحقیق سید محمد باقر خرسان)/۴۱۴ و (طبع آخر)/۱۳۷ الی۱۴۳ [طبرسی م.۵۶۰]

۲- بحارالانوار ۶۴۵/۳۱ و ۱۹۷/۴۳ و ۸۳/۴۴ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- ضیاءالعالمین (مخطوط) قریب به همین مضمون را آورده۲/۶۰-۶۴ [الفتونی م. ۱۱۳۸]

۴- بیت الاحزان (نشر دارالحکمة)/۱۱۶ [شیخ عباس قمی]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه) /۸۰۰ [رحمانی همدانی]

## مدرک سوم

﴿قال عقیل لعمر: ... ضربتموها بالأمس و خرجت من الدنیا و ظهرها بدمٍ﴾

عقیل به عمر گفت: ... پیش از این او را [حضرت فاطمه علیها‌السلام] زدید، او از دنیا رفت در حالیکه کمرش آغشته به خون بود!

**اسناد شیعه:**

۱- کامل بهائی (تحقیق صفدری قزوینی) /۳۱۴ و (ط. آخر)۳۱۲/۱-۳۱۳ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن۷]

۲- مأساة الزهراء۱۷۵/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۳- الهجوم علی بیت فاطمة /۳۲۱ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک چهارم

«فقال مقداد لعمر: لقد ذهبت بنت رسول الله من الدنیا و کان الدم تخرج من ظهرها و جنبها بسبب ضربك لها بالسیف و السوط ...»

[هنگامی که عمر جریان دفن مخفیانهٔ فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام را از مقداد شنید او را زد.] مقداد به عمر گفت: دختر رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفت در حالیکه خون از کمر و پهلوی او جاری بود به سبب ضرب شمشیر و تازیانه‌ای که شما بر او زدید ...

**اسناد شیعه :**

۱– کامل بهائی (تحقیق صفدری قزوینی)/۳۱۴ [شیخ عمادالدین طبری م. قرن ۷]

۲– مأساة الزهراء۲/۱۷۵ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۳– الهجوم علی بیت فاطمة /۳۲۱ [عبد الزهراء مهدی]

## (۱۲) از هوش رفتن

### مدرک اول

مرحوم فیض کاشانی می‌نویسد:

«فلحقته فاطمة علیها السلام الی المسجد لتخلصه فلم تتمکّن من ذلك فعدلت الی قبر ابیها فاشارت الیه بحزن و نحیب و هی تقول: ... أبکی مخافة اَن تطول حیاتی و خرّت مغشیة علیها فضجّ الناس بالبکاء و صار المسجد ماتما.»

فاطمه علیها السلام سریع خود را به علی علیه السلام رسانید تا او را از چنگال آنان خلاص کند ولی موفق نشد، پس رو به قبر پدر کرد و با اندوه و شیون و گریهٔ شدید، اشاره به آن (قبر مطهر) نمود، در حالیکه می‌فرمود:

...گریه‌ام از این است که می‌ترسم زندگی‌ام طولانی باشد ... بعد از این کلمات بی‌هوش بر زمین افتاد، مردم می‌گریستند و مسجد ماتم‌کده شد.

**اسناد شیعه:**

۱- علم الیقین فی اصول الدین /۶۸۶-۶۸۸ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۲- امام علی علیه السلام /۷۱۰ [رحمانی همدانی]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /۱۱۸ [شیخ عباس قمی]

## مدرک دوم

«حين ما جروا امير المؤمنين صلوات الله عليه مع حلس كان مستقرا عليه لزمت فاطمة صلوات الله عليها ... بطرف الحلس تجّره و تجر القوم علياً صلوات الله عليه على خلافها ... اخذ عمر من خالدبن الوليد سيفاً فجعل يضرب بغمده على كتفها حتى صارت مجروحة فعل ذلك ثلاث ... **حتى اغمى عليها ثم افاقت** و رأت الدار خالية من على عليه‌السلام ...»

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با طنابی که به ایشان بسته بودند می کشیدند، فاطمه علیهاالسلام، طناب را گرفته به طرف دیگر می کشید ... عمر شمشیر خالدبن‌ولید را گرفته و سه بار با غلافش، بر کتف حضرت زهرا علیهاالسلام زد که کتف ایشان مجروح گردید ... تا اینکه آن حضرت از هوش رفت؛ سپس به هوش آمد و دید که خانه از حضرت علی علیه‌السلام خالی است .

**سند شیعه :**

مجمع النورین/۸۲ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

## مدرک سوم

«...فتقدم الیها و رفسها برجله ...ثم اخذ الکتاب و تفل فیه و مزّقه ...فلمّا افاقت فاطمة صلوات الله علیها نظرت الی قطعات الکتاب فی المسجد تلعب بها الریح.»

...عمر نزدیک فاطمه علیها السلام آمد و با لگد محکم بر پهلوی فاطمه علیها السلام زد و نامه را گرفت و در آن آب دهان انداخت و پاره کرد ... وقتی حضرت به هوش آمد، دید باد با تکه پاره های نامهٔ فدک در مسجد بازی می‌کند.

**اسناد شیعه :**

۱- جامع النورین/۲۰۶ [اسماعیل سبزواری م. ۱۳۱۱]

۲- الهجوم علی بیت فاطمة /۳۶۴ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک چهارم

...در اثر ضربت‌هایی که مهاجمان به حضرت زهرا علیها السلام وارد کردند، آن حضرت غش کردند. زمانی به هوش آمد که خانه خالی شده بود و علی علیه السلام را برده بودند...

**سند شیعه :**

جنة العاصمة /۴۵۸ [علامه میرجهانی]

## مدارک دیگر

برای اطلاع بیشتر رجوع شود به :

### سند شیعه :

نوادر الاخبار/۱۸۳ و(ط. آخر .تحقیق انصاری قمی)/۲۰۸[فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

### سند اهل سنت :

الامام علی بن ابیطالب علیه السلام ۱۹۰/۱ [عبدالفتاح عبدالمقصود]

# فصل سوّم

این بخش مجموعه ای از نجواها، گلایه ها و شکایات حضرت زهرا سلام الله علیها در لحظات پایانی محکمه را شامل می شود.

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

مهر نهایی

فاطمه سلام الله علیها

# دفاعیّه بیست و یکم

مدارک مربوط به **گریه‌ها و ناله‌های**

فاطمهٔ زهراء علیهاالسلام در این دفاعیه آمده است

## اشکی در دل سیاه شب

شب از راه می‌رسد، بی‌ستاره‌ترین شب‌ها. زیرا که می‌بینند که دیگر حقیقت شب زنده‌داری نیست تا که روشن‌تَرَش کند.

من در برابر هر حماسهٔ ننگینی ایستادگی کردم؛ و دیری است که می‌چِشم رنجاب تلخ انتظاری سخت را در ملاقات ملک‌الموت.

خداوندا، بارالاها، ای مهربان و ای کسی که مِهر مرا خاتم انگشتری خاصانت کرده‌ای! رؤیای همیشگی‌ام را بر رفتن از این جهان مکاران، آفتاب واقعیت کن و مگذار که پاره‌پاره‌های رشتهٔ امیدم از هم بگسلد! مگذار که صبحدم آرزوهایم، شام تلخ حضوری دیگر را در این دنیای متعفن تجربه نماید.

بارالاها، من از این جماعت و افعالشان بیزارم. مرا با آنان بیگانگی است. پس من در این گوشه از جهانت، تنهاترین و خسته‌دل‌ترین رهگذرم. از این روست

که می‌گریم و از این روست که غزل ناله‌هایم، بیت الاحزان مدینه را نامدار کرده است. اما هیزم حزن مرا، جرقه‌ای از تنهایی امیرالمؤمنین سوزانده است و تنهایی‌های این بیغوله، بهانه‌ای است تا بر احوال علی آن غم سرای آسمان ولایت، اندکی سینه‌ام را سبک گردانم!

متاعی ندارم جز قافلهٔ اشکی که به پیشواز همدردی‌اش بفرستم و سنگ صبورش، شاید آن سنگی باشد که سبوی صبرم را درهم شکست!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

عن الامام الصادق علیه السلام :

«... [قال عمر لفاطمة الزهراء علیها السلام] فاختاری إن شئت خروجه [الی] لبیعة ابی بکر أو احراقکم جمیعاً [و الاّ احرقکم بالنار] فقالت و هی باکیة اللهم الیك نشکوا فقدَ نبیك و رسولك و صفیك ...»

در حدیث مفضل از امام صادق علیه السلام :

...[عمر به حضرت زهرا علیها السلام] گفت: اگر می‌خواهی، انتخاب کن: خروج علی را برای بیعت با ابابکر، یا به آتش کشیدن همه شما را، فاطمه در حال گریه فرمود: پروردگارا به تو شکایت می‌کنیم از نبودن پیغمبرت و رسولت و برگزیده‌ات ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری /۴۰۷ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- بحار الانوار ۱۸/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- ماساة الزهراء ۲۹۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۴- الهجوم علی بیت فاطمة /۱۲۲ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک دوم

«... فلما سمع القوم صوتها و بكاءها انصرفوا باكين فكادت قلوبهم تتصدع و أكبادهم تتفطر و بقي عمر و معه قوم ...»

وقتی مردم صدای او فاطمه علیها السلام و گریه‌اش را شنیدند، همه گریه کردند و رفتند، و نزدیک بود قلبشان شکافته شود، اما عمر و هوادارانش همان جا ماندند...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۵۶/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان (نشر دارالحکمة) /۸۳ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

۳- الغدیر ۳۷۳/۵ [علامه امینی]

۴- شرح احقاق الحق ۳۶۰/۳۳ [سید المرعشی]

۵- الامام علی علیه السلام /۷۰۹ [رحمانی همدانی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- الامامة و السیاسة (تحقیق شیری)۳۰/۱ و (تحقیق الزینی) ۲۰/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۲- اعلام النساء ۱۱۴/۴- ۱۱۵ [عمر رضا کحالة]

## مدرک سوم

«... و سمعتها و قد صرخت صرخةً حسبتها قد جعلت اعلی المدينة اسفلها ...»

[عمر در نامه‌اش به معاویه، ضمن بیان لگد زدنش به فاطمهٔ زهرا علیها السلام نوشت]: ... و شنیدم که او (فاطمهٔ زهرا علیها السلام) فریادی کشید که گمان کردم شهر مدینه زیر و رو شد.

**اسناد شیعه :**

۱- بحار الانوار ۲۹۴/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- عوالم العلوم ۴۰۹/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۲۱ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- مجمع النورین /۱۱۰ [مرندی]

۵- وفیات الائمة /۲۳ [من علماء بحرین و قطیف]

## مدرک چهارم

قال الصادق علیه السلام : لمفضّل

«... وهجوم عمر و قنفذ و خالد و صفقة خدّها ...و هی تجهر بالبكاء و تقول واابتاه وا رسول الله ...»

امام صادق علیه السلام فرمودند: ... و هجوم عمر و قنفذ و خالدبن ولید...که در این هنگام فاطمه علیها السلام بلند می‌گریست و می‌گفت: وا ابتاه، وا رسول الله...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری /۴۰۷ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- حلیة الابرار (طبع دارالحکمة الکتب العلمیة)۶۶۸/۲ و (طبع آخر) ۶۵۲/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۳- بحارالانوار ۱۹/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- عوالم العلوم ۴۴۳/۱۱-۴۴۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۵- مأساة الزهراء ۶۰/۲ و ۲۹۰ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۶- نوائب الدهور۱۵۰/۳ [علامه میرجهانی]

۷- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۲۹/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک پنجم

«فرفع (عمر) السیف و هو فی غمده فوجأ به جنبها... فصاحت یا ابتاه...»

عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلوی فاطمه علیها السلام زد، فاطمه علیها السلام ناله ای زد: ای پدر...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری)/۳۸۷ و (مطبعة اعلمی) ۵۸۴/۲ -۵۹۴ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- عوالم العلوم۴۰۹/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۳- بحارالانوار ۲۶۹/۲۸ و ۱۹۷/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین/۸۱ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان (نشر دار الحکمه)/۱۱۵ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۶- مأساة الزهراء ۱۶۵/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک ششم

«... ثم امسكها خالد و ساقهما عمر و من معه سوقا عنيفاً و اجتمع الناس ينظرون وامتلأت شوارع المدينة بالرجال و رأت فاطمة عليهاالسلام ما صنع عمر، فصرخت و ولولت ...»

... عمر با یارانش آنها را (علی علیه‌السلام و بعضی از یارانش) بـا خـشونت می‌کشاندند، کوچه‌های مدینه پر از جمعیت بود. همه در آنجا حاضر و نگاه می‌کردند، از آن طرف، فاطمه علیهاالسلام می‌دید که عمر چه مـی‌کنـد. پس ناله و فغان سرداد و کمک می طلبید ...

**اسناد شیعه :**

۱- غایة المرام (تحقیق سید علی عاشور) ۳۲۶/۵ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲- بحارالانوار ۳۲۲/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- النص والاجتهاد (فی الهامش) ۲۰/ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) ۱۱۳/ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک (دکتر محمد هادی امینی) ۷۴/ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۴۹/۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

## مدرک هفتم

«... فضربت كفيها بالسوط فالمها فسمعت لها زفيرا و بكاء»

[عمر در نامه‌اش به معاویه نوشت]... با تازیانه به دست‌های فاطمه( علیهاالسلام ) زدم، آنقدر دست‌هایش درد گرفت که صدای ناله و گریه‌اش بلند شد...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۲۹۳/۳۰[علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- عوالم العلوم ۴۰۹/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۳- مجمع النورین/۱۱۰ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /۱۲۱ [شیخ عباس قمی]

۵- ماساة الزهراء ۱۸۱/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۶- الهجوم علی بیت فاطمة /۲۹۵ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک هشتم

عن مولی اسماعیل سبزواری: ...

«فلطمها علی وجهها... فارتفع صوتها بالانین و البکاء»

از مولی اسماعیل سبزواری:

...عمر چنان سیلی به صورت فاطمه علیها السلام زد که گوشواره‌اش شکست و ناله و گریه بانو بلند شد...

**اسناد شیعه :**

۱- جامع النورین/۲۰۶ [اسماعیل سبزواری م. ۱۳۱۱]

۲- الهجوم علی بیت فاطمة /۳۶۴ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک نهم

«عن جعفر بن محمد عن آبائه علیهم السلام: لمّا حَضَرت فاطمة الوفاة بکت فقال لها امیرالمؤمنین: یا سیدتی ما یبکیك؟ قالت: ابکی لِما تلقی بعدی ...»

از امام صادق علیه السلام: حضرت زهرا علیها السلام در لحظات آخر عمرشان شروع به گریه کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا سیدتی چرا گریه می‌کنی؟ حضرت فرمودند: گریه‌ام به خاطر ظلم‌هایی است که بعد از من به تو می‌رسد.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۴۳ /۲۱۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان (نشر دارالحکمة)/۱۷۷ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۳- اللمعة البیضاء /۸۹۰ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۴- مجمع النورین /۱۴۸ [مرندی]

۵- الهجوم علی بیت فاطمة /۴۱۹ [عبد الزهراء مهدی]

## مدرک دهم

«بعد ایقافهم امیرالمؤمنین علیه السلام بین یدی ابی بکر و شکایا فاطمة علیها السلام الی رسول الله صلی الله علیه و آله الها انّت انّة و قالت: وامحمداه، واحبیباه، وا اباه، واباالقاسماه، وا احمداه، واناصراه، وا قلة ناصراه، واغوثاه، واطول کربتاه، واحزناه، وامصیبتاه، واسوء صباحاه ...»

بعد از آنکه امیرمؤمنان را نزد ابی‌بکر بردند و حضرت زهرا علیها السلام شِکوه‌هایی از آنها به پیامبر فرموده، با فریاد، ناله زد: ای محمد صلی الله علیه و آله به فریادم برس،! وای ای حبیب من! وای ای پدر! ای ابوالقاسم به فریادم برس!، ای احمد به فریادم برس! ای یاری کننده به فریادم برس! وای

از کمیِ یار! وای ای فریاد رس، وای از طول کشیدن سختی‌ها!، وای از اندوه فراوان!، وای از برای مصیبت‌ها! وای از برای بدی روزها !

## اسناد شیعه :

۱- علم الیقین فی اصول الدین /۶۸۶-۶۸۸ [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]
۲- بیت الاحزان (نشر دار الحمکة)/۱۱۸ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]
۳- امام علی علیه‌السلام /۷۱۰ [رحمانی همدانی]
۴- الهجوم علی بیت فاطمة /۱۳۱ [عبد الزهراء مهدی]

## مدارک دیگر

به مدرک زیر نیز روجوع شود:

## سند اهل سنت:

الامام علی بن ابی طالب ۱۹۰/۱ [عبدالفتاح عبدالمقصود]

# دفاعیّه بیست و دوّم

در این دفاعیه **شکایتهای فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام

بیان گردیده است

## اعتراض به حقیقتی سوخته

اکنون این منم، من، شکستهٔ استوارتر از کوه؛ و حال آنکه شمایید، شما، مجمعه‌های ترک خوردهٔ بی‌بنیاد! اما دست شنیع روزگار، خطبه بر بخت شمایان زد؛ و خزان بی‌وفای ایام، درخت شکوفای دولت ما را، به خوابی موقتی فرو ربود؛ خوابی که به طلوع خورشید جمال وکیلم، بیداری حیرت‌انگیزی خواهد نمود.

اما شِکوه‌ها دارم از این سنگدل مردمان ناجوانمرد، که ترحمی نکردند بر احوال این نوپا دینی که پدرم، خون جگرها خورده بود برای بر پا شدنش؛ و به یک اشارهٔ ناتدبیر اهل خدعه، درخت ایمان را تبر آلود کردند!

من شکایت می‌کنم به خدایی که محمد را محمود کرد و پیروانش را مسعود، از این نارفیقانِ راه که اگر دین خدا ترازوی دنیایشان را پربار می‌کرد، سنگ اسلام را به سینه می‌زدند و اگر در برابر کیسه‌های زرشان قد علم می‌نمود، به راحتی در آن، آتش می‌افکندند.

من شکایت می‌کنم... من شکایت می‌کنم و شِکوه‌ها سر می‌دهم از سکوت طایفه‌ها و قبیله‌های بشریت، که زیارت کردند دست بستهٔ آن یگانه مرد خدا را، که ضرب شمشیرش، افتخارنامهٔ انسان عصر را تفسیر می‌کرد و هیبت نگاهش، کهن واژهٔ اسطوره‌ها بود و با این‌همه، در پچ پچ زنانهٔ خود مردند.

آه که این زخم دردناکِ مرا، خونابه‌ها سرازیر شده است! آه ...

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

﴿فصاحت یا ابتاه فرفع السوط به ذراعها فنادت یارسول الله لبئس ما خلفك ابوبکر و عمر ...﴾

(در هنگام هجوم به خانه)...پس[فاطمه علیها السلام] فریاد زد: ای پدر جان! پس عمر با تازیانه بر بازوی حضرت زد، حضرت ندا بر آورد: ای رسول خدا، ببین بعد از شما عمر و ابی‌بکر چه ظلم‌هایی به ما کردند ...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقرانصاری)/۱۵۰ و (مطبعة اعلمی) ۲/ ۵۷۷ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- بحارالانوار ۲۶۹/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مجمع النورین/۹۸ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۱۰ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک دوم

﴿فلما سمعت [فاطمة] اصواتهم نادت باعلی صوتها: یا ابت، یا رسول الله، ماذا لقینا بعدك من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة ...﴾

هنگامی که حضرت فاطمه صدای مهاجمین را شنید ندا برآورد که ای پدر ای رسول خدا ببین بعد از شما ابن خطاب و ابی بکر چه ظلمهائی به ما کردند...

**اسناد شیعه:**

۱- بحار الانوار ۳۵۶/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- الغدیر ۳۷۳/۵ [علامه امینی]

۳- شرح احقاق الحق ۳۶۰/۳۳ [سید المرعشی]

۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۸۳ [شیخ عباس قمی]

**سند اهل سنت :**

الامامة و السیاسة (تحقیق شیری) ۳۰/۱ و (تحقیق زینی) ۲۰/۱[ابن قتیبة م. ۲۷۶]

## مدرک سوم

﴿قالت فاطمة الزهراء علیها السلام: یارسول الله هکذا کان یفعل بحبیبتك وابنتك ...﴾

فاطمهٔ زهرا علیها السلام فرمود:

ای پیامبر خدا اینگونه با جگر گوشه و دخترت رفتار شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحار الانوار ۲۹۴/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- عوالم العلوم ۴۰۹/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]
۳- مجمع النورین/۱۱۰ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]
۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۲۱ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک چهارم

﴿و جعلوا یقودون امیرالمؤمنین علیه‌السلام حتی اوقفوه بین یدی ابی بکر فلحقته فاطمة علیها السلام الی المسجد لتخلصه فلم یتمکن من ذلک فعدلت الی قبر ابیها فأشارت الیه بحزنه و نحیب ... ثم قالت وا اسفاه علیك یا ابتاه و اثکل حبیبك ابی الحسن المؤتمن و ابی سبطیك الحسن والحسین و من ربیته صغیرا و آخیته کبیرا و اجلّ احبائك لدیك و احب اصحابك علیك اولهم سبقا الی الاسلام و مهاجرة الیك یا خیر الانام فها هو یساق فی الاسر.﴾

بعد از اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به زور نزد ابی‌بکر بردند، حضرت زهرا علیها‌السلام خود را به علی علیه‌السلام رسانید تا ایشان را از دست آنها خلاص نماید؛ ولی نتوانست چنین کند. پس رو به قبر پدرش کرده و با حزن و شیون و گریهٔ شدید به قبر پدر اشاره نموده و بعد از سرودن اشعاری فرمود:

پدر جان! واحسرتا بر تو، وای بر مصیبت و داغ ابوالحسن، حبیبِ و دوست مورد اعتماد تو، و پدر نوه‌هایت (حسنین علیهما‌السلام)، همان‌که در کودکی او را پرورش دادی و در بزرگی او را برادر خویش ساختی،

بهترین دوست و محبوب‌ترین یارت، اولین مسلمان و هجرت کننده به سویت، ای سرور خلق، آنها او را اسیر کرده‌اند .

**اسناد شیعه :**

١- علم الیقین فی اصول الدین /٦٨٦- ٦٨٨ [فیض کاشانی م. ١٠٩١]

٢- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /١١٨ [شیخ عباس قمی]

٣- امام علی بن ابی طالب /٧١٠ [رحمانی همدانی]

## مدرک پنجم

«قال الصادق علیه‌السلام: ... فقالت وهی باکیةً: اللهم الیك نشکوا فقدَ نبیك و رسولك و صفیك وارتداد اُمَتِه علینا و منعهم ایانا حقنا الذی جعلته لنا فی کتابك ...و هی تجهر بالبکاء و تقول: وا ابتاه وارسول الله ابنتك فاطمه تکذب و تضرب و یقتل جنین فی بطنها...»

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ...پس حضرت زهرا علیهاالسلام در حالیکه گریان بودند، فرمودند: ای خدا به تو شکایت می‌کنم از نبودن پیامبرت و برگزیده‌ات و مرتد شدن امتش بر ضد ما و منع کردن اینها حق ما را، همان حقی که تو برای ما در کتابت قرار داده‌ای ... (بعد از سیلی زدن او) حضرت فاطمه علیهاالسلام بلند گریه می‌کردند و می‌گفتند: وا ابتاه، وا رسول‌الله، دخترت فاطمه تکذیب شده و زده می‌شود و فرزند او در شکمش کشته می‌شود...

## اسناد شیعه :

۱- الهدایة الکبری/۴۰۷ [خصیبی م. ۳۳۴]

۳- حلیة الابرار (طبع دار الکتب العلمیة) ۶۶۸/۲ و (طبع آخر) ۶۵۲/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۴- بحارالانوار ۱۹/۵۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- عوالم العلوم ۴۴۱/۱۱-۴۴۳ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۶- نوائب الدهور۱۴۹/۳ [علامه میرجهانی]

۷- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۲۹/۲ [رحمانی همدانی]

۸- مأساة الزهراء ۶۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدارک دیگر

### به منابع زیر نیز رجوع شود:

### اسناد شیعه:

۱- المسترشد /۳۷۸ [محمد بن جریر طبری م. قرن۴]

۲- کامل بهائی (تحقیق صفدری قزوینی) /۳۰۸ [عماد الدین طبری م. قرن ۷]

# دفاعیهٔ بیست و سوم

در این دفاعیه اسناد **خطبه‌های**

**فاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام (خطبهٔ فدکیه)

بیان شده است

## خطبهٔ آسمانی

آن قوم که مستانه در زمین خدا نعره می‌زنند، همراه باد طاغی و با ضجّه‌های شوم، بدانند که شلاق‌های عِقاب خداوندی را در حوضچهٔ دوزخ، تر می‌کنند؛ و آن زمانی که اسب صبر خدا رهوار است، سواران حرامی، نعرهٔ مستانه سر می‌دهند و پناه بر همان خدای، اگر کوزهٔ صبرش لبریز گردد.

اما آنجا که نور و ظلمت، آرام کنار هم خفته‌اند، پاره‌ای از خورشید، صاعقه‌ای خواهد شد و پیکر شب را خراشی از نور خواهد داد؛ و در آن دم، وای بر احوال ره گم‌کردگان کور دل!

من خطبه‌ام را به نام نامی او سر می‌دهم در جابلقا و جابلسای عالم وجود و خطبه‌ام شِکواییه‌ای است که پردهٔ آبروی نامردان تاریخ را از هم می‌درانند.

من به نام نامی آن هژبری خطبه می‌خوانم که شغالانِ گر، خانه نشین‌اش کرده‌اند و به نام آن حقیقتی فریاد بر می‌آورم که برای چاه، سالیان سال، خطبهٔ شبانه می‌خواند.

فریاد من، این هراس کوردلانه را در هم می‌ریزد و پناهی می‌شود خاطر مؤمنان متقی را؛ و من خطبه می‌خوانم در شکایت از این‌گونه زندگی پست و از ظلمت پا در عدمِ روزگاران؛ و با آن‌که به اندازهٔ تمام گناهان نکردهٔ انبیا خسته‌ام، ولی باز خطبه می‌خوانم برایتان، قصه می‌سرایم به کابوس خوابتان!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

**الخطبة الفدكية:**

«عن ابی عبدالله جعفر بن محمد عن ابیه عن جده علی بن الحسین عن عمته زینب بنت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب انه لمّا اجمع ابوبکر و عمر علی منع فاطمة فدکا و بلغها ذلك لاثت خمارها علی رأسها واشتملت بجلبابها و اقبلت فی لمّة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذیولها ، ما تخرم مشیتها مشیة رسول الله حتی دخلت علی ابی بکر و هو فی حَشد من المهاجرین والانصار و غیرهم، فنیطت دونها ملاءَةٌ فجلست ثم أنت أنَةً أجهش القوم لها بالبکاء.

فالخطبه تشتمل علی محامد الله و المعارف و الاحکام و علل تشریعها والشکایا و تذمیم الامّة لانحرافها بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و نحن نأتی ببعضها الیسیر:

أیها المسلمون أأُغلَبُ علی ارثیه، یابن ابی قحافة أفی کتاب الله اَن ترث اباك و لا ارث أبی؟ لقد جئتَ شیئا فریّاً (علی الله و رسوله) افعلی عمدٍ ترکتم کتاب الله و نبذتموه وراء ظهورکم اذ یقول: (وورث سلیمانُ داوود).»

**خطبهٔ فدک :**

امام صادق علیه‌السلام از پدر خویش و آن حضرت از امام سجاد علیه‌السلام و آن حضرت از حضرت زینب علیهاالسلام دختر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نقل کرده‌اند که چون عمر و ابوبکر در گرفتن فدک از حضرت فاطمه علیهاالسلام هم‌دستی نمودند و این خبر به آن حضرت رسید، فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام مقنعه بر سر نموده و چادر پوشیده و به صورت کشیدند؛ و با جمعی از کنیزان و خویشاوندان و زنان بنی‌هاشم در حالیکه به خاطر بلندی لباس، مقداری از آن بر زمین و زیر پای حضرت قرار می‌گرفت، و راه رفتن ایشان مثل راه رفتن پدرشان رسول خدا بود، به طرف مسجد حرکت کردند تا اینکه بر ابوبکر وارد شدند، در حالیکه او در جمع زیادی از مهاجرین و انصار و غیر ایشان بود، پس میان حضرت با ابوبکر پرده‌ای نصب شد و حضرت جلوس فرمودند و ناله‌ای جانسوز کشیدند چنانکه گریهٔ انصار و مهاجرین را بلند کرد .

پس این خطبه مشتمل بر حمدها و شکرهای الهی و معرفت و احکام و علل تشریع بعضی از احکام و شکایت‌ها و مذمّت قوم بر انحراف بعد از رسول خدا می‌باشد .

و ما به مقدار کمی از آن اشاره می‌کنیم :

ای مسلمانان، آیا رواست که از ارث محروم گردم، ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ هر آینه سخن دروغی به خدا و رسول نسبت دادی. آیا از روی عمد کتاب خدا را ترک کردید و پشت سر انداختید؟! درحالیکه [خداوند] می‌فرماید: و سلیمان از داوود ارث برد[1].

**این خطبه سندهای متعددی دارد که در منابع شیعه و سنی ذکر شده در بعضی از این منابع متن کامل خطبه یا قسمتی از آن آمده است.**

## اسناد شیعه :

۱- تثبیت الامامة/۳۰ [امام الزید الیمنی م. ۲۹۸]

۲- شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار ۳۶/۳ [قاضی نعمان مغربی م. ۳۶۳]

۳- دلائل الامامة/۱۱۷ [ابوجعفر محمد بن جریر الطبری م. قرن ۴]

۴- تلخیص الشافی۱۴۳/۳ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۵- الاحتجاج (تحقیق سید محمد باقر خرسان) ۱۳۸/۱ و (طبع آخر)۱۳۱/۱-۱۳۹ [طبرسی م. ۵۶۰]

۶- طرائف/۲۶۳ [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۷- نهج الحق و کشف الصدق (تعلیق: شیخ عین الله الحسنی الارموی)/۳۶۰ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۸- بحارالانوار ۲۲۶/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۹- تفسیر نورالثقلین۱۷۲/۲و۴۵۰/۱ [حویزی م. ۱۱۱۲]

۱۰- کنزالدقائق (تحقیق مؤسسة نشر الاسلامی)۳۷۸/۲[میرزامحمد مشهدی قمی م. حدود عام ۱۱۲۵هـ ق]

---

[1] نمل/۱۶

۱۱- عوالم العلوم۴۶۸/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۱۲- مجمع النورین/۱۳۰ [ابوالحسن المرندی م.۱۳۴۹]

۱۳- الغدیر۱۹۲/۷[علامه امینی]

۱۴- المیزان ۳۷۰/۱۵ [علامه طباطبائی]

۱۵- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۴۴ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۱۶- مواقف الشیعة ۴۶۳/۱ [میانجی]

## اسناد اهل سنت:

۱- بلاغاة النساء/۱۲ [ابن طیفور م. ۳۸۰]

۲- السقیفة و فدک (تحقیق دکتر محمد هادی امینی) /۱۴۴ و (مکتبة نینوی الحدیثة) /۱۰۱ [ابوبکر جوهری م.۳۲۳]

۳- مروج الذهب ۳۱۱/۲ و (ط. آخر) ۳۰۴/۲ راجع به غصب فدک اشاره کرده به کتاب اخبارالزمان والاوسط [مسعودی م.۳۴۶]

۴- مناقب اهل بیت/۴۱۷ [ابن مغازلی م. ۴۸۳]

۵- شرح نهج البلاغة ۲۵۱/۱۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م.۶۵۶]

۶- جواهرالمطالب فی مناقب الامام علی ۱۶۱/۱ [الباعونی شافعی م.۸۷۱]

## مدرک دوم

﴿العلامة المجلسی عن الصدوق و هو باسناده عن عبدالله بن الحسن عن اُمّه فاطمة بنت حسین بن علی بن ابیطالب علیهم سلام الله قالت، لمّا اشتدت علة فاطمة بنت رسول الله و غلبها، اجتمع عندها نساء المهاجرین و الانصار فقلن لها یا بنت رسول الله کیف اصبحت عن علتك؟ فقالت سلام الله علیها اصبحت و الله عائفة لدنیاکن قالیة لرجالکن ...و شئتهم (شنأتهم) بعد أن سبرتهم ...وتحهم

أنی زحزحوها عن رواسی الرسالة، و قواعد النبوة، و مهبط الوحی (الروح) الامین، والطبین (الطّیبین) بامر الدنیا و الدین، ألا ذلك هو الخسران المبین.»

علامه مجلسی از مرحوم صدوق و ایشان با اسنادشان از عبدالله بن حسن از مادرش فاطمه، دختر امام حسین علیه‌السلام نقل کرده که حضرت فاطمه دختر امام حسین فرمود: در دوران شدت بیماری حضرت زهرا علیهاالسلام، زنان مهاجر و انصار به عیادت حضرت رفتند و به حضرت فاطمه علیهاالسلام گفتند: ای دختر رسول خدا با این بیماری چگونه صبح کردی ؟

پس حضرت علیهاالسلام فرمودند :

به خدا سوگند صبح کردم در حالیکه از دنیای شما نا خوشنود و از مردان شما خشمگین و ناراحتم ... و بعد از آنکه آنها را آزمودم از آنان بیزاری جستم ... وای بر آنها! خلافت را از پایگاه استوار رسالت، و پایه های محکم نبوت، و از انسان آگاه به امور دین و دنیا، منحرف کردند و آگاه باشید که این، همان خسران آشکار است.

**اسناد شیعه :**

۱- معانی الاخبار /۳۵۴- ۳۵۵ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- دلائل الامامة (تحقیق: مؤسسة دراسات الاسلامیة)/ ۱۲۸ و(ط. آخر)/۴۰-۴۱ [طبری م. قرن۴]

۳- احتجاج طبرسی ۱۴۷/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۴- کشف الغمة فی معرفة الائمة (ناشر:دارالاضواء بیروت)۱۱۴/۲ [ابی الفتح الاربلی م.۶۹۳]

۵- بحارالانوار ۱۵۸/۴۳و۱۵۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- شرح احقاق الحق ۳۰۷/۱۰ [سید المرعشی]

۷- النص و الاجتهاد (طبع سیدالشهداء) فی الهامش /۶۱ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۸- ابوهریرة (ط. بهمن انتشارات انصاریان) فی الهامش/۱۳۹ [سید عبدالحسین شرف الدین]

۹- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۷۳ [شیخ عباس قمی]

۱۰- مواقف الشیعه ۴۸۸/۱ [میانجی]

۱۱- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه)/۵۲۶ [رحمانی همدانی]

## اسناد اهل سنت :

۱- السقیفة و فدک (تحقیق دکتر محمد هادی امینی)/۱۲۰ [ابوبکر جوهری م.۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۳۳/۱۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

۳-جواهرالمطالب فی مناقب الامام علی (ناشر:مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة) قریب بهذا المضمون ۱۶۴/۱ [الباعونی الشافعی م. ۸۷۱]

# دفاعیّه بیست و چهارم

در این دفاعیه اسناد مربوط بـه **غضب**

**فاطمهٔ زهراء** علیها السلام برغاصبان خلافت

ذکر شده است

## خشم آفتاب

من شکایت می‌کنم از سلسله جفاهایی که از سیرهٔ ابوجهلان تاریخ بازمانده است و به یکباره بر خاندان پاکی فرود آمده است و تا قیامت نیز برپاست. من از بانیان آن غضبناکم و آتش خشمی بر دل می‌سوزانم. بارالاها، جهانت سراسر نفاقْ بازار است؛ و طبع مکار آن سفله پرور.

چه درندگان گسسته زنجیر که نیافریدی در لابه‌لای حافظه‌اش و چه قابیل‌های صد پدری که در بستر تاریخ، تکرار می‌شوند و آویزانند!

من از تمام آنان بیگانه‌ام، بیگانه و بیزار!

نفرین بر قاموس هر چه غیر خداست؛ و ننگ بر سلسلهٔ خبیثهٔ طاغوت!

آه از این سامری‌های گوساله پرست که چهرهٔ چلچراغ خلقت را مکدر کرده‌اند و افسوس بر احوال کوردلانی که بیت‌المقدس را رها کرده و به فضلهٔ جغدی شوم سجده می‌کنند!

افسوسشان احوالم را غمناک می‌کند و غمناکی احوالشان، افسوس جان من است!

**مقدمه:**

در این فصل، روایات زیادی از کتب معتبر روایی و تاریخی اهل سنت ذکر شده و همگی، گواه بر این است که فاطمهٔ زهرا علیها السلام، تا لحظهٔ شهادت بر ابوبکر و عمر غضبناک بوده و هرگز از آنان راضی نشدند.

در انتهای این فصل تحت عنوان تکمیل بیان، از بسیاری منابع معتبر شیعه و سنی نقل شده که غضب فاطمهٔ زهرا علیها السلام همان غضب پیامبر صلی الله علیه و آله و عین غضب خداست.

در نتیجه کسانی‌که فاطمهٔ زهرا علیها السلام را غضبناک کردند خدا و رسولش صلی الله علیه و آله را غضبناک نمودند.

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«فقال عمر لابی بکر : انطلق بنا الی فاطمة فانّا قد اغضبناها ...فلم تأذن لهما...قالت فإنّی اُشهد الله والملائکة انّکما اَسخطتمانی و ما ارضیتمانی و لئن لقیتُ النبی لاَشکوَنّکما الیه ..»

عمر به ابی‌بکر گفت: بیا به سراغ فاطمه[علیهاالسلام] برویم چرا که ما او را غضبناک کرده‌ایم؛ ... امّا حضرت به آنها اجازهٔ عیادت ندادند ... حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: همانا من، خدا و ملائکه را گواه و شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا به خشم آورده و مرا از خود خشنود نساخته‌اید؛ و هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را ملاقات کنم از شما به آن حضرت شکایت خواهم کرد...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۵۷/۲۸ و ۶۲۸/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- الغدیر ۲۲۹/۷ [علامه امینی]

۳- شرح احقاق الحق ۲۱۷/۱۰ [سید المرعشی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- الامامة و السیاسة (تحقیق زینی) ۲۰/۱ و (تحقیق شیری) ۳۱/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۲- اعلام النساء ۱۲۲/۴-۱۲۴ [عمر رضا کحالة]

۳- من حیاة الصحابة عمربن الخطاب/۱۸۴ [عبدالرحمن احمد البکری]

## مدرک دوم

«فغضبت فاطمة بنت رسول الله فهجرت ابابكر فلم تزل مهاجرته حتى توفّيت»

فاطمه علیهاالسلام دختر رسول خدا بر ابوبکر خشم گرفت و از او کناره‌گیری کرد و آن دوری از ابوبکر، پیوسته استمرار یافت تا حضرت از دنیا رفتند ...

### اسناد شیعه :

۱- اعیان الشیعه ۳۱۴/۱ [سید محسن امین]

۲- خلاصة عبقات الانوار ۸۶/۱ [آیة الله سید علی میلانی]

### اسناد اهل سنت :

۱- مسند احمد (ط. دارصادر بیروت)۶/۱ [احمدبن حنبل م. ۲۴۱]

۲- صحیح بخاری (دارالفکر بیروت) ۴۲/۴ - ح۲۸۶۲ و فی المکتبة الشاملة ۳۳۰/۱۰ [بخاری م. ۲۵۶]

۳- السنن الکبری (دارالفکر بیروت)۳۰۰/۶ قریب بهذا المضمون و فی المکتبة الشاملة ۳۰۱/۶ [بیهقی م. ۴۵۸]

۴- سیرة النبویة (ط. دارالمعرفة بیروت)۵۶۷/۴ و فی المکتبة الشاملة ۵۶۷/۴ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۵- البدایة والنهایة (ط.داراحیاءالتراث العربی بیروت )۳۰۶/۵ و فی المکتبة الشاملة ۳۰۶/۵ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۶- فتح الباری (ط. دارالمعرفة للطباعة و النشر بیروت)۱۳۹/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۴۵/۹ [این حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

## مدرک سوم

«...فوجدت فاطمة علی ابی بکر فی ذلك فهجرته... »

فاطمه علیها السلام برابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد...

### اسناد شیعه :

۱- العمدة (ط. جامعه مدرسین)/۳۹۱ [ابن البطریق حلی م. ۶۰۰]

۲- الطرائف (ط. الخیام)/۲۵۸ [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۳- نهج الحق و کشف الصدق /۳۶۰ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۴- وصول الاخیار الی اصول الاخبار(ط. الخیام)/۶۹ [عبد الصمد العاملی والد شیخ بهائی م. ۹۸۲]

۵- احقاق الحق /۲۹۹ [التستری م. ۱۰۱۹]

۶- شرح اصول کافی(۱۲جلدی)/۲۱۸/۷ [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۷- بحارالانوار۱۱۲/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- مجمع النورین/۲۳۸ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۹- اعیان الشیعه ۳۱۴/۱ [سید محسن امین م. ۱۳۷۱]

۱۰- النص و الاجتهاد(ط. سیدالشهداء علیه السلام)/۵۱و۵۹ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۱۱- الغدیر(ط. دارالکتاب العربی بیروت)/۲۲۷/۷ [علامه امینی]

۱۲- کتاب الاربعین فی امامة الائمة الطاهرین(ط. مطبعة الامیر)/۵۲۲ [محمد طاهر قمی شیرازی]

۱۳- الامام علی (ناشر:المنیر للطباعة والنشر تهران)/۷۴۰ [رحمانی همدانی]

۱۴- ابوهریرة(ط. بهمن انتشارات انصاریان)/۱۳۸ [سید عبدالحسین شرف الدین]

### اسناد اهل سنت :

۱- طبقات ابن سعد (الطبقات الکبری) (ط. دارصادر بیروت)۳۱۵/۲ فی المکتبة الشاملة ۳۱۵/۲ [محمدبن سعد بصری م. ۲۳۰]

۲- صحیح بخاری(ط. دارالفکر بیروت)۸۲/۵ - ح۳۹۱۳- ح۶۲۳۰ و فی المکتبة الشاملة ۱۳۵/۱۳ [بخاری م.۲۵۶]

۳- صحیح مسلم (ط. دارالفکر بیروت)۱۵۴/۵- ح۳۳۰۴ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۷/۹ [مسلم م. ۲۶۱]

۴- تاریخ المدینة (ناشر:دارالفکر)۱۹۶/۱ و فی المکتبة الشاملة ۱۹۶/۱ [نمیری م. ۲۶۲]

۵- مشکل الآثار ۴۷/۱- ۴۸ و فی المکتبة الشاملة ۹۱/۱ [طحاوی م. ۳۲۱]

۶- السقیفة و فدک (تحقیق دکتر محمد هادی امینی)۱۰۷/ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۷- مسند الشامیین (ط. مؤسسة الرسالة البیروت)۱۹۸/۴ و فی المکتبة الشاملة ۴۸۲/۸ ح ۳۰۲۴ [طبرانی م. ۳۶۰]

۸- شرح نهج البلاغة ۲۱۸/۱۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

۹- سِیَر اعلام النبلاء (فی الهامش) (ط. مؤسسة الرسالة)۱۲۱/۲ [ذهبی م. ۷۴۸]

۱۰- عمدة القاری ۲۵۸/۱۷ [العینی م. ۸۵۵]

۱۱- اعلام النساء [عمر رضا کحالة]

۱۲- صحیح ابن حبان (ط. مؤسسة الرسالة)۱۵۳/۱۱و ۵۷۳/۱۴ و فی المکتبة الشاملة ۱۶۵/۲۰ ح ۴۹۱۳ [ابن حبان]

## مدرک چهارم

«قال ابن ابی الحدید: و الصحیح عندی أنّها ماتت و هی واجدة علی ابی بکر و عمر و انّها اوصت الّا یصلّیا علیها ...»

ابن ابی الحدید گوید نظر صحیح نزد من این است که همانا فاطمه[علیها السلام] از دنیا رفت در حالیکه بر ابی‌بکر و عمر غضبناک بود و [این غضب در حدی بود که] وصیت کرد آن دو بر او نمار نخوانند ...

**سند اهل سنت :**

شرح نهج البلاغة ۵۰/۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

## مدرک پنجم

«والله لا ارضی عنکما ابداً حتی القی ابی رسول الله صلی الله علیه و آله و اخبره بما صنعتما فیکون هوالحاکم فیکما ...»

در روایت است که حضرت زهرا علیهاالسلام، به این دو (عمر و ابوبکر) فرمودند: شما مرا به غضب در آوردید و راضی نمی‌شوم از شما تا این که پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله را ملاقات کنم و به او خبر دهم از آنچه که شما انجام دادید. پس او دربارهٔ شما حکم نماید ...

**اسناد شیعه :**

۱- کتاب سلیم (تحقیق محمد باقر انصاری)/۳۹۲ [سلیم بن قیس م. ۹۰]

۲- بحارالانوار۲۸/۳۰۳ و ۱۹۹/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة)/۱۷۲ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک ششم

«قال الصادق علیه السلام: فخرجا من عندها علیها السلام و هی ساخطة علیهما ...»

امام صادق علیه السلام فرمودند: آن دو، عمر و ابوبکر، از نزد فاطمه علیهاالسلام خارج شدند در حالیکه بر آنها غضبناک بود ...

**اسناد شیعه :**

۱- دلائل الامامة (تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة)/۱۳۵ [محمدبن جریرالطبری الامامی م. قرن ۴]

۲- بحار الانوار ۱۷۱/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک هفتم

«... فضربنی بیده حتی انتثر قرطی من اذنی ... فهذه اُمّةٌ تصلی علی ؟! و قد تبرّأ الله و رسوله منهم و تبرّأتُ منهم ...»

[حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند]... او چنان سیلی به صورتم زد که گوشواره‌ام از گوشم افتاد ... آیا چنین امتی می‌خواهند بر من نماز بخوانند؟! با اینکه خدا و رسولش از آنان بیزارند و من نیز از آنان تبرّی می‌جویم...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری/۱۷۹ [الخصیبی م. ۳۳۴]
۲- بحارالانوار ۳۴۹/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]
۳- بیت الاحزان/۱۲۱ [شیخ عباس قمی]
۴- مجمع النورین/۱۴۷ [المرندی]
۵- الهجوم علی بیت فاطمة /۴۵۲ [عبد الزهرا مهدی]
۶- فاطمة بهجة قلب مصطفی ۵۳۱/۲ [رحمانی همدانی)

## مدارک دیگر

**به منابع زیر نیز رجوع شود :**

**اسناد شیعه:**

۱- نهج الحق و کشف الصدق /۳۵۷ [علامه حلی م. ۷۲۶]
۲- صراط المستقیم ۲۹۳/۲ [علی بن یونس عاملی م. ۸۷۷]

۳- وصول الاخیار الی اصول الاخبار/۷۱ [والد بهائی عاملی م. ۹۸۴]

۴- احقاق الحق /۲۹۷ [التستری م. ۱۰۱۹]

## اسناد اهل سنت

۱- مسند احمد ۹/۱ - ح۵۲ و فی المکتبة الشاملة ۵۵/۱ [احمدبن حنبل م. ۲۴۱]

۲- جامع الاصول لاحادیث الرسول ۴۸۲/۴ و ۳۸۶/۱۰ [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۳- التلخیص ۱۵۴/۳ [ذهبی م. ۷۴۸]

۴- البدایة والنهایة ۲۴۹/۵ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۵- وفاءالوفاء ۹۹۵/۲ [سمهودی م. ۹۱۱]

۶- تفسیرالوصول الی جامع الاصول ۴۶/۲ [شیبانی م. ۹۴۴]

۷- تاریخ الخمیس ۱۷۳/۲ [دیار بکری م. ۹۶۶]

۸- کنزالعّمال ۵۸۴/۵ [متقی هندی م. ۹۷۵]

## «تکمیل بیان»

(۱). قال رسول الله صلی الله علیه وآله: فاطمة بضعة منی فمن اغضبها اغضبنی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: فاطمه علیها السلام پارهٔ تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم در آورده...

### اسناد شیعه :

۱- مناقب آل ابی طالب ۱۱۲/۳ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۲- الطرائف/۲۶۲ [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۳- مختلف الشیعه ۱۲۱/۱[علامه حلی م. ۷۲۶]

۴- ارشاد الاذهان ۱۴۳/۱ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۵- قواعدالاحکام ۱۲۲/۱ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۶- شرح اصول کافی ۲۱۸/۷ فی الهامش [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۷- بحارالانوار ۲۳۶/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- الغدیر ۱۷۴/۷ [علامه امینی]

### اسناد اهل سنت :

۱- صحیح بخاری ۲۱۰/۴ و ۲۱۹ - ح۳۴۸۳ و۳۴۳۷ و فی المکتبة الشاملة ۵۲/۱۲ و ۱۱۵ [بخاری م. ۲۵۶]

۲- الآحاد و المثانی ۳۶۱/۵ [ابن ابی عاصم (ضحاک) م. ۲۸۷]

۳- نظم دررالسمطین/۱۷۶ [زرندی حنفی م. ۷۵۰]

۴- فتح الباری ۶۳/۷ و فی المکتبة الشاملة ۱۴/۱۱[ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۵- کنزالعمال (ضبط و تفسیر: بکری حیانی) ۱۰۸/۱۲ و (طبع آخر) ۲۲۰/۶ و فی المکتبة الشاملة ۱۰۸/۱۲ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۶- فیض القدیر ۴۲۱/۴ [مناوی م. ۱۰۳۱]

۷- ینابیع المودة ۵۲/۲ [قندوزی الحنفی م. ۱۲۹۴]

(۲). انما فاطمة بضعة منی یؤذینی ما آذاها . . .

همانا فاطمه علیها السلام پارهٔ تن من است، هرآنچه او را بیازارد مرا می‌آزارد.

**اسناد شیعه :**

۱- الایضاح/۵۴۱ قریب بهذا المضمون [فضل بن شاذان م. ۲۶۰]

۲- تثبیت الامامة (ط. دارالامام السجاد)/۲۸ قریب بهذا المضمون[امام الزید الیمنی م. ۲۹۸]

۳- اقبال الاعمال (ط. مکتب الاعلام الاسلامی)۱۶۴/۳[سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۴- الطرائف (ط. الخیام)/۲۶۲ [سیدبن طاووس م.۶۶۴]

۵- کتاب الاربعین (ط. المحقق)/۴۵۸ [محمد طاهر قمی شیرازی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- صحیح مسلم۱۴۱/۷وح۴۴۸۳ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۳/۱۲ [مسلم م. ۲۶۱]

۲- الآحاد و المثانی۳۶۲/۵ [ابن ابی عاصم (ضحاک) م. ۲۸۷]

۳- سنن ترمذی ۳۶۰/۵ و فی المکتبة الشاملة ۳۷۰/۱۲ – ح۳۸۰۴ [ابوعیسی ترمذی م. ۲۷۹]

(۳). قال رسول الله لفاطمة : ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک

رسول خدا به فاطمه علیها السلام فرمود: همانا خداوند به غضب تو، غضب می‌کند و به خشنودی تو خشنود می‌شود.

**اسناد شیعه :**

۱- شرح الاخبار ۲۹/۳ [نعمان مغربی م. ۳۶۶]

۲- امالی صدوق(مؤسسة البعثة)/۴۶۷ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۳- دلائل الامامة /۱۴۶ [ابو جعفر محمد طبری م. قرن ۴]

۴- حدیث نحن معاشر الانبیاء /۲۸ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۵- امالی طوسی(ناشر: دارالثقافة)/۴۲۷ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۶- روضة الواعظین/۱۴۹ [ابو علی فتال نیشابوری م. ۵۰۸]

۷- احتجاج /۱۰۳/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۸- مناقب آل ابی طالب /۱۰۷/ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۹- بحارالانوار ۳۵۳/۳۰ و ۲۱/۴۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۱۰- الغدیر ۲۰/۳ و ۲۳۵/۷ [علامه امینی]

## اسناد اهل سنت:

۱- الآحاد و المثانی ۳۶۳/۵ [ضحاک م. ۲۸۷]

۲- مسند ابی یعلی ۱۹۰/۱ [موصلی م. ۳۰۷]

۳- معجم الکبیر ۱۰۸/۱ و فی المکتبة الشاملة ۸۹/۱ [طبرانی م. ۳۰۸]

۴- السقیفة و فدک (تحقیق محمد هادی امینی)/۱۰۸ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۵- أُسدالغابة ۵۲۲/۵ و فی المکتبة الشاملة ۳۹۷/۳ [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۶- میزان الاعتدال ۴۹۲/۲ و فی المکتبة الشاملة ۴۹۲/۲ [ذهبی م. ۷۴۸]

۷- مجمع الزوائد (ناشر: دارالکتب العلمیة)۲۰۳/۹ و فی المکتبة الشاملة ۱۸۴/۴ [علی بن ابی بکر الهیثمی م. ۸۰۷]

۸- تهذیب التهذیب ۴۴۱/۱۲ و فی المکتبة الشاملة ۳۹۲/۱۲ [ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۹- الاصابة (تحقیق شیخ عادل احمد)۲۶۶/۸ و طبع آخر ۱۵۹/۸ [ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۱۰- کنزالعمال (ط. مؤسسة الرسالة بیروت) ۱۳/ ۶۷۴ و طبع آخر ۱۱۱/۷ و فی المکتبة الشاملة ۶۷۴/۱۳ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۱۱- ینابیع المودة ۵۷/۲ [قندوزی الحنفی م. ۱۲۹۴]

۱۲- مستدرک علی الصحیحین ۱۵۴/۳ و فی المکتبة الشاملة ۳۸/۱۱ [حاکم نیشابوری]

(۴). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله لیغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضاها.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: همانا خداوند غضبناک می‌شود به خاطر غضب فاطمه علیهاالسلام، و راضی می‌شود به خاطر رضای او.

**اسناد شیعه :**

۱- مسند زیدبن علی (ناشر:دارالحیاة بیروت)/۴۵۹ [زیدبن علی م. ۱۲۲]

۲- امالی صدوق(ط. مؤسسة البعثة) /۴۶۷ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۳- عیون اخبار الرضا(ط. مؤسسة الاعلمی بیروت) ۵۱/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۴- التعجب (تحقیق فارس حسون)/۱۳۴ و (ط. مکتبة المصطفی)/۵۵ [الکراجی م. ۴۴۹]

۵- الاحتجاج [طبرسی م. ۵۶۰] (بحارالانوار از این منبع نقل کرده)

۶- کشف الغمة فی معرفة الائمة(ط. دارالاضواء بیروت)۹۵/۲ [ابو الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۷- بحارالانوار ۱۹/۴۳و ۲۲ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- الغدیر ۲۳۵/۷ [علامه امینی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- کنزالعمال۱۱۱/۱۲ و فی المکتبة الشاملة ۱۱۱/۱۲ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۲- ینابیع المودة ۵۶/۲ [قندوزی الحنفی م. ۱۲۹۴]

(۵). قال رسول الله صلی الله علیه و آله: فاطمة بضعةٌ مِنّی مَن آذاها فقد آذانی و مَن آذانی فقد آذی الله و مَن آذی الله اکبّهُ الله فی النار .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه علیها السلام ، پارهٔ تن من است، کسی که او را بیازارد مرا آزرده و کسی که مرا بیازارد خدا را آزرده و کسی که خدا را بیازارد، خدا او را با صورتش در آتش خواهد انداخت.

**سند شیعه :**

عوالی اللآلی ۹۳/۴ [ابن ابی جمهور الاحصائی م. ۸۸۰]

**تتمۀ دفاعیه:** نفرین آن‌حضرت علیهاالسلام

## مدرک هشتم

«...و هی تقول: والله لأدعونّ الله علیك فی کل صلاة اصلّیها»

حضرت فاطمه علیهاالسلام به ابابکر فرمودند: به خدا قسم تو را در هر نمازی که بخوانم نفرین خواهم کرد.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۳۵۷/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- عولم العلوم۴۱۶/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۴- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /۸۴ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

**منبع اهل سنت :**

الامامة و السیاسة (تحقیق الزینی) ۲۰/۱ و (تحقیق الشیری) ۳۱/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

## مدرک نهم

«... قالت [فاطمة علیها السلام] والله لأدعونّ الله علیك»

فاطمه [علیهاالسلام] به ابابکر فرمودند: به خدا قسم تو را نفرین خواهم کرد .

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة وفدک /۱۰۴ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۱۴/۱۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

## مدارک دیگر

به اسناد زیر نیز رجوع شود

**اسناد شیعه:**

۱- الغدیر ۲۳۰/۷ [علامه امینی]

۲- مجمع النورین/۱۳۵ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

# دفاعیّه بیست و پنجم

در این دفاعیه مدارک مربوط به وصیت آن‌حضرت
به اینکه **مخفیانه تشییع شوند** بیان شده است

## وصیّت بر تنهایی

بارالاها، اگر شوی‌ام علی همان یکدانهٔ سلطنت تو، بر قامت من، فاطمه همان دردانهٔ خلقت تو، نمازی خواهد خواند، مشتاقم و آرزومندم که او باشد و او؛ و در پس اقامهٔ صلاتش، تنها کروبیان و عرشیان تو قدقامت بگویند و بس!

بارالها، من به تهمتی ناگفته و نانوشته، حدّ نامشروع خوردم و روا مدار که خشکسال جنازه‌ام، میقات آن قوم جفاکار تاریخ شود!

خداوندا، من وصیت می‌کنم و از تو می‌خواهم که زمین گورستان را آنقدر تنگ گردانی که تنها علی بر آن جای گیرد و فرزندانم؛ و کسی نباشد که جایِ خالیِ فاطمه را در میان آل رسول با انگشت تمسخر نشانه رود!

بارالاها، من از تو می‌خواهم که مرگم را، انس خلوتی قرار دهی که من باشم و آل‌کسا، من باشم و نجوای شبانگاهی بهشت‌آفرین خلقتت!

بارالاها، اگر مصلحت کبریائیت بر آن شد که وکیل مدافعم را یاری دهی تا به عشق روی من قد علم کند، از جانب من او را بگوی که ای وفادار من، در روز تشییع جنازه، منتظرت هستم. بیا که وقت دفاع از فاطمه است! پس سریع‌تر از آن که می‌پنداری بیا!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«قالت فاطمة الزهراء علیها السلام لعلی بن ابیطالب علیه السلام سألتك بحق رسول الله صلی الله علیه و آله اذا انا مت ان لا یشهدانی و لا یصلّیا علی .»

حضرت فاطمه علیها السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من از تو، به حق رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواهم بعد از آنکه از دنیا رفتم، آن دو نفر (عمر و ابابکر) بر جنازهٔ من حاضر نشوند و بر بدنم نماز نخوانند .

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشریع ۱۷۷/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- الاختصاص /۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۳- بحار الانوار ۱۹۳/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین/۱۲۳ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه) /۷۷۱ [رحمانی همدانی ]

## مدرک دوم

شیخ صدوق روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند:

به چه دلیل حضرت زهراء علیها السلام را شبانه دفن کرده و ایشان را در روز به خاک نسپردند؟

امام علیه السلام فرمودند: «لأنها اوصت ان لا یصلی علیها الرجلان الاعرابیان.»

زیرا که آن حضرت( علیها السلام ) وصیت نمود که آن دو عرب جاهلی (عمر و ابابکر) بر جنازهٔ وی نماز نخوانند.

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم)/۱۸۵ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- وسائل الشیعه ۱۵۹/۳ (قریب بهذا المضمون) [شیخ حر عاملی م. ۱۱۰۴]

۳- بحار الانوار ۶۱۹/۳۱ و ۲۰۷/۴۳ و ۲۵۰/۷۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مستدرک سفینة البحار ۲۵۲/۸ [شیخ علی نمازی]

## مدرک سوم

«... ان فاطمة لمّا حضرتها الوفاة اوصت علیاً ان لا یصلّی علیها ابوبکر و عمر فعمل بوصیتها ...»

همانا حضرت فاطمه علیها السلام هنگام شهادت، به امیرمؤمنان علیه السلام وصیت کرد که عمر و ابابکر بر او نماز نگذارند. پس حضرت علی علیه السلام به وصیت او عمل کرد ...

**اسناد شیعه :**

۱- مناقب آل ابی طالب ۱۳۷/۳ [ابن شهرآشوب م. ۵۸۸]

۲- بحار الانوار ۶۱۹/۳۱ و ۱۸۲/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مجمع النورین /۲۴۱ [المرندی م. ۱۳۴۹]

## مدرک چهارم

﴿فلمّا حضرتها الوفاة اوصت الاّ یصلی [ابابکر] علیها ...﴾

چون لحظات احتضار فاطمه علیها السلام فرا رسید وصیت کرد که (ابابکر) به وی نماز نخواند.

**سند شیعه :**

بحارالانوار ۳۲۹/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک (تحقیق محمد هادی امینی) /۱۰۴ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۱۴/۱۶ [ابن ابی الحدید المعتزلی م. ۶۵۶]

## مدرک پنجم

﴿وردت به الروایات المستفیضة الظاهرة التی هی کالتواتر انها أوصت بأن تدفن لیلاً حتی لا یصلّی الرجلان علیها و صرّحت بذلك و عهدت فیه...﴾

روایات مستفیضه که در حد تواتر است دلالت می کند که حضرت زهرا علیها السلام وصیت نمود وی را شبانه دفن کنند، برای آنکه آن دو مـرد

(ابوبکر و عمر)، بر او نماز نخوانند و به این خواسته‌اش تصریح و تأکید فرمود و بر انجام آن پیمان گرفت .

**سند شیعه:**

بحار الانوار ۳۹۰/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

**سند اهل سنت :**

شرح نهج البلاغة ۲۸۱/۱۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

## مدرک ششم

﴿فلمّا حضرتها الوفاة أوصت ... و لا یدع احداً منهم یصلّی علیها ...﴾

حضرت فاطمه علیها السلام درهنگام شهادت به امیرمؤمنان علیه السلام وصیت نمودند که نگذارد احدی از ظالمان بر ایشان نماز گذارد ...

**اسناد شیعه :**

۱- الاستغاثة ۱۰/۱ [ابو القاسم الکوفی م. ۳۵۲]

۲- حدیث نحن معاشرالانبیاء /۲۸ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۳- نهج الحق و کشف الصدق /۲۷۰ [علامه حلی م. ۷۲۶]

۴- احقاق الحق /۲۲۳ [تستری م. ۱۰۱۹]

**مدارک دیگر**

در اسناد زیر، نیز به اینکه آن دو در تشییع و نماز حاضر نشوند اشاره شده است.

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (ط. شریعت قم)۲۴۶/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- الشافی فی الامامة ۱۱۵/۴ [شریف مرتضی م. ۴۳۶]

۳- تلخیص الشافی (ط. مکتبة العلمین) ۱۵۰/۳ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۴- بحار الانوار ۳۴۸/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

# دفاعیه بیست و ششم

این دفاعیه مربوط بـه **اجـازه نـدادن فـاطمهٔ زهرا** علیها السلام **به عیادت از ایشان و روی برگرداندن و جواب سلام نـدادن و صحبت نکردن** بـا غـاصبـان خلافت تـا هنـگام شهادت است

## روی برگرداندن از شب

دیری است تا که من ، رنجاب تلخ روزگاری را می‌چشم که نطق بی‌پایان گویندگان، از بیان شمه‌ای از آزردگی‌های آن عاجزترین است؛ و در این تاریکیِ بی‌رحمِ دود آسای، چراغِ کورِ اصحابِ جفا، سر به درگاهم می‌ساید.

و خلایق شاهدند که مدعیان زهد دیروزین، برای متاع دستمال شدهٔ امروزین، مستانه در زمین خدا نعره می‌زنند!

آه که خورشید وجود علی، همه قدرت است و شعور! اما فرمان صبر خداست که تیغ در پا و استخوان در گلوی‌اش نموده است!

در این روزگار که صحرا در تب هذیانی‌اش می‌سوزد و هراسی سخت و بی‌آرام، نشاط چشمه را خشک کرده، قصد عیادتم می‌کنند قوم علیه ما علیه؛ و آزارکنندگانم اذن دخول می‌خواهند به آن خانه‌ای که خود آتش به ارمغان‌اش آوردند.

من صلاحی ندانستم جز آن که اجازت ندهم عیادتشان را که آزرده‌ام کردند با قساوتی بی‌نهایت، و سنگ باران کردند عصمت یگانهٔ خدا را!

من صلاحی نمی‌دیدم آشکارتر از آن که تحریمشان کنم از رؤیت آفتابی کبود در خانهٔ خدا؛ و چه دشوار است بر اهل معنا عظمت این حکم!

من صلاحی و سلاحی نداشتم قوی‌تر از آن‌که روی برگردانم از خاندان سقیفه و تکلم نکنم و سلامی ندهم قائم آل سامری را!

آه ای مسیحای من، ای شوی‌ام، ای علی، چقدر سرد است کوچه‌های مدینه و چه پر تکرار است خندهٔ فاتحان قلعهٔ قساوت بر پشتِ دیوار خانه!

آی مسیحای من، ای گلشن من، پشت دیوار سوخته آمده‌اند برای عوام فریبی و من تنها، همه چشم تو را می‌جویم و با همهٔ شوق تو را می‌خوانم؛ و نام تو را فریاد می‌زنم؛ و این است منزلت دختر رسول که خریدار غمش علی است و خریدار غمِ علی است!

آی مسیحای من، ای نازک غم در بغلم، من در آن لحظه که آمدند برای دق الباب، فریاد زدم که من از هر چه با شماست و آنچه را با شما پیوندی ناگسستنی است، نفرت دارم؛ و هم اکنون زمان گریستن است بر دین مبین خدا، اگر بگذارند و بتوان گریست!

ای مسیحای محزون من، ما خسته و خاموشیم تا زمانی دیر، زیرا که دیگر هیچ‌گاه بر منبر خویش نمی‌توانیم قیامت به پا کنیم، مگر آن که وکیلمان بیاید تا دفاع کند عصمت مجروح توحید را؛ و چپاول کند خیمه‌گاه استدلالات دروغین قوم مهاجم را!

ای مسیح من، بگذار آتشکدهٔ بزرگ خاموشی و سکوت در برابر آن جماعت، حریقی شود در ناکجا آباد زمان و بسوزاند کالبد پشمین بی‌ایمانشان را و درهم ریزد رواق بی‌نفوذ بی‌وفایی را!

و ای مسیح، زنده‌ام کن به خنده‌ای و یا به باغچهٔ تبسمی! چشمان تو شب‌چراغ عمر من بود و هست و مگذار که بی فروغ شود! زنده‌ام کن!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«عن ابی عبدالله علیه‌السلام ... لم تدع احداً ممن آذاها یدخل علیها...»

از امام صادق علیه‌السلام: ... فاطمه علیهاالسلام به هیچ یک از آزار کنندگانش اجازه عیادت نداد.

**اسناد شیعه:**

۱- دلائل الامامة (ط. مؤسسة البعثة) /۱۳۴ و (طبع آخر) /۴۵ [ابوجعفر محمد بن جریرالطبری الامامی م. قرن ۴]

۲- بحارالانوار ۱۷۰/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۷۵/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک دوم

«عن ابی عبدالله علیه‌السلام: ... فلمّا مرضت فاطمة علیها السلام مرضها الذی ماتت فیه اتیاها عائدَین و استأذنا علیها فأبت ان تأذن لهما ...»

از امام صادق علیه‌السلام: ... هنگامیکه فاطمه علیهاالسلام بیمار شد، همان بیماری که در آن از دنیا رفت، آن دو به بهانهٔ عیادت آمده و اجازه خواستند که وارد منزلش شوند ولی او إبا کرد که به آن دو اجازه دهد ...

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم) ۱۸۶/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بحارالانوار ۲۰۲/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۷۱ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- مجمع النورین /۱۴۳ [المرندی م.۱۳۴۹]

## مدرک سوم

«... فاستأذنا علی فاطمة فلم تأذن لهما ...»

عمر و ابابکر به عیادت فاطمه علیهاالسلام رفتندولی ایشان اجازهٔ ورود ندادند

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۳۵۷/۲۸ و ۶۲۱/۳۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- الغدیر ۲۲۹/۷ [علامه امینی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- الامامة والسیاسة (تحقیق الزینی) ۲۰/۱ و (تحقیق الشیری) ۳۱/۱ و(ط. شریف رضی)۱۳/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۲- اعلام النساء ۱۲۲/۴-۱۲۴ [عمر رضا کحاله]

۳- الامام علی بن ابیطالب ۱۹۲/۱ [عبدالفتاح عبدالمقصود]

۴- عمربن خطاب/۱۸۴ [عبدالرحمن احمد بکری]

## مدرک چهارم

«[لمّا لم تأذن لهما] فأتیا علیاً فکلّماه فأدخلهما علیها فلمّا قعدا عندها حوّلت وجهها الی الحائط...»

[چونکه فاطمهٔ زهرا علیها السلام به آن دو اجازهٔ عیادت نداد] پس نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و با ایشان صحبت کردند. [بالاخره امیرالمؤمنین علیه السلام به آنان اجازهٔ ورود داد] و آن دو را وارد منزل نمود، اما هنگامی که در مقابل آن حضرت نشستند، آن حضرت صورتش را از آنها به طرف دیوار برگرداند.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۵۷/۲۸ و ۶۲۱/۳۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- الغدیر ۲۲۹/۷ [علامه امینی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- الامامة والسیاسة (تحقیق الزینی) ۲۰/۱ و (تحقیق الشیری) ۳۱/۱ و(ط. شریف رضی)۱۳/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۲- اعلام النساء ۱۲۲/۴-۱۲۴ [عمر رضا کحاله]

۳- الامام علی بن ابیطالب ۱۹۲/۱ [عبدالفتاح عبدالمقصود]

۴- عمربن خطاب/۱۸۴ [عبدالرحمن احمد بکری]

## مدرک پنجم

«[لمّا وردا فی منزلها باذن امیرالمؤمنین علیه‌السلام] ...حولت وجهها عنهما فتحولا و استقبلا وجهها حتی فعلت مراراً و قالت یا علی جاف الثوب و قالت لنسوة حولها حولن وجهی.»

[پس از آنکه از امیر مؤمنان علیه‌السلام طلب وساطت کردند و وارد شدند] حضرت فاطمه علیهاالسلام صورتش را از آن دو برگرداند، پس آن دو (عمرو ابابکر) برخاسته و مقابل آن حضرت نشستند تا اینکه چند بار این مسأله (روبرگرداندن فاطمه زهرا علیهاالسلام از آن دو) تکرار شد. در این هنگام حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: یا علی، جامه را روی صورتم برگردان، و به زنانی که اطرافش بودند، فرمود: روی مرا برگردانید.

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (تحقیق سید محمد صادق بحرالعلوم) ۱۸۷/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بحارالانوار ۲۰۳/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۷۲ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۴- مجمع النورین /۱۴۳ [المرندی م. ۱۳۴۹]

**مقدمه :**

«سلام نمودن و جواب سلام دادن به بعضی افراد، در روایات نهی شده است»

**ازامام صادق علیه‌السلام نقل شده :**

﴿لاتسلّموا علی الیهود و لا علی النصاری و لا علی المجوس و لا عبدة الاوثان[۱]...﴾

بر یهودی و نصرانی و مجوس و بت پرستان و... سلام نکنید.

﴿لا تسلّم علی شارب الخمر إن مررت به و إن سلّم علیك فلاتردّ علیه السّلام[۲]﴾

اگر بر کسی‌که شراب می‌آشامد عبور کردی بر او سلام نکن، و اگر او بر تو سلام کرد جوابش نده.

## مدرک ششم

﴿عن الامام الصادق علیه‌السلام فی حکایة ورودهما فی منزلها . . .فلمّا وقع بصرهما علی فاطمة سلّما علیها فلم ترد علیهما .﴾

امام صادق علیه‌السلام در بیان حکایت ورود آن دو (عمر و ابابکر به بهانه عذر خواهی)، به منزل حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمودند: ... وقتی حضرت

---

۱ - خصال شیخ صدوق ۸۷/۲ و بحارالانوار ۹/۷۳

۲- بحارالانوار ۱۰/۷۳ وهمین مضمون در فقه الرضا/۲۸۱

فاطمه علیهاالسلام را دیدند بر ایشان سلام کردند، ولی آن حضرت جواب آن دو را ندادند...

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (تحقیق سید محمد صادق بحرالعلوم)/۱۸۷ و (طبع آخر) ۱۷۷/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بحار الانوار ۲۰۳/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان (ط. دارالحکمة)/۱۷۲ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک هفتم

فلما قعدا عندها حولت وجهها الی الحائط فسلما علیها فلم ترد علیهما السلام

درقضیهٔ عیادت...این دو (عمر و ابی بکر)، نزد فاطمه علیهاالسلام نشستند و سلام کردند، لکن فاطمه علیهاالسلام جواب سلامشان را نداد.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۳۵۷/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- الغدیر۲۲۹/۷ [علامه امینی]

۳- بیت الاحزان (نشر دارالحکمة) /۸۴ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

۴- فاطمة بهجة قلب المصطفی (ترجمه)/۷۳۵ [رحمانی همدانی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- الامامة والسیاسة (تحقیق الزینی)۲۰/۱ و (تحقیق الشیری)۳۱/۱ و (ط. شریف رضی)۱۳/۱ [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۲- اعلام النساء ۱۲۲/۴-۱۲۴ [عمر رضا کحالة]

۳- الامام علی بن ابیطالب ۱۹۲/۱ [عبدالفتاح عبدالمقصود]

## مدرک هشتم

﴿[عن ابی عبدالله علیه السلام فی قضیة عیادتهما عنها علیها السلام] قالت: (لامیرالمؤمنین علیه السلام) والله لا آذن لهما و لا اکلّمهما کلمة من رأسی حتی القی أبی فاشکوهما الیه بما صنعاه وارتکباه منی.﴾

[از امام صادق علیه السلام در قضیهٔ عیادت آن دو از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که] آن حضرت علیها السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: به خدا قسم به این دو (عمر و ابابکر)، اذن نمی‌دهم و یک کلام با این دو صحبت نمی‌کنم تا اینکه پدرم را ملاقات کنم و از آنچه این دو انجام دادند و مرتکب شدند به پدرم شکایت بنمایم.

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع (تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم)۱۸۶/۱ و (طبع آخر) ۱۷۷/۱ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بحارالانوار ۲۰۳/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان (نشر دارالحکمة)/۱۷۲ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

۴- مجمع النورین/۱۴۳ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

## مدرک نهم

﴿فوجدت فاطمة علی ابی بکر فی ذلك فهجرته فلم تکلّمه حتی توفیت ...﴾

فاطمه [علیها السلام] از ابی‌بکر سخت ناراحت شده و از او دوری کرد و تا زنده بود با وی سخن نگفت ...

**اسناد اهل سنت :**

۱- المصنف (ط. الاعلمی بیروت)۴۷۲/۵ (قریب بهذا المضمون) [صنعانی م.۲۱۱]

۲- صحیح بخاری ۸۲/۵-۸۳ و ۳/۸ و فی المکتبة الشاملة ۱۳۵/۱۳ [بخاری م. ۲۵۶]

۳- صحیح مسلم ۱۵۴/۵ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۷/۹ [مسلم م. ۲۶۱]

۴- مسند الشامیین (ط. مؤسسة الرسالة)۱۹۸/۴ و فی المکتبة الشاملة ۴۸۲/۸ [طبرانی م. ۳۶۰]

۵- فتح الباری (قریب بهذا المضمون) (ط. دارالمعرفة بیروت) ۱۳۹/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۴۵/۹ [ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۶- شرح مسلم (ط. دارالکتاب العربی بیروت)۷۷/۱۲ (قریب بهذا المضمون) [النووی م. ۶۷۶]

## مدرک دهم

«... و هجرته فلم تکلّمه حتی ماتت [توفّیت]...»

... فاطمه علیها السلام تا زنده بود با وی (ابوبکر) سخن نگفت...

**اسناد شیعه :**

۱- العمدة (ط. جامعه مدرسین)/۳۹۰ [ابن البطریق حلی م. ۶۰۰]

۲- الطرائف (ط. الخیام)/۲۵۸ [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۳- کشف الغمة فی معرفة الائمة (ناشر:دارالاضواء بیروت)۱۰۲/۲ [ابو الفتح الاربلی م.۶۹۳]

۴- وصول الاخیار الی اصول الاخبار(ط. الخیام)/۶۹ [عبدالصمد العاملی والد شیخ بهائی م. ۹۸۴]

۵- کتاب الاربعین فی امامة الائمة الطاهرین(ط. مطبعة الامیر)/۵۲۲ [محمد طاهر قمی شیرازی م.۱۰۹۸]

۶- شرح اصول کافی(۱۲جلدی)۲۱۸/۷ [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۷- بحارالانوار۱۱۲/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- مجمع النورین/۲۳۸ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۹- النص و الاجتهاد(ط. سیدالشهداء علیه السلام)/۵۱و۵۹ [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۱۰- الغدیر(ط. دارالکتاب العربی بیروت)۲۲۷/۷ [علامه امینی]

## اسناد اهل سنت :

۱- صحیح بخاری (ط. دارالفکر بیروت) ۸۲/۵ - ح۳۹۱۳- ح۶۲۳۰ و فی المکتبة الشاملة ۱۳۵/۱۳ [بخاری م. ۲۵۶]

۲- صحیح مسلم (ط. دارالفکر بیروت)۱۵۳/۵- ح۳۳۰۴ و فی المکتبة الشاملة ۲۰۷/۹ [مسلم م. ۲۶۱]

۳- تاریخ المدینة (ناشر:دارالفکر)۱۹۶/۱ و فی المکتبة الشاملة ۱۹۶/۱ [نمیری م. ۲۶۲]

۴- طبقات ابن سعد (الطبقات الکبری) (ط. دارصادر بیروت)۳۱۵/۲ و فی المکتبة الشاملة ۳۱۵/۲ [محمدبن سعدبن منیع البصری م. ۲۳۰]

۵- تاریخ الامم و الملوک (ط. مؤسسة اعلمی بیروت)۴۴۸/۲ و فی المکتبة الشاملة ۴۴۸/۲ [طبری م. ۳۱۰]

۶- مشکل الآثار ۴۷/۱- ۴۸ و فی المکتبة الشاملة ۹۱/۱ [طحاوی م. ۳۲۱]

۷- السقیفة و فدک (تحقیق شیخ محد هادی امینی)/۱۰۷ و (ط. نینوا الحدیثة تهران)/۷۲ [ابوبکر جوهری م.۳۲۳]

۸- مسند الشامیین (ط. مؤسسة الرسالة البیروت)۱۹۸/۴ و فی المکتبة الشاملة ۴۸۲/۸ [طبرانی م. ۳۶۰]

۹- السنن الکبری ۳۰۰/۶ و فی المکتبة الشاملة ۳۰۰/۶ [بیهقی م. ۴۵۸]

۱۰- سیَر اعلام النبلاء(ط. مؤسسة الرسالة)۱۲۱/۲ [ذهبی م. ۷۴۸]

۱۱- سیرة النبویة(ط. دارالمعرفة)۵۶۷/۴ و فی المکتبة الشاملة ۵۶۷/۴ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۱۲- البدایة والنهایة(ناشر:داراحیاء التراث العربی بیروت)۳۰۶/۵ و فی المکتبة الشاملة ۳۰۶/۵ [ابن کثیر م.۷۷۴]

۱۳- وفاءالوفاء ۹۹۵/۲-۹۹۶ [سمهودی م. ۹۱۱]

۱۴- صحیح ابن حبان (ط. مؤسسة الرسالة)۱۵۳/۱۱ و ۵۷۳/۱۴ و فی المکتبة الشاملة ۱۶۵/۲۰ [ابن حبان]

۱۵- شرح مسلم (ط. دارالکتاب العربی بیروت)۷۵/۱۲

## مدرک یازدهم

«عن فاطمة الزهراء علیها السلام: ... والله لا اکلّم عمر حتی القی الله ...»

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است:

... به خدا قسم تا زنده‌ام با عمر سخن نخواهم گفت ...

### اسناد شیعه :

۱- غایة المرام ۳۲۵/۵ [علامه بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲- بحار الانوار ۳۲۲/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- الغدیر ۷۸/۷ [علامه امینی]

۴- کتاب الاربعین/۱۵۵-۱۵۶ [محمد طاهر قمی شیرازی]

۵- بیت الاحزان/۱۱۳ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

### اسناد اهل سنت :

۱- السقیفة و فدک (تحقیق محمد هادی امینی)/۵۳ و (طبع مکتبة نینوی الحدیثة) /۷۲ [ابوبکر جوهری م.۳۲۳]

۲- کامل ابن اثیر ۱۱۲/۱۱-۱۱۳ [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۳- شرح نهج البلاغة ۴۹/۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

۴- عمربن خطاب/۱۳۷ و ۳۰۷ [عبدالرحمن احمد البکری]

## مدرک دوازدهم

«قالت فاطمة الزهراء (علیها السلام) لابی بکر: والله لا کلّمتك ابداً والله لأهجرنّك ابداً ...»

[حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمودند] ... به خدا قسم، با تو هیچ وقت سخن نخواهم گفت؛ و به خدا قسم، برای همیشه از تو دوری می‌جویم ...

**اسناد شیعه:**

۱- بحار الانوار ۳۲۹/۲۹ و ۳۹۲ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مجمع النورین /۱۳۵ [المرندی م. ۱۳۴۹]

۳- بیت الاحزان (نشر دار الحکمة) /۱۵۴ [شیخ عباس قمی]

**اسناد اهل سنت :**

۱- السقیفة و فدک (تحقیق محمد هادی امینی) /۱۰۴ و (ط. مکتبة نینوی الحدیثة)/۱۰۲ [ابوبکر جوهری م.۳۲۳]

۲- شرح نهج البلاغة ۲۱۴/۱۶ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

## مدارک دیگر

دراسناد زیر نیز به تکلم نکردن حضرت علیها السلام تا آخر عمر، با آن دو اشاره شده است.

**اسناد اهل سنت :**

۱- جامع الاصول لاحادیث الرسول ۴۸۲/۴ [ابن اثیر ۶۳۰]

۲- شرح نهج البلاغة ۴۶/۶و۲۱۸/۱۶و (۲۶۴/۱۶نقل مشابه) [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

۳- التخلیص ۱۵۴/۳ [ذهبی م. ۷۴۸]

۴- فتح الباری۱۳۹/۶ [ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۵- تفسیرالوصول الی جامع الاصول ۲/ ۴۶ [شیبانی م.۹۴۴]

۶- کنزالعمّال ۵۸۴/۵ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۷- اعلام النساء ۱۲۲/۴-۱۲۴ [عمر رضا کحالة]

# فصل چهارم

این بخش به بررسی اسناد
و مدارک موجود در خصوص
سفارشات حضرت زهرا سلام الله علیها
به امیرالمومنین علیه السلام در لحظات
پیش از شهادت می پردازد.

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

فاطمه سلام الله علیها

# دفاعیه بیست و هفتم

در این دفاعیه مطالبی پیرامون **شهادت**
**فـاطمهٔ زهراء** علیهاالسلام ذکر گردیده است

## شهادت خورشید

امشب من افطار می‌کنم با شرم نگاه علی و اشکبار می‌نگرم به آغوش لرزان زانویش که هر شب تا به صبح سر بر آن می‌گذارد.

آنچه مرا آزرده‌تر می‌کند، رنگ پریدگی شیارهای کبود دستانش است که رقص کبود طناب‌های بنی‌سقیفه، آن را به یادگار گذاشته است.

آنقدر می‌سوزم که سوزش بازوانم، جز نبض جهندهٔ یک اتفاق، بیشتر نمی‌نماید!

من شرمگینم از آن همه غیرتی که برای خاطر خدا، کوه آتشفشانی شد و شرمگین‌ترم برای خاطر چشمانی که راه عبور اشک هایش، هرز شده است.

ترس من از مرگ نیست که جوانه‌های زندگی‌بخش مرگ، رؤیای بوسیدن دست پدرم را تحقق می‌بخشد؛ و تاریخِ سر به مهرِ نوازش
های مادرم را تکرار می‌کند.

من از مرگ نمی‌هراسم، وقتی شانه‌های سرمست کوفه، از تحمل گام‌های من منزجر است و آدمک‌های منحوسش، مردارخوار، مرگ مرا به انتظار نشسته‌اند.

من از مرگ نمی‌هراسم، وقتی گریهٔ شبانهٔ من، غزل تلخی می‌شود به روان غمدیدهٔ کودکانم و نظارهٔ خم قامت نحیفم، نمک‌بارانی بر زخم‌های سرخ قلب علی است.

من از مرگ نمی‌هراسم! نه، نمی‌هراسم!

من از تنهاییِ تنهاترین سردار می‌ترسم. من از فوران عزلت‌های گوشه‌نشین کوفه غصه دارم. به خدا که تنهایی‌اش بیکران خواهد گشت با رفتن من و قلبم پرپر می‌شود، وقتی کبوتر اشک علی، هیچ آشیانه‌ای را درنیابد!

آیا صحیح است که پشت دیوار هیاهوی مترسک‌های کوفه، مردی دلتنگ‌تر از غروبِ جمعه‌ها و تنهاتر از غرورِ خدا، در خاطرات شکستن بازو و پهلو و در، هلاک شود و من در منزلگاه ابدی خویش، دورادور، افسوس نداشتن‌اش را مزمزه کنم!

من از مرگ واهمه‌ای ندارم، اما از رسوایی بغض شوی‌ام در چاه تنهایی‌اش بیمناکم که شاید روزگاری، تیزی نفرین تظلمش، قلب عرش را بدرد؛ و من تنها، دست از دنیا کوتاه، بتوانم رگ‌های خون‌آلود غیرتش را نوازش کنم.

آه و افسوس اگر نتوانم آرامش کنم! تنهاست علی، تنهاست! عمود خیمه‌گاه آرزوهایم تنهاست!

آه ...

آه اگر لرزش دستانم می‌گذاشت، نقشی از حضورم را بر دیوار دود گرفتهٔ خانه می‌کشیدم، تا خلوت نبودنم را حس نکند؛ و شمع طربی باشد در کوره‌راه انزوایش.

آه از آنکه می‌لرزد اندامم!

کجاست وکیل من تا در نبودنم، تنهایی شوی‌ام را شربت تسکینی باشد و پشتوانه‌ای بر دفاعیاتم! کجاست؟

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

طلب کافور بهشتی :

﴿و عن أسماء بنت عميس قالت: لمّا حضرت فاطمة عليها السلام الوفاة قالت لی: إنّ جبرئيل أتى النبی صلی الله عليه وآله لمّا حضرته الوفاة بكافورٍ من الجنة فقسّمه اثلاثاً ثلثاً لنفسه وثلثاً لعلی عليه‌السلام و ثلثاً لی و كان اربعين درهماً فقالت: يا أسماء ايتينی ببقية حنوط والدی من موضع كذا وكذا فضعيه عند رأسی ثم تسجّت بثوبها و قالت: انتظرينی هنيهةً ثم ادعنی فإن اجبتك و الاّ فاعلمی أنی قد قدمت على ابی . . . ﴾

اسماء بنت عميس می‌گويد: هنگاميكه رحلت فاطمه عليهاالسلام نزديک شد، به من فرمود: جبرئيل در موقع رحلت پدر بزرگوارم، مقداری

کافور برایش آورد. پدرم آن‌را سه قسمت کرد. یک قسمت را برای خودش برداشت، یک قسمت را به علی علیه‌السلام اختصاص داد و قسمت سوم را به من داد و [به اندازهٔ] چهل درهم بود. من قسمت خود را در فلان جا نهاده‌ام و اینک بدان نیاز دارم. آن‌را برایم حاضرنما! و نزد من بیاور. سپس فرمود: اسما، ساعتی صبرکن پس مرا صدا کن، اگر جواب ندادم بدان من هم به پدر بزرگوارم ملحق شده‌ام ...

**اسناد شیعه :**

۱- کشف الغمة فی معرفة الائمة ۵۰۰/ [ابی الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۲- بحارالانوار ۱۸۶/۴۳ [مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۴ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک دوم

﴿عن عبدالله بن الحسن عن ابیه عن جده علیه‌السلام : انّ فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه وآله لمّا احتضرت نظرت نظراً حاداً ثم قالت: السلام علی جبرائیل، السلام علی رسول الله، اللّهم مع رسولك، اللهم فی رضوانك و جوارك و دارك دار السلام ثم قالت: أترون ما أری؟ فقیل لها ماتری؟ قالت: هذه مواکب اهل السموات و هذا جبرائیل و هذا رسول الله و یقول: یا بنیة اقدمی فما امامك خیر لك.﴾

عبدالله بن حسن از جدش علیه السلام روایت می کند که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر، هنگام احتضار نگاه عمیقی به اطراف خویش کرده و فرمود: سلام بر جبرئیل، سلام بر پیامبر خدا، بارخدایا! مرا همراه پیامبرت در رضوان و جوارت و خانه‌ات که منزلگاه سلامت است قرارم ده، سپس به حاضران فرمود: آنچه را می‌نگرم شما نیز می‌بینید؟ پرسیدند: مگر چه می‌بینی؟ فرمود: این‌ها انبوه موکب فرشتگان آسمان‌ها و این نیز جبرئیل و آن هم پدرم، پیامبر خداست که می‌فرماید: دخترم، نزد ما بیا که آنچه در پیش رو داری برای تو نیکوتر است.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۴۳/۲۰۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان[شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک سوم

«و عن زید بن علی علیه السلام : انّ فاطمة علیها السلام لمّا احتضرت سلمت علی جبرائیل و علی النبی صلی الله علیه وآله و سلمت علی ملک الموت و سمعوا حسّ الملائکة و وجدوا رائحة طیبة کأطیب ما یکون من الطیب.»

از زید بن علی علیه السلام روایت شده که حضرت فاطمه علیها السلام هنگام احتضار به جبرئیل، و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و عزرائیل سلام کرد. حاضران

حس ملائکه و صدای ظریف آنها را شنیدند و بهترین بوی خوش را نیز استشمام نمودند.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۴۳/۲۰۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان[شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک چهارم

صدا کردن اسماء و پاسخ نشنیدن

«قال الراوی: فانظرتها اسماء هنیهةً ثم نادتها فلم تجبها فنادت یا بنت محمدٍ المصطفی ... یا بنت مَن کانَ مِن ربّه قاب قوسین او أدنی قال: فلم تجبها فکشفت الثوب عن وجهها فاذاً بها قد فارقت الدنیا ٠فوقعت علیها تقبّلها...»

پس اسما لحظاتی حضرت را به حال خود واگذاشت و بعد صدا زد و جوابی نشنید؛ صدا زد: ای دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله ... ای دختر کسی‌که به پروردگارش چنان قرب پیدا کرد که به درجه قاب قوسین او ادنی رسید؛ امّا جوابی نیامد! چون جامه را از روی صورت حضرت برداشت، مشاهده کرد که از دنیا رخت بربسته است. پس خود را به روی حضرت انداخت و ایشان را می‌بوسید...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۴۳/۱۸۶ [مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۴ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک پنجم

آمدن حسنین علیهما السلام بر بالین مادرشان

﴿... ثم شقّت اسماء بنت عمیس جیبها و خرجت فتلقاها الحسن والحسین علیهما السلام فقالا: أین امّنا فسکتت فدخلا البیت فاذاً هی ممتدة فحرّکها الحسین علیه السلام فاذاً هی میتة فقال: یا أخاه آجرك الله فی الوالدة فوقع علیها الحسن علیه السلام یقبّلها مرّة و یقول: یا امّاه کلّمینی قبل أ تفارق روحی بدنی، قالت: فأقبل الحسین علیه السلام یقبّل رجلیها و یقول: یا امّاه انا ابنك الحسین کلّمینی قبل أن ینصدع قلبی فاموت ...﴾

سپس اسما گریبان چاک زده و از خانه بیرون آمد، حسنین علیهما السلام به او رسیده و گفتند: اسماء، مادر ما کجاست؟ وی ساکت شد و جوابی نداد. آنان وارد اتاق شده، دیدند مادرشان دراز کشیده. امام حسین علیه السلام مادرش را تکان داد، دید از دنیا رفته است، فرمود: ای برادر، خداوند تو را در مصیبت مادرمان اجر دهد. امام حسن علیه السلام خود را بر روی مادر انداخته می‌بوسید و می‌گفت: ای مادر با من سخن بگو پیش از آن‌که روح از بدنم جدا شود. امام حسین علیه السلام جلو آمده و پاهای مادر را می بوسید و می‌گفت: ای مادر، من پسرت حسینم. با من سخن بگو پیش از آن‌که قلبم پاره پاره شود و بمیرم ...

**اسناد شیعه :**

۱- کشف الغمة فی معرفة الائمة/ ۵۰۰ [ابی الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۲- بحارالانوار۴۳/۱۸۶-۲۱۴ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۴ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک ششم

### از هوش رفتن امیرمؤمنان علیه السلام وآمدن ایشان بر بالین حضرت زهراء علیها السلام

«...ثم اخبرا (الحسنین علیهما السلام) علیاً علیه السلام و هو فی المسجد فغشی علیه حتی رش علیه الماء ثم افاق فحملهما حتی ادخلهما بیت فاطمة و عند رأسها اسماء تبکی...»

سپس امام حسن و امام حسین علیهما السلام به مسجد رفته و خبر رحلت مادرشان را به امیرمؤمنان علیه السلام رساندند. حضرت با شنیدن این خبر غش کرده و از هوش رفتند؛ تا اینکه آب بر (صورت) آن حضرت پاشیدند، سپس به هوش آمدند، و به همراه حسنین علیهما السلام ، به خانۀ فاطمه علیها السلام رفتند و دیدند اسما بر بالای سر آن حضرت علیها السلام نشسته و گریه می‌کند...

**اسناد شیعه :**

۱- کشف الغمة فی معرفة الائمة/۵۰۰ [ابی الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۲- بحارالانوار۴۳/۱۸۷ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- بیت الاحزان/۱۹۵ [شیخ باس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک هفتم

وصیتنامه حضرت زهراء علیها السلام

... فکشف علی علیه السلام عن وجهها فاذاً برقعة عند رأسها فنظر فیها فاذا فیها:

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿هذا ما أوصت به فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه وآله و هی تشهد اَن لااله الا الله و اَنّ محمداً عبده و رسوله و اَنّ الجنة حقٌ و النار حقٌ وانّ الساعة آتیة لا ریب فیها و انّ الله یبعث من فی القبور یا علی انا فاطمة بنت محمد زوّجنی الله منك لاکون لك فی الدنیا والآخرة انت اولی بی من غیری حنّطنی و غسلنی و کفّنی باللیل و صل علی وادفنی باللیل و لاتُعلم احداً واستودعك الله و أقرء علی وُلدی السلام الی یوم القیامة .﴾

...پس حضرت علی علیه السلام جامه را از روی صورت حضرت فاطمه(علیهاالسلام) کنار زد، رقعه‌ای را دید که در آن نوشته شده بود:

به نام خداوند بخشندۀ مهربان، این [وصیتنامه‌ای] است که فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله به آن وصیت نموده است، و او گواهی می‌دهد که الهی جز الله نیست و اینکه محمد صلی الله علیه وآله بنده و فرستادۀ او است، و این‌که بهشت حق است و دوزخ حق است و رستاخیز فرا می‌رسد و هیچ شکی در آن نیست و خداوند آنان را که در قبور هستند بر می‌انگیزد. ای علی علیه السلام! من فاطمه دخت محمد صلی الله علیه وآله هستم خداوند

مرا به تزویج تو در آورده تا آنکه در دنیا و آخرت همسر تو باشم. تو از دیگران به من سزاوارتری، مرا شب حنوط کن و غسل بده و شبانه کفن کن و بر من نماز بگزار و شب مرا به خاک بسپار و هیچ کس را با خبر مکن! و تو را به خدا می‌سپارم. سلام مرا به فرزندانم تا روز قیامت برسان.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۲۱۴/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۵ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک هشتم

«الکلینی عن محمدبن یحیی عن العمرکی بن علی عن علی بن جعفر عن اخیه ابی الحسن علیه السلام قال: [انّ فاطمة علیها السلام صدیقة شهیدة]... »

کلینی از محمدبن یحیی از عمرکی بن علی از علی بن جعفر از برادرش حضرت امام اباالحسن موسی الکاظم علیه السلام نقل کرده که چنین فرمود: به درستی که فاطمه علیها السلام صدیقهٔ شهیده است .

**اسناد شیعه :**

۱- اصول کافی ۴۵۸/۱ [کلینی م. ۳۲۹]

۲- منتقی الجمان ۲۲۴/۱ [شیخ حسن صاحب المعالم م. ۱۰۱۱]

۳- مسائل علی بن جعفر /۳۲۵

۴- الحدائق الناظرة ۲۹۶/۳ [محقق بحرانی م. ۱۱۸۶]

## مدرک نهم

«فی زیارة سیدتنا فاطمة الزهراء عليها السلام: السلام علیك ایتها الصدیقة الشهیدة .»

در زیارت فاطمه زهرا عليها السلام آمده: سلام بر تو، ای صدیقهٔ شهیده .

**اسناد شیعه :**

۱- من لایحضره الفقیه ۵۷۳/۲ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- تهذیب الاحکام ۱۰/۶ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۳- مصباح المتهجد /۷۱۱ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۴- اقبال الاعمال ۱۶۴/۳ (طبع یک جلدی /۶۲۴-۶۲۵) [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۵- الجامع العباسی /۱۷۰ [شیخ بهائی م. ۱۰۳۱]

۶- بحارالانوار ۱۹۵/۹۷ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۷- الحدائق الناظرة ۴۲۹/۱۷ [محقق بحرانی م. ۱۱۸۶]

## مدرک دهم

«السلام علی البتولة الشهیدة ابنة نبی الرحمة»

سلام بر بتول شهیده، دختر پیامبر رحمت .

**اسناد شیعه :**

۱- المزار /۸۲ [شیخ مفید م.۴۱۳]

۲- المهذب ۲۷۷/۱ [قاضی ابن براج م. ۴۸۱]

۳- بحارالانوار ۱۹۸/۹۷ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک یازدهم

«السلام علیك ایتها البتول الشهیدة .»

سلام بر تو ای بتول شهیده .

**اسناد شیعه :**

۱- المزار /۱۷۹ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- بحارالانوار ۱۹۷/۹۷ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک دوازدهم

«قال النبی صلی الله علیه و آله... فتکون اول من یلحقنی من اهل بیتی فتقدم علی محزونة مکروبة مغمومة مغصوبة مقتولة ...»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ... و فاطمۀ زهرا علیها السلام اولین فرد از خاندانم است که به من ملحق می شود با حزن و غم و اندوه، در حالیکه به شهادت رسیده است ...

**اسناد شیعه :**

۱- الفضائل ابن شاذان /۱۰ [جبرئیل بن شاذان م. ۶۶۰]

۲- بشارة المصطفی /۲۰۰-۱۹۷ و(ط. مؤسسه نشر اسلامی) /۳۰۷ [محمد بن علی الطبری م. ۵۵۳]

۳- امالی صدوق (ط. مؤسسه بعثت)/۱۷۶و (ط. دیگر)/۹۹-۱۰۱ [شیخ صدوق م. ۵۵۳]

۴- بحارالانوار ۳۹/۲۸ و۶۲۰/۳۱ و۱۷۳/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۵- عوالم العلوم۳۹۲/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م.قرن۱۱]

۶- اللمعة البیضاء /۸۵۴ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۷- بیت الاحزان/۴۸ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک سیزدهم

«عن سلمان علیه سلام الله و عبدالله بن العباس: ...فلم تزل صاحبة فراش حتی ماتت من ذلك شهيدة.»

از سلمان (سلام خدا بر او باد) و عبدالله بن عباس نقل شده: ... سپس فاطمه علیها السلام پیوسته در بستر افتاده بود تا بر اثر آن (ضربات)، شهید از دنیا رفت.

**اسناد شیعه:**

۱- کتاب سلیم/۱۵۱ [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- احتجاج ۱۰۹/۱ [طبرسی م. ۵۶۰]

۳- بحارالانوار ۱۹۸/۴۳و۲۸/۲۷۱-۲۸۴ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- مجمع النورین/۸۲ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۵- بیت الاحزان /۱۱۶ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

۶- الانوارالعلویة /۲۸۷ [شیخ جعفر نقدی م. ۱۳۷۰]

## مدرک چهاردهم

«.ماتت شهيدةً»

... از دنیا رفت درحالیکه شهیده بود

**سند شیعه:**

بیت الاحزان /۲۷ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

**در منبع زیر نیز به کلمهٔ مقتوله اشاره شده است.**

المحتضر/۱۰۹ [شیخ عزالدین حلی م.قرن۸]

# دفاعیهٔ بیست و هشتم

در این دفاعیه **تغسیل و وداع فرزندان**

**فاطمهٔ زهراء** علیها السلام با مادر بیان شده است

## کفن پوشی آفتاب

گوش فرا دهید ای شمایان که به تماشای دفاعیاتم، تیغ چشم را آبدیده می‌کنید!

گوش فرا دهید ای همهٔ کسانی که به تماشای قربانیِ ولایت آمده‌اید!

گوش فرا دهید تا چه می‌گویم؟!

روزی که چراغ ظلمت، دشت مدینه را با عصاره‌ای از جوهر مرگ می‌آکَنَد، و دیگر هیچ مادری بر گهوارهٔ مولودی تازه، لالایی حیات نمی‌خواند، مرا پشت ویرانه‌های مدینه با شوی‌ام و فرزندانِ دل‌غمینم تنها بگذارید، که می‌خواهم مردی تنها بر جنازهٔ تنهاترین بانوی تاریخ بگرید.

من آن صبح راستینی بودم که به تازیانهٔ قوم بی‌مقدار، غروبی زود هنگام را برایم رقم زدند؛ و سیاهی امواج خوفناک جهل عربی، پرده‌های کبود بر آفتابم

کشید. پس من از هر چه جهالت است نفرت دارم و بیزارم و نمی‌خواهم که جز پاکان و صدیقان را گذاری بر مزارم افتد!

و من نه باز می‌گردم و نه می‌میرم؛ و قوم بی‌حیا می‌مانند و قافله‌های جهلشان که هر ساله، در کاروانسرای بنی‌امیه، با ابوجهلان اساطیری تاریخ، بیعتی تازه کنند.

من تا آمدن وکیلم نه باز می‌گردم و نه می‌میرم!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

تغسیل و آب ریختن اسما بنت عمیس

«و قالت اسماء: أوصت الی فاطمة علیها السلام ان لا یغسلها اذا ماتت الا انا و علی علیه‌السلام، فاعنت علیاً علی غسلها»

اسما می‌گوید: فاطمه علیهاالسلام به من وصیت فرمود که او را فقط من و علی علیه‌السلام غسل دهیم. پس من امیرالمؤمنین علیه‌السلام را در غسل دادن فاطمه علیهاالسلام کمک کردم.

**اسناد شیعه:**

۱- بحارالانوار۴۳/۱۸۴-۱۸۶ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۶ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک دوم

«سئل ابو عبدالله علیه السلام عن فاطمة علیها السلام مَن غسّلها ؟ فقال: غسّلها امیرالمؤمنین علیه السلام لانّها کانت صدیقة لم یکن لیغسلها الاّ صدیقٌ ...»

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که حضرت فاطمه علیها السلام را چه کسی غسل داد؟ حضرت فرمودند: فاطمه علیها السلام را امیرمؤمنان علیه السلام غسل دادند، زیرا که فاطمه، صدّیقه بود و صدّیقه را فقط صدّیق باید غسل دهد.

**اسناد شیعه :**

۱- مناقب ابن شهرآشوب ۳۶۴/۳ [ابن شهرآشوب م. ۵۸۸]

۲- بحارالانوار ۱۸۴/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مستدرک الوسائل ۱۸۵/۲ [میرزای نوری]

## مدرک سوم

وداع حسنین و زینبین علیهم السلام با مادرشان

«قال علی علیه السلام ... وکفنتها و ادرجتها فی اکفانها فلمّا هممت ان اعقد الرداء نادیتُ یا ام کلثوم یا زینب یا سکینة یا فضة یا حسن یا حسین هلمّوا تزوّدوا من اُمّکم فهذا الفراق واللّقاء فی الجنّة فاقبل الحسن والحسین علیهما السلام هما ینادیان وا حسرتا لا تنطفی ابداً من فقد جدّنا محمّد و اُمّنا فاطمة الزهراء ...»

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: ... فاطمه را کفن کردم، و پیش از آن‌که بند کفن را ببندم، صدا زدم: ای ام کلثوم، ای زینب، ای فضه، ای حسن، ای حسین، بیایید و از مادرتان بهره بگیرید که لحظه جدایی فرارسیده و دیدار در بهشت خواهد بود؛ حسنین جلو آمده و می‌گفتند: آه و افسوس همیشگی از فقدان جدّمان محمّد صلی الله علیه و آله و مادرمان فاطمهٔ زهرا علیها السلام ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۱۷۹/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۷ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک چهارم

تکلم حسنین علیهما السلام با مادرشان

«...یا اُم الحسن یا اُم الحسین اذا لقیت جدّنا محمداً المصطفی فاقرأیه منّا السلام و قولی له: انّا قد بقینا بعدك یتیمین فی دار الدنیا فقال امیرالمؤمنین علیه السلام أنی اشهدالله انها قد حَنَت و أَنَت و مَدَت یدیها و ضمّنهما الی صدرها ملیاً و اذاً بهاتف من السماء ینادی: یا اباالحسن ارفعهما عنها فلقد ابکیا والله ملائکة السماوات...»

امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌گفتند: ای مادر هنگامی‌که جدمان را ملاقات کردی، سلام ما را به او برسان! و به آن حضرت بگو

مبادا کسی دریابد در کدامین لحظه از تاریخ، پیکر عصمت خداوندگار، در زیر پردهٔ ستّار خاک، مدفون خواهد شد و مبادا آنکه کسی جز شب این راز را بنگرد!

ای خوش قامت دل افکارم، ای مولایم!

آن لحظه که تنها در بستر خاک، من باشم و تو و دنیایی از درد دل‌های نگفته، بغضم را خواهم گشود به نالهٔ حزینی که گوش خلقت را توان شنودنش نیست و تنها تو می‌دانی و تو، غم تنهایی من را!

ای خوش قامتِ کمر خمیده‌ام، ای شوی‌ام!

روزگاران خفیف است آنقدر که دیگر تاب نظر انداختن در آینهٔ خویش ندارد، و تنهایت می‌گذارم با این روزگار منحوس که نمکش حنظل بلاست و شهد باغچه‌اش، زهر هلاهلی بر مذاق اولیاست. تو را تنها می‌گذارم با این افلاک و چاره‌ای نیست از رفتن!

آه و افسوس که امیدی نیست برای ماندن!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«و فی روایة روضة الواعظین قال: فلمّا ان هدأت العیون و مضی شطرٌ من اللیل اخرجها علی والحسن والحسین علیهم السلام و عمار و المقداد وعقیل و ابوذر و سلمان صلّوا علیها و دفنوها فی جوف اللیل...»

پس هنگامی که مقداری از شب گذشت و چشم‌ها به خواب رفت، حضرت علی و حسن و حسین علیهم‌السلام و عمار و مقداد و عقیل و ابـوذر و سلمان، پیکر مطهر حضرت فاطمه علیهاالسلام را بیرون آوردند و بر آن نمـاز خوانده و در تاریکی شب به خاک سپردند.

**سند شیعه :**

بیت الاحزان(ط. فدک قم)۱۹۸/ [شیخ عباس قمی م. ۱۳۵۹]

## مدرک چهارم

«و فی روایة: فلمّا قضت نحبها صلی الله علیها و هم فی ذلک فی جوف اللیل أخذ علی علیه‌السلام فی جهازها من ساعته کما أوصته فلمّا فرغ من جهازها اخرج علی علیه‌السلام الجنازة و اشعل النار فی جرید النخل و مشی مع الجنازة بالنار حتی صلّی علیها و دفنها لیلاً...»

در روایتی آمده: بعد از آنکه حضرت زهرا علیهاالسلام شهید شدند، طبق وصیت آن حضرت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام شبانه مشغول غسل وکفن و دفن او شد، بعد از تکمیل غسل و کفن، جنازه را از خانه بیرون آورد و چند شاخه از درخت خرما را آتش زده و جلوی جنازه حرکت داد تا اینکه بر او نماز خوانده و شبانه دفن کرد ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار۲۰۴/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- فاطمة بهجة قلب المصطفی۵۸۴/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک سوم

«روی انه لمّا صار بها الی القبر المبارک خرجت یدٌ فتناولها وانصرف...»

روایت شده: هنگامی که بدن حضرت زهرا علیهاالسلام سرازیر قبر مبارک شد، دستی بیرون آمد و حضرت را گرفته و برگشت ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۱۸۴/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۸۴/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک چهارم

«سئل امیرالمؤمنین علیه‌السلام عن علة دفنه لفاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله لیلاً؟ فقال: انها کانت ساخطة علی قوم کرهت حضورهم جنازتها و حرام علی من یتولاهم ان یصلی علی احدٍ من وُلدها»

صدوق با ذکر سند روایت می کند که از امیرمؤمنان علیه‌السلام دربارهٔ علت دفن شبانه حضرت زهرا علیهاالسلام سؤال شد. فرمود: آن حضرت از عدّه‌ای که بر آنان خشمناک بود رضایت نداشت که بر جنازه‌اش حاضر شوند و بر او نماز بخوانند، و همچنین بر کسانی که آنان را پذیرفته و حکومتشان را قبول دارند حرام است که بر فرزندان فاطمه علیهاالسلام نماز بخوانند .

**اسناد شیعه :**

۱- امالی صدوق(ط. مؤسسة البعثة) /۷۵۵ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بحارالانوار ۶۲۰/۳۱ و۲۰۹/۴۳ و۳۸۷/۷۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- عوالم العلوم ۲۸۴/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن۱۱]

۴- مستدرک الوسائل ۲۸۹/۲ [میرزا حسین نوری طبرسی م. ۱۳۲۳۰]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۴۸/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک پنجم

«...ثم قالت اوصیك ... وادفنی فی اللیل اذا هدأت العیون و نامت الابصار...»

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: تو را وصیت می‌کنم ... و مرا شبانه، در آن هنگام که دیده‌ها به خواب رفت، و چشم‌ها بسته شد دفن کن ...

**اسناد شیعه :**

۱- روضة الواعظین /۱۵۱ [ابوعلی الفتال النیشابوری م. ۵۰۸]

۲- بحار الانوار ۱۹۲/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مجمع النورین/ ۱۵۰ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۴- بیت الاحزان(ط. مکتبة الفدک)/ ۱۹۲ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۵۱/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک ششم

از امام حسین علیه‌السلام ...

«فلما حضرتها الوفاة وصّت امیرالمؤمنین یتولی امرها و یدفنها لیلاً ...»

... حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظات آخر عمر مبارکشان به امیرمؤمنان علیه‌السلام وصیت فرمودند: که عهده دار امر ایشان باشند و او را شبانه به خاک بسپارند و ...

**اسناد شیعه :**

۱- الاستغاثة ۱۱/۱ [ابوالقاسم الکوفی م. ۳۵۲]

۲- شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار(ط. مؤسسة نشر اسلامی)۷۰/۳ [قاضی نعمان مغربی م. ۳۶۳]

۳- حدیث نحن معاشرالانبیاء شیخ مفید(ط. دارالمفید بیروت)/۲۸(مع اختلاف یسیر) [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۴- امالی شیخ مفید(ناشر: جامعة المدرسین قم)/۲۸۱ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۵- امالی طوسی/۱۰۹ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۶- بشارة المصطفی(ناشر: مؤسسه نشر اسلامی)/۳۹۶ [محمدبن علی الطبری م. ۵۵۳]

۷- بحارالانوار ۲۱۱/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک هفتم

﴿فلمّا توفّیت دفنها زوجها علی لیلاً و لم یؤذن بها ابابکر و صلّی علیها ...﴾

هنگامی‌که فاطمه علیهاالسلام از دنیا رفت، علی وی را شبانه دفن نمود و به ابوبکر خبر نداد و خودش بر جنازهٔ او نماز گزارد ...

**اسناد شیعه :**

۱- شرح اصول کافی۴۰۵/۷ [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۲- مناقب آل ابی طالب (ط. مطبعة الحیدریة فی النجف)۱۳۷/۳ [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۳- العمدة(ط. مؤسسه نشر اسلامی قم)/۳۹۰-۳۹۱ [ابن البطریق حلی م. ۶۰۰]

۴- الطرائف/۲۵۸ [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۵- کتاب الاربعین فی امامة الائمة الطاهرین/۵۲۲ [محمد طاهر قمی شیرازی م. ۱۰۹۸]

۶- بحارالانوار۳۱۲/۲۸ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

**اسناد اهل سنت :**

۱- صحیح بخاری /ح۳۹۱۳ [بخاری م. ۲۵۶]

۲- صحیح مسلم (به همین مضمون) /ح۳۳۰۴ [مسلم م. ۲۶۱]

۳- السقیفة وفدک(ط. شرکة الکتبی بیروت)/۱۰۷ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۴- البدایة و النهایة(ط. داراحیاء التراث العربی)۳۰۷/۵ [ابن کثیر م.۷۷۴]

## مدرک هشتم

«... دفنها علی لیلاً و لم یؤذن بها ابابکر»

... علی علیه‌السلام، فاطمه علیهاالسلام را شبانه به خاک سپرد و ابوبکر را مطلع نکرد ...

**سند اهل سنت :**

تاریخ طبری ۴۴۸/۲- ۳۴۸ و (ط. آخر تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم)۲۰۸/۳ [طبری م. ۳۱۰]

## مدارک دیگر

دفن شبانه در منابع زیر، نیز ذکر شده است.

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص /۱۸۴- ۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- تلخیص الشافی(ط. مکتبة العلمین)۱۵۰/۳ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۳- کشف الغمة فی معرفة الائمة ۱۲۸/۲ [ابی الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۳- بحار الانوار ۱۹۳/۴۳و۱۹۳/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- وفاة الصدیقة الزهراء /۷۵ [عبدالرزاق المقرم م. ۱۴۰۳]

۵- فاطمة بهجة قلب المصطفی(ترجمه) /۷۷۱ [رحمانی همدانی]

۶- مأساة الزهراء۲/ ۶۴ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۷- المجالس السنیة فی مناقب و مصائب القرة النبویة۲ /۱۲۳

## اسناد اهل سنت :

۱- المصنف ۵۲۱/۳ [ابن ابی شیبة م. ۲۳۵]

۲- تاریخ المدینة ۱۹۷/۱ [نمیری م. ۲۶۲]

۳- الانساب الاشراف ۳۴/۲ [بلاذری م. ۲۷۹]

۴- مشکل الآثار ۴۷/۱- ۴۸ [طحاوی م. ۳۲۱]

۵- السقیفة و فدک/۱۰۴-۱۰۷ [ابوبکر جوهری م. ۳۲۳]

۶- مستدرک علی الصحیحین ۱۶۲/۳ [حاکم نیشابوری م. ۴۰۵]

۷- شرح نهج البلاغه ۲۱۷/۱۶-۲۱۸-۲۱۴ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

۸- سنن الکبری ۳۰۰/۶ [بیهقی م. ۴۵۸]

۹- الاستیعاب ۱۸۹۸/۴ [نمری م.۴۶۳]

۱۰- جامع الاصول ۴۸۲/۴ [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۱۱- تهذیب الاسماء۳۵۳/۲ [النووی م.۶۷۶]

۱۲- البدایة والنهایة(ط. داراحیاء التراث بیروت)۳۰۷/۵ [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۱۳- الثغورالباسمة /۱۵ [سیوطی م. ۹۱۱]

۱۴- تفسیرالوصول الی جامع الاصول(چاپ مصر)۴۶/۲ [شیبانی م. ۹۴۴]

۱۵- کنزالعمال۶۸۷/۱۳ [متقی هندی م. ۹۷۵]

۱۶- تاریخ الصحابة /۲۰۸ [البستی]

۱۷- مختلف الحدیث /۳۰۰

# دفاعیّه سی ام

در این دفاعیه اسناد **مجهول بودن قبر** آن‌حضرت ذکر شده است

## آفتاب پنهانی

ای خوش قامت من، ای شاه مردان،

از تو می‌خواهم که نشانی از آرام‌خانهٔ دختر عصمت خدا بر خاک کفرآلود مدینه نباشد و تنها تو بدانی که راز دلت را شبانگاهان، در کجای این برهوت دیانت، بر زمین نازل کنی!

آفتاب این اقلیم، تنها آتش بی‌دریغ است و هیچ چیزی جز سوختهٔ انسانیت در زیر تابش آن نمی‌روید و من نمی‌خواهم که مزارم معلوم بر اقوامی شود که مدت‌هاست فاتحهٔ انسانیت را خوانده‌اند و می‌ترسم از عذاب خداوند بر این قوم جاهل پیشه!

من هرچه انذارشان دادم، هرچه گفتم و سوختم، اما آتش من در ایشان نگرفت، پس نمی‌خواهم که آتش کفرشان در کروبیان آسمانی که زائران مزارم هستند، اثر کند.

و دیگر نمی‌خواهم که روی مسخ شدهٔ آنان را بر فرش خاک آلود مزارم ببینم تا آن زمان که وکیلم سر بر کند!

آن زمان است که غوغایی هراسناک، خواب غفلتشان را درهم خواهد شکست و خواهم دید که دیگر تاب نگاه در چشمان تو را نخواهند داشت.

ای خوش قامت من، ای شحنهٔ دیانت،

می‌بینمت در آن قیام عظیم که پیش قراولش، وکیل مدافعم خواهد شد؛ و می‌نازم به ناز شمشیر کلامش که چه قیامتی بر پا خواهد نمود در دفاع از دخت رسول!

می‌بینمت در آن واقعهٔ عظیم!

## مستندات این دفاعیّه

### مدرک اول

«لما قبضت فاطمة دفنها امیرالمؤمنین سِراً و عفا علی موضع قبرها ...»

آنگاه که حضرت زهرا علیهاالسلام شهید شدند، حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام ایشان را پنهانی دفن نمود و آثار محل قبر او را محو فرمود ...

**سند شیعه :**

اصول کافی ۴۵۸/۱ [کلینی م. ۳۲۹]

## مدرک دوم

«فلما حضرتها الوفاة وصت امير المؤمنين عليه السلام يتولّى امرها و يدفنها ليلاً و يعفى قبرها فتولّى ذلك امير المؤمنين عليه السلام و دفنها و عفى موضع قبرها ...»

حضرت فاطمه علیها السلام به امیرمؤمنان علیه السلام وصیت فرمود: ... خودش امر کفن و دفنش را بر عهده گیرد و او را شب هنگام، دفن کند و قبرش را پوشیده دارد. پس امیرمؤمنان علیه السلام، فاطمه علیها السلام را تجهیز و دفن کرد و جای قبرش را پنهان نمود.

**اسناد شیعه:**

۱- الاستغاثة ۱۱/۱ [ابوالقاسم الکوفی م.۳۵۲]

۲- شرح الاخبار فی فضائل ائمه اطهار ۷۰/۳ [قاضی نعمان مغربی م. ۳۶۳]

۳- امالی مفید/۱۷۲-۱۷۳ و(ط. جامعه مدرسین/۲۸۱) [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۴- امالی طوسی/۱۰۹ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۵- بشارة المصطفی/۳۹۶ [محمدبن علی الطبری م. ۵۵۳]

۶- بحارالانوار ۲۱۱/۴۳ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۷ - مجمع النورین/۱۵۶ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۸ - مأساة الزهراء ۱۷۲/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک سوم

«فلما قبضت صلوات الله عليها دفنها ليلاً فى بيتها ... قالا (ابوبكر و عمر) فما حملك على ان دفنتها و لم تعلمنا بموتها؟ قال (عليه السلام) هى امرتنى...»

پس هنگامی‌که آن حضرت علیها السلام، وفات یافت، حضرت علی علیه السلام، شبانه در خانه‌اش دفن نمود ... ابی‌بکر و عمر گفتند: چه چیز تو را بر آن

داشت که او را دفن کنی و ما را بر از دنیا رفتن او آگاه نکنی؟ حضرت علی علیه‌السلام فرمود: او (فاطمه علیهاالسلام) به من چنین امر فرمود.

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص۱۸۳-۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- بحار الانوار ۱۹۳/۳۰و۱۹۳/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- مأساة الزهراء۶۴/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک چهارم

«... فعمل امیرالمؤمنین بوصیتها و لم یعلم احداً بها فاصنع فی البقیع لیلة دفنت فاطمة علیها السلام اربعون قبراً جدداً...»

پس امیرمؤمنان علیه‌السلام به وصیت ایشان عمل کرد و به احدی اعلام نکرد. پس در بقیع در همان شبی که حضرت فاطمه علیهاالسلام دفن شد، صورت چهل قبر تازه ساخته شد.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۴۹/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مجمع النورین/۱۴۷ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

## مدرک پنجم

«و روی الشیخ ابوجعفر الطوسی رحمه الله ان امیرالمؤمنین لمّا دفن فاطمة علیها السلام و عفی موضع قبرها و نفض یده من تراب القبر هاج به الحزن فأرسل

دموعه علی خدیه و حوّل وجهه الی قبر رسول الله صلی الله علیه و آله ... أمّا حزنی فسرمدٌ و أمّا لیلی فمسهد ... وستنبئك ابنتك بتظافر امتك علی و هضمها حقّها ...»

شیخ طوسی روایت کرده: هنگامی که امیرمؤمنان علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیهاالسلام را به خاک سپرد و محل قبر را مخفی نمود، غم و اندوه بر او روی آورده، اشک‌هایش برگونه‌هایش جاری شد و صورتش را به طرف قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برگردانیده و فرمود: ... حزن و اندوهم همیشگی و شب‌هایم به بیداری سپری می‌شود ... به زودی دخترت فاطمه علیهاالسلام به شما خبر می‌دهد که امتت علیه من، دست به دست هم داده و حق او را از بین بردند ...

**اسناد شیعه :**

۱- بیت الاحزان(ط. فدک قم)/۱۹۸ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۲- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۸۴/۲ [رحمانی همدانی]

## مدرک ششم

«... فضج الناس و لام بعضهم بعضاً ... و لم تحضروا وفاتها و لا دفنها و لا الصلاة علیها بل و لم تعرفوا قبرها ...»

روایت شده به محض انتشار خبر دفن حضرت زهرا علیهاالسلام، مردم ناله و فریاد سر دادند و همدیگر را سرزنش کردند ... و به یکدیگر گفتند:

در تشییع او و دفن او حاضر نبودید و بر او نماز نگذاردید و هیچ‌کدام قبرش را نمی‌شناسید ...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری/۱۷۹ [الخصیبی م.۳۳۴]

۲- دلائل الامامة /۱۳۶ [ابوجعفر محمد بن جریرالطبری الامامی م. قرن۴]

۳- بحارالانوار ۳۰/۳۴۹-۳۵۰ و۴۳/۱۷۱ (مع اختلاف یسیر)[علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- ضیاءالعالمین ۲/۹۳-۹۴ [الفتونی م. ۱۱۳۸]

۵- اللمعة البیضاء/۸۵۲ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۶- مجمع النورین/۱۴۷-۱۴۸ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۷- بیت الاحزان/۱۸۵ (ط. دارالحکمة) [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدارک دیگر

اسناد دیگری که در آنها به مسألهٔ قبر مجهول اشاره شده است:

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع ۱/۱۸۵-۱۸۹ (یستفاد من روایة صفحه ۲۴۷) [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- امالی طوسی /۱۰۷ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۳- روضة الواعظین ۱/۱۵۲ [ابوعلی الفتال النیشابوری م. ۵۰۸]

۴- کشف الغمة فی معرفة الائمة(ط. شریعة قم) ۱/۴۷۲ [ابی الفتح الاربلی م.۶۹۳]

۵- وسائل الشیعة ۲/۵۳۴ و ۳/۷۹ [حر عاملی م. ۱۱۰۴]

۶- بحارالانوار ۳۰/۳۴۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک هفتم

﴿... فقال ابوبکر: هاتوا من ثقات المسلمین من ینبش هذه القبور حتی تجدوا قبرها فنصلی علیها ...﴾

... ابوبکر گفت: افراد مطمئن بروند و این قبرها را نبش کنند و قبرش (قبر فاطمه علیهاالسلام) را بیابند تا بر او نماز بخوانیم ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۵۰/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مجمع النورین/۱۴۸ [ابوالحسن المرندی م. ۱۳۴۹]

۳- مأساة الزهراء۴۹/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک هشتم

﴿فقال عمر(لعلی علیه‌السلام) : دع عنك هذه الهمهمة انا امضی الی المقابر فأنبشها حتی اصلّی علیها ...﴾

عمر به علی علیه‌السلام گفت :

این سر و صداها را کنار بگذار. من می‌روم به سوی مقابر، پس قبر او را (حضرت فاطمه علیهاالسلام) نبش می‌کنم تا بر او نماز بخوانم ...

**اسناد شیعه :**

۱- علل الشرایع۱۸۸/۱ و(ط. شریعة)/۲۴۷ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۲- بحارالانوار ۲۰۵/۴۳ [علامه مجلسی م.۱۱۱۰]

۳- اللمعة البیضاة/۸۷۷ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۴- بیت الاحزان(ط. فدک قم .عربی) /۲۰۲ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## مدرک نهم

﴿قال عمر: والله لقد هممت بنبشها و الصلاة علیها : فقال [علی علیه‌السلام ] : أما و الله مادام قلبی بین جوانحی و ذوالفقار فی یدی فانك لاتصل الی نبشها ، فأنت أعلم﴾

عمر گفت: به خدا قسم نبش قبر می‌کنم و بر بدن فاطمه [علیهاالسلام] نماز می‌خوانم. سپس امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: بدان به خدا قسم، مادامی که زنده‌ام و ذوالفقار در دستم می‌باشد تو نخواهی توانست که نبش قبر کنی و این مطلب را خودت بهتر می دانی...

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص /۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- دلائل الامامة/۱۳۷ [ابوجعفر محمد بن جریرالطبری الامامی م. قرن ۴]

۳- بحارالانوار ۱۹۳/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۴- اللمعة البیضاء [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۵- مأساة الزهراء۶۴/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدارک دیگر

به اسناد زیر، نیز رجوع شود :

**اسناد شیعه :**

۱- تقریب المعارف /۲۵۱-۲۵۴ [ابوالصلاح حلبی م. ۴۴۷]

۲- دلائل الامامة /۴۴ و(ط.بعثت قم)/۱۳۶ [ابوجعفر محمد طبری م. قرن ۴]

۳- کشف الغمة فی معرفة الائمة۵۰۴/۱ [ابی الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۴- شرح احقاق الحق۱۹/ ۱۷۱(مع تعلیقة السید المرعشی)۱۷۱ [حاج نورالله تستری م. ۱۰۲۰]

۵- بحارالانوار ۱۹۳/۲۹و۳۴۸/۳۰-۳۵۰و۲۰۵/۴۳-۲۱۲-۱۷۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- عوالم العلوم ۵۰۱/۱۱- ۵۲۵ [شیخ عبدالله البحرانی م. قرن۱۱]

۷- الانوار العلویة /۳۰۵ [شیخ جعفر نقدی م.۱۳۷۰]

۸- عیون المعجزات/۴۸ (ط. مطبعة الحیدریة النجف) [حسین بن عبدالوهاب م. قرن۵]

۹- اللمعة البیضاء/۸۵۲ [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۱۰- بیت الاحزان(ط. دارالحکمة قم)/۱۸۵ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة

# فصل پنجم

این بخش به شرح اسناد و
مدارک موجود در خصوص
شهادت حضرت محسن علیه السلام و
همچنین خطبهٔ پایانی حضرت
زهرا سلام الله علیها در دادگاه و در حضور
وجدان های پاک خلایق می پردازد.

فاطمه سلام الله علیها

در ایـن بخش به تحقیقی در پیرامون اسناد
مربـوط به **شهادت حضرت محسن**علیه‌السلام
پرداخته شده است

## نوگل گلعذارم

من آهنگِ آشنای قلب نوگلی را می‌شنیدم که در لابه‌لای لگدهای بی‌رحمانهٔ بی‌رحمان، نوای هَلّ مِنّ ناصِرِ ناسرودهٔ حسین را پاسخی کودکانه می‌گفت. در آن هیاهو، هق هق ضعیف گریه‌ای از درون، محزون‌تر از غروبم می‌نمود که دستِ بریدهٔ برادرش را افسوس می‌خورد.

آه، پاسخ این ناله‌ها را نمی‌توانم داد که خود دردمندتر از همیشهٔ روزگارم.

اما لحظه‌ای سکوت می‌خواهم!

گویا آرام آرام نوای حزن درونم، یا هق هق نو پا محسنم، رو به سکوت می‌گذارد!

این سکوت است یا خواب نیم شبان؟ نمی‌دانم!

آیا این آرامشِ پس از عقده گشایی است یا خواب ابرهای تنومند پس از غرشِ رعد؟ اما چرا در این میان، نوای دل انگیز قلبش، بی‌تپش‌تر از همیشه غزل می‌سراید؟ نکند محسنم نیامده عزم رفتن دارد؟

آه، می‌ترسم از داغی که بر صفحهٔ تقدیر نوشته‌اند. آه خداوندا، به این داغ امتحانم مکن که فاطمه‌ات شکسته‌تر از آن است که به طوفانی، اینچنین بر هم زنی‌اش!

کجایی ای نوگل گلعذار من، ای محسن من، که ندیده دنیا را، طلاقش دادی مانند بزرگ پدرت؟ کجایی ای نوش خنده‌ات، آبادی باغچهٔ لبریز از غم و تنهایی من؟ کجایی که عزم وکالتم کنی در این بیغوله دادگاه تاریخ؟ کجا رفتی که نیامده، اندوهت کمرم را شکست؟

تنهاترم مگذار ای امید کوچک سپاهم و ای شیرینم!

## مدرک اول

«و قال الشیخ طوسی: و المشهور الذی لا خلاف فیه بین الشیعة انّ عمر ضرب علی بطنها حتی اسقطت، فسمّی السقط محسناً. والروایة بذلك مشهورة عندهم.»

شیخ طوسی: مشهور میان شیعه چنان که احدی دربارهٔ آن اختلاف ندارد، این است که عمر، به شکم فاطمه علیها السلام زد تا بچه‌اش را سقط کرد. فرزند سقط شده، محسن علیه السلام نام داشت؛ روایت این حادثه نزدشان مشهور است .

**اسناد شیعه :**

۱- تلخیص الشافی(ط. مکتبة العلمین) ۱۵۶/۳-۱۵۷ [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۲- مأساة الزهراء ۱۳۶/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک دوم

قال النبی صلی الله علیه وآله:

«...امّا ابنتی فاطمة فانها سیدة نساء العالمین من الاولین و الآخرین ...و کسرت جنبها و اسقطت جنینها ...فأقول عند ذلك اللهم العن من ظلمها... و خلّد فی نارك مَن ضرب جنبیها حتی القت ولدها ...»

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

... اما دخترم فاطمه علیها السلام ، پس به درستی که او سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین است ... و شکسته می‌شود پهلویش و سقط مـی‌شـود

جنینش ... پس من می‌گویم: ای خدا! لعنت کن کسی را که به او ظلم کرده ... و مخلّد کن در آتش، آن کس را که به دو پهلویش ضربه زده و باعث شده که فرزندش سقط گردد...

## اسناد شیعه :

۱- الفضائل لابن شاذان/۸ [جبرئیل بن شاذان م. ۶۶۰]

۲- امالی الصدوق /۱۰۱- ۹۹ و (ط. مؤسسة البعثة)/۱۷۶ [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۳- بشارة المصطفی/۱۹۷و (ط. مؤسسه نشراسلامی)/۳۰۷ [محمدبن علی الطبری م. ۵۵۳]

۴- المحتضر/۱۱۰ [شیخ عزالدین حلی م. قرن ۸]

۵- بحارالانوار ۲۸/- ۳۸- ۳۹ و ۴۳/ ۱۷۲- ۱۷۳ و ۶۲۰/۳۱ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۶- العوالم العلوم ۳۹۱/۱۱ [شیخ عبدالله البحرانی م. قرن ۱۱]

## سند اهل سنت :

فرائدالسمطین ۲/۳۵-۳۴ [جوینی م.۷۳۰]

## مدرک سوم

﴿قال علی علیه‌السلام : . . . و جنین اسقطوه ...﴾

در دعای قنوت، حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرمودند: ... و جنینی که سقط کردند...

## سند شیعه :

بحارالانوار ۲۶۱/۸۲ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

## مدرک چهارم

«...و رکل الباب برجله فردّه عَلَی و انا حامل ... وجاءنی المخاض فاسقطت محسنا قتیلاً بغیر جرم...»

[در روایت دیلمی از حضرت زهرا علیهاالسلام ]

... و عُمَر با پایش به در کوبیده و آن را به طرف من راند در حالیکه من باردار بودم ... درد زایمان گرفتم، پس محسنم را سقط کردم در حالیکه بدون جرم کشته شد ...

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۳۴۹/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مأساة الزهراء۱۴۱/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک پنجم

عن الامام الباقر علیه‌السلام : ...

«و حملت بمحسن فلمّا قبض رسول الله و جری ماجری فی یوم دخول القوم علیها دارها و اخرج ابن عمّها امیرالمؤمنین علیه‌السلام وما لحقها من الرجل (عمر) أسقطت به ولداً تماماً ...»

امام باقر علیه‌السلام :

فاطمه علیهاالسلام به محسن علیه‌السلام باردار شد. پس هنگامی‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رحلت کرد و حوادثی در جریان ورود این قوم به خانهٔ حضرت

زهرا علیهاالسلام اتفاق افتاد و پسر عمویش، امیرالمومنین علیه‌السلام از خانه بیرون برده شد و در اثر آنچه از آن مرد (عمر)، به او رسید، یک بچهٔ کامل را سقط کرد ...

**اسناد شیعه :**

۱- دلائل الامامة /۲۷-۲۶ [ابوجعفر محمد طبری م. قرن ۴]

۲- عوالم العلوم ۵۰۴/۱۱ [شیخ عبدالله بحرانی م.قرن۱۱]

۳- مأساة الزهراء۱۴۲/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک ششم

«... وقتل محسن بالرفسة اعظم و ادهی و امر ...»

امام صادق علیه‌السلام: ... و قتل محسن علیه‌السلام با زدن لگد به شکم مادرش، بزرگتر و ناگوارتر و تلخ‌تر است (از مصیبت کربلا)...

**اسناد شیعه :**

۱- الهدایة الکبری /۴۱۷ [خصیبی م. ۳۳۴]

۲- مأساة الزهراء ۱۴۱/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

۳- فاطمة بهجة قلب المصطفی ۵۳۲/۲ (به نقل از نوائب الدهور)/۱۹۴ [رحمانی همدانی]

## مدرک هفتم

«عن عبدالله بن سنان عن الامام صادق علیه‌السلام قال: ...فرفسها برجله و کانت علیها السلام حاملة بابن اسمه المحسن فاسقطت المحسن من بطنها ...»

از عبدالله بن سنان نقل شده که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ...[عمر] با پایش به شکم حضرت زهرا علیهاالسلام زد در حالیکه ایشان، به فرزند پسری به نام محسن علیه‌السلام باردار بود و در اثر همین لگد حضرت محسن علیه‌السلام سقط شد.

**اسناد شیعه :**

۱- الاختصاص /۱۸۵ [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۲- بحارالانوار ۱۹۲/۲۹ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۳- وفاة الصدیقة الزهراء/۷۸ [عبدالرزاق المقرم م. ۱۴۰۳]

۴- مأساة الزهراء۱۳۴/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک هشتم

«واشتدّ بها المخاض و دخلت البیت فاسقطت سقطاً سمّاه علی[علیه‌السلام] محسناً...»

نامه عمر به معاویه :

... درد زایمان بر او سخت شده و من وارد خانه شدم جنینی سقط کرد که علی علیه‌السلام او را محسن علیه‌السلام نامیده بود.

**اسناد شیعه :**

۱- بحارالانوار ۲۹۴/۳۰ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲- مأساة الزهراء ۱۴۰/۲ [سید جعفر مرتضی عاملی]

## مدرک نهم

«وضغطوا سیدة النساء بالباب حتی اسقطت محسناً ...»

(آنان در هجوم به خانه فاطمه علیها السلام) ، سیدهٔ زنان را پشت درب چنان فشار دادند که محسن علیه السلام را سقط کرد.

**سند اهل سنت :**

اثبات الوصیة/۱۴۲ [مسعودی م. ۳۴۶]

## مدرک دهم

«انّ عمر ضرب بطن فاطمة یوم البیعة حتی القت الجنین من بطنها ...»

عمر در روز بیعت، چنان ضربه‌ای به شکم فاطمه زد که فاطمه، جنین خود را سقط نمود.

**سند اهل سنت :**

الملل و النحل(مکتبة الانجلو المصریة) ۵۹/۱ [شهرستانی م. ۵۴۸]

## مدرک یازدهم

«ان عمر رفس فاطمة حتی اسقطت بمحسن ...»

بدون شک عمر چنان لگدی به فاطمه زد که محسن را سقط کرد.

**سند اهل سنت :**

میزان الاعتدال ۱۳۹/۱ [ذهبی م. ۷۴۸]

## مدرک دوازدهم

«ان عمر ضرب بطن فاطمة یوم البیعة حتی القت المحسن ...»

بدون شک عمر در روز بیعت چنان بر شکم فاطمه زد که محسن را سقط نمود.

**سند اهل سنت :**

الوافی بالوفیات۶/۱۷ [صفدی م. ۷۶۴]

## مدرک سیزدهم

«ان هبار بن الاسود روّع زینب بنت رسول الله صلی الله علیه وآله بالرمح و هی فی الهودج و کانت حامل فلما رجعت طرحت ما فی بطنها ... فلذلك اباح رسول الله صلی الله علیه وآله یوم فتح مکّه دم هبار بن الاسود[۱]

قال ابن ابی الحدید: وهذا الخبر ایضاً قرأته علی النقیب ابی جعفر رحمه الله فقال اذا کان رسول الله صلی الله علیه وآله اباح دم هبّار بن الاسود لانّه روّع زینب فألقت ذابطنها فظهر الحال انه لو کان حیاً لاباح دم من روع فاطمة حتی ألقت ذا بطنها...»

هبّاربن اسود با نیزه، زینب دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را ترساند در حالیکه حامله بوده و در محمل [روی مرکب] قرارداشت. پس هنگامی که [از سفر] بازگشت، بچه‌ای که در شکمش داشت سقط شد. برای

---

۱- سیرة ابن هشام ۲/۲۹۸-۲۹۹

همین، رسول خدا[صلی الله علیه و آله] در روز فتح مکه، خون هباربن اسود را مباح کردند.

ابن ابی الحدید می‌گوید: این خبر را نیز برای [استادم] نقیب ابی جعفر قرائت کردم. پس او گفت: اگر پیامبر[صلی الله علیه و آله]خون هبار ابن اسود را مباح کردند، چرا که زینب را ترسانده تا اینکه بچه‌اش را سقط نموده، پس روشن می‌شود که اگر پیامبر[صلی الله علیه و آله] زنده بود، خون کسی که فاطمه[علیها السلام] را ترساند تا فرزندش را سقط کند نیز مباح می‌کرد.

## سند اهل سنت :

شرح نهج البلاغة ۳۱۹/۱۴ [ابن ابی الحدید معتزلی م. ۶۵۶]

## مدارک دیگر:

به اسناد زیر نیز رجوع شود:

## اسناد شیعه :

۱- کتاب سلیم/۱۵۳(تحقیق محمد باقر انصاری) [سلیم بن قیس هلالی م. ۹۰]

۲- الهدایة الکبری/۴۰۲ [خصیبی م.۳۳۴]

۳- دلائل الامامة/۱۳۴ [ابوجعفر محمد بن جریرالطبری الامامی م. قرن۴]

۴- الاحتجاج ۴۱۴/۱ -۱۰۹ [طبرسی م. ۵۶۰]

۵- حلیة الابرار ۶۷۲/۲ [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۶- مرآه العقول ۳۲۱/۵ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۷- بحارالانوار ۲۸۳/۲۸ و۶۴۵/۳۱ و ۱۷۰/۴۳-۱۹۷-۱۹۸ و۸۳/۴۴ و۱۴/۵۳- ۱۹-۲۲ [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۸- عوالم العلوم ۴۴۱/۱۱-۴۴۳-۵۰۴ [شیخ عبدالله بحرانی م. قرن ۱۱]

۹- مجمع النورین/۹۹ [ابوالحسن مرندی م. ۱۳۴۹]

۱۰- مأساة الزهراء۱۰۴/۲-۲۹۸ و۱۳۲الی۱۴۳[سید جعفر مرتضی عاملی]

۱۱- بیت الاحزان/۱۱۵ [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

## پایان دفاعیات

و اینگونه بود شرح دفاعیات من، دختر رسول خدا، که بی‌دفاع‌ترین بانوی تاریخ است. و شنیدید چکه چکه‌های خون جهان‌گیرم را و شرحه شرحه واقعه‌ای که حقیقت زمان از آن معنا می‌یابد.

هم‌اکنون کجاوه‌ای از آن سوی زمان و جهان می‌آید تا بر آن بنشینم و نظاره کنم دور شدن این سرزمین کبود را از خویشتن خویش و فاصله می‌گیرم از دنیا و اهلش؛ و آماده‌ام از اعماق وجود تا مشروح و آشکار بنگرم قضاوت شمایان را ای جماعت منصفه و ای کسانی که حجتم را شنیدید و اندیشه‌ام را دریافتید! دیگر روزگار از سکوت روح من لبریز است و از خاموشی نوای من سرشار. و به غیر از افسون افسار اسب حیدری، هرچه خوشی در این جهان است،

برادهٔ افیونی است که رنگ می‌زند کلاغ شوم طبیعت را و بی‌درنگ به پیکر طاووسی نمایانش می‌کند.

چگونه است و چرا اینگونه کرده‌اند دنیا را که نقارهٔ لعنت‌های ساکنانش، مقدس‌ترین ترنم صبحگاهی است و ضجه‌های مظلومان آن، شادی بخش‌ترین آیه‌های کتابش!

آه و افسوس و دریغا که هنوز وکیل مدافعم نیامده تا تسلیمش کنم مسند دفاعیات پاک‌ترین بانوی تاریخ را!

افسوس و دریغا که هنوز تنهایم در این محکمهٔ بی‌هنگام و این جایگاه فاجعه‌آمیز وجدان!

اما یقین بدانید که خواهد آمد و یک‌تنه بار عظیم دفاع از فاطمه را بر دوش خواهد کشید و با خود خواهد آورد اسناد حقیقی سقیفه را.

من به امید آن لحظهٔ تابناک آسمانی، لحظه شماری می‌کنم ثانیه‌ها را و به دوش می‌کشم سلسلهٔ منحوس خاطره‌ها را!

من بر آن کجاوه‌ای که از فراسوی زمان و مکان به استقبالم آمده است، می‌نشینم و رفتن این خانه را لحظه لحظه می‌شمارم و به چشمی بازتر از خورشید می‌خوانم نام و نشان شما را بر مهر و موم تصمیم‌هایتان در قضاوت این دادگاه!

آری، من به چشم می‌بینم که شمایان چه تصمیمی خواهید گرفت بر حجت‌های بالغه‌ام و چه حکمی خواهید داد در برابر اندیشهٔ استوارم!

من می‌روم و بی‌صبرانه تا قیامت منتظر تراوش فطرتی پاک از اندیشه‌ای متعالی می‌مانم و می‌مانم و می‌مانم ...

# منابع کتاب

## [کتب شیعه]

### (الف)


۱. ابو هریرة (الناشر: انتشارات انصاریان- قم/ المطبعة: بهمن) [سید عبدالحسین شرف الدین الموسوی]

۲. اثبات الهداة [حرّ عاملی م. ۱۱۰۴]

۳. احتجاج طبرسی (تحقیق: السید محمد باقر الخرسان/ الناشر: دارالنعمان النجف الاشرف/ المطبعة: منشورات دار النعمان للطباعة و النشر) و (طبع آخر) [احمد بن علی الطبرسی م. ۵۶۰]

۴. احقاق الحق (گروه: مصادر عقائد شیعه) [السید نورالله التستری م. ۱۰۱۹]

۵. الاختصاص (التحقیق: علی اکبر الغفاری – السید محمد الزرندی/ الناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۴ هـ ق) [الشیخ مفید م. ۴۱۳]

۶. الاربعین فی امامة الائمة الطاهرین (مطبعة الامیر) [محمد طاهر قمی شیرازی]

۷. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (تحقیق: مؤسسة آل البیت لتحقیق التراث/ الناشر و المطبعة: دار المفید) [محمدبن محمدبن نعمان المشتهر بالشیخ المفید م. ۴۱۳]

۸. ارشاد الاذهان (تحقیق شیخ فارس حسون و الناشر/ مؤسسة نشر الاسلامی لجماعة المدرسین و المطبعة مؤسسة نشر الاسلامی، طبع اولی ۱۴۱۰) [علامه حلی م. ۷۲۶]

۹. ارشادالقلوب [دیلمی م. ۷۷۱]

۱۰. الاستغاثة [ابو القاسم الکوفی علی بن أحمد بن موسی ابن الإمام الجواد محمد بن علی بن موسی بن جعفر ابن محمد بن علی بن الحسین بن علی إبن أبی طالب علیهم السلام م. ۳۵۲]

۱۱. اقبال الاعمال (طبع: مکتبة الأعلام الاسلامی) [سید بن طاوس م. ۶۶۴ أو ۶۶۸]

۱۲. اعیان الشیعه (التحقیق و التخریج: حسن الأمین/ الناشر: دار التعارف للمطبوعات - بیروت- لبنان) [سید محسن امین م. ۱۳۷۱ هـ ق]

۱۳. امالی صدوق (تحقیق: قسم دراسات الاسلامیة- مؤسسة البعثة- قم/الناشر: مؤسسة البعثة/ الطبعة الاولی ۱۴۱۷ هـ) و (طبع آخر) [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۱۴. امالی طوسی (تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة- مؤسسة البعثة/ الناشر و المطبعة/ دارالثقافة/ الطبعة الاولی ۱۴۱۴ هـ) [الشیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی م. ۴۶۰]

۱۵. امالی مفید (تحقیق: الحسین استاد ولی علی اکبر غفاری/ الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم) [شیخ مفید م. ۴۱۳]

۱۶. الامام علی بن ابیطالب (الناشر: المنیر للطباعة والنشر تهران/ المطبعة: افست فتاحی/ الطبعة الاولی ۱۴۱۷) [رحمانی همدانی]

۱۷. الانوارالقدسیة (الناشر/ مؤسسة المعارف الاسلامیة) [شیخ محمد حسین اصفهانی]

۱۸. الانوار العلویة [شیخ جعفر نقدی م. ۱۳۷۰]

۱۹. انوارالیقین [الحسینی الزیدی م. ۶۷۰]

۲۰. الایضاح (التحقیق السید جلال الدین الحسینی الارموی/ الناشر : مؤسسة انتشارات /المطبعة: دانشگاه تهران/ تاریخ الطبع: ۱۳۶۳ هـ ش) [فضل بن شاذان م. ۲۶۰]

**(ب)**

۲۱. بحارالانوار (الناشر و المطبعة/ مؤسسة الوفاء - بیروت، لبنان/ الطبعة الثانیة المصححة ۱۴۰۳هـ ق - ۱۹۸۳م) [علامه مجلسی م. ۱۱۱۰]

۲۲. البرهان فی تفسیر القرآن (الناشر: مؤسسة دار التفسیر/ المطبعة: اسماعیلیان - قم/ الطبعة الاولی ۱۴۱۷ هـ ق- قطع رحلی) و طبع آخر [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۲۳. بشارة المصطفى (التحقيق: جواد القيومى الاصفهانى / الناشر و الطبعة: مؤسسة النشر الاسلامى- قم المقدسة / الطبعة الاولى ۱۴۲۰ هـ ق) و (طبع آخر) [محمدبن على الطبرى م. ۵۲۵]

۲۴. البلدالامين [كفعمى م. ۹۰۰]

۲۵. بيت الاحزان (الناشر: دارالحكمة - قم / المطبعة: امير / الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ ق و طبع آخر: مكتبة الفدک) [شيخ عباس قمى م.۱۳۵۹]

**(ت)**

۲۶. تاريخ يعقوبى (الناشر / مؤسسه‌ى نشر فرهنگ اهل بيت - قم و المطبعة / دار صادر- بيروت) و طبع آخر [احمد بن ابى يعقوب بن جعفر بن وهب ابن واضح المعروف باليعقوبى م. ۲۸۴]

۲۷. التبيان (التحقيق والتصحيح: أحمد حبيب قصير العاملى / الناشر و المطبعة: مكتب الإعلام الإسلامى / الطبعة الاولى رمضان المبارک ۱۴۰۹) [شيخ طوسى م. ۴۶۰]

۲۸. التتمة فى تواريخ الائمة [سيد تاج الدين العاملى م. قرن ۱۱]

۲۹. تثبيت الامامة (الناشر: دار الامام السجاد / الطبعة الثانية ۱۴۱۹ هـ ق) [امام الزيد اليمنى م. ۲۹۸]

۳۰. تحفة الابرار [عماد الدين طبرى قرن۷]

۳۱. تجريد الاعتقاد [خواجه نصيرالدين طوسى م. ۶۷۲]

۳۲. تشييد المطاعن [سيد محمد قلى نيشابورى م. ۱۲۶۸]

۳۳. التعجب (الناشر / مكتبة المصطفوى- قم / الطبعة الثانية ۱۴۱۰) [المحدث الخبير العلامة ابن الفتح محمد بن على الكراجى م. ۴۴۹]

۳۴. التفسير الاصفى (التحقيق: مركز الأبحاث والدراسات الإسلامية / الناشر: مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامى / المطبعة: مكتب الإعلام الإسلامى / الطبعة الاولى ۱۴۱۸ هـ ق) [فيض كاشانى ۱۰۹۱]

۳۵. تفسیر الصافی (الناشر: مکتبة الصدر – طهران/ المطبعة: مؤسسة الهادی – قم المقدسة/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۶ رمضان المبارک) [فیض کاشانی ۱۰۹۱]

۳۶. تفسیر العیاشی (التحقیق و التعلیق و التصحیح: الحاج السید هاشم الرسولی المحلاتی/ الناشر و المطبعة/ المکتبة العلمیة الاسلامیة) [ابی النظر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی المعروف بالعیاشی م. ۳۲۰ هـ ق]

۳۷. تفسیر فرات الکوفی (التحقیق: محمد الکاظم/ الناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی – طهران/ الطبعة الاولی هـ ق ۱۴۱۰) [فرات ابن ابراهیم الکوفی م. ۳۵۲]

۳۸. تفسیر قمی (الناشر/ مؤسسة دار الکتاب – قم) [علی بن ابراهیم قمی م. ۳۰۷]

۳۹. تفسیر جوامع الجامع (التحقیق: مؤسسة النشر الإسلامی/ الناشر: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة/ الطبعة الاولی ۱۴۱۸ هـ ق) [الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی م. ۵۴۸]

۴۰. تفسیر مجمع البیان (التحقیق والتعلیق: لجنة من العلماء والمحققین الأخصائیین/ الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات – بیروت – لبنان/ المطبعة الاولی ۱۴۱۵ هـ ق) [الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی م. ۵۴۸]

۴۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (التحقیق و الناشر: المدرسة الامام المهدی – قم المقدسة/ مطبعة: مهر – قم/ الطبعة الاولی ۱۴۰۹ هـ ق)

۴۲. تفسیر نور الثقلین (التحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی/ الناشر و المطبعة: مؤسسه ی اسماعیلیان – قم/ الطبعة الرابعة ۱۴۱۲ هـ ق) [الشیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی م. ۱۱۱۲هـ ق]

۴۳. تلخیص الشافی (طبع/ مکتبة العلمین) [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۴۴. تقریب المعارف (التحقیق : فارس تبریزیان الحسون/ الناشر: المحقق/ تاریخ الطبع ۱۴۱۷ هـ ق) [ابوالصلاح تقی بن نجم الحلبی م. ۴۴۷]

۴۵. تهذیب الاحکام (تحقیق سید حسن خرسان و تصحیح شیخ محمد آخوندی / الناشر: دارالکتب الاسلامیة / المطبعة: خورشید، طبع رابع ۱۳۶۵ش) [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

(ج)

۴۶. الجامع العباسی (مؤسسه‌ی اتنشارات فراهانی- تهران) [ شیخ بهائی م. ۱۰۳۱]

۴۷. جامع النورین [اسماعیل سبزواری م. ۱۳۱۱]

۴۸. الجنة العاصمة (التحقیق: سید مهدی رجائی/ الناشر: انتشارات بیت الزهراء – مشهد/ المطبعة: ستاره – قم/ الطبعة الاولی ۱۴۲۶ هـ ق) و (طبع آخر) [علامه السید حسن المیرجهانی الطباطبائی]

۴۹. جلاءالعیون [سید عبدالله شبّر م. ۱۲۴۲]

(ح)

۵۰. الحدائق الناظرة (تحقیق: محمد تقی ایروانی/ الناشر جماعة المدرسین- قم) [محقق بحرانی م. ۱۱۸۶]

۵۱. حدیث نحن معاشر الانبیاء (الناشر و المطبعة: دار المفید- بیروت، لبنان/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۳ م) [شیخ مفید .م ۴۱۳]]

۵۲. حدیقة الشیعه [مقدس اردبیلی م. ۹۹۳]

۵۳. حلیة الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار (الناشر و المطبعة: دار الکتب العلمیة- قم/ تاریخ الطبع ۱۳۵۶ هـ ش) و (طبع آخر) [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

(خ)

۵۴. الخصال (التحقیق: علی اکبر غفاری/ الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم/ تاریخ الطبع: ۱۴۰۳ هـ ق) [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۵۵. خلاصة عبقات الانوار [سید علی حسینی میلانی]

(د)

۵۶. دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام [سید جعفر مرتضی عاملی]

۵۷. دعائم الاسلام (تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی/ الناشر: دار المعارف ۱۳۸۳هـ ۱۹۶۳ م) [القاضی ابو حنیفه النعمان بن محمد التمیمی المغربی م. ۳۶۳]

۵۸. دلائل الامامة (تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة- مؤسسة البعثة- قم/ الناشر و المطبعة/ مؤسسة البعثة- قم/ الطبعة الاولی ۱۴۱۳ هـ ق ) ( طبع الغری) و (طبع آخر) [الشیخ ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری م. قرن ۴]

۵۹. دلائل الصدق [شیخ محمد حسن مظفر م. ۱۳۵۷]

**(ر)**

۶۰. روضة الواعظین (تحقیق: السید محمد مهدی السید حسن الخرسان/ الناشر: منشورات الرضی- قم، ایران) [العلامة زین المحدثین محمد بن الفتال النیشابوری الشهید م. ۵۰۸]

**(س)**

۶۱. کتاب سلیم (تحقیق: محمد باقر انصاری) و (مطبعة الاعلمی) [ابو صادق سلیم بن قیس الهلالی العامری الکوفی م. ۹۰]

۶۲. سیرة الائمة الاثنی عشر [هاشم معروف حسنی م. ۱۴۰۶]

**(ش)**

۶۳. الشافی فی الامامة (الناشر: مؤسسة الصادق- تهران/ الطباعة و التجلید: مؤسسه‌ی اسماعیلیان- قم/ الطبعة الثانی ۱۴۱۰ هـ ق) [الشریف المرتضی م. ۴۳۶ هـ ق]

۶۴. الشافی [ابن ابی حمزة م. ۶۱۴]

۶۵. شبهای پیشاور [سلطان الواعظین]

۶۶. شرح احقاق الحق (التاشر: منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی -- قم/ التصحیح: السید ابراهیم المیانجی) [السید المرعشی النجفی م. ۱۴۱۱]

۶۷. شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (تحقیق: السید محمد الحسینی الجلالی/ الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۴ هـ ق) [القاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد التمیمی المغربی م. ۳۶۳]

۶۸. شرح اصول کافی (مع تعالیق المیرزا ابو الحسن الشعرانی/ المجلدات ۱۲) [مولی محمد صالح مازندرانی م. ۱۰۸۱]

۶۹. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشورا (فارسی) (التحقیق: سید علی موحد ابطحی/ المطبعة: امیرالمؤمنین/ الطبعة الثانیة ۱۳۷۰ هـ ش) [الحاج میرزا أبی الفضل الطهرانی]

۷۰. شمّه ای از مصائب مادرم فاطمه زهراء علیها السلام پژوهشی در معتبرترین کتب شیعه و اهل سنت [به اهتمام جمعی از محققین]

**(ص)**

۷۱. الصراط المستقیم الی صراط مستحقی التقدیم (تحقیق: محمد الباقر البهبودی/ الناشر: المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة/ المطبعة: الحیدری/ الطبعة الاولی ۱۳۸۴) [زید الدین ابی محمد علی بن یونس العاملی النباطی البیاضی م. ۸۷۷]

۷۲. الصوارم المهرقة فی جواب الصواعق المحرقة (التحقیق : السید جلال الدین المحدث/ المطبة: نهضت/ تاریخ الطبع ۱۳۶۷) [شهید نور الله تستری م. ۱۰۱۹ هـ ق]

۷۳. الصوارم الحاتمة فی تاریخ احوالات الزهراء [کمالی استرآبادی]

**(ض)**

۷۴. ضیاءالعالمین (مخطوط) [الفتونی م. ۱۱۳۸]

**(ط)**

۷۵. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف (المطبعة: الخیام- قم/ الطبعة الاولی ۱۳۹۹) [سید بن طاووس م. ۶۶۴]

**(ع)**

۷۶. علل الشرایع (التحقیق و تقدیم: السید محمد صادق بحر العلوم/ الناشر و المطبعة/ المکتبة الحیدریة فی النجف سال چاپ : ۱۳۸۵ - ۱۹۶۶ م) و طبع آخر (شریعت قم) [صدوق م. ۳۸۱]

۷۷. علم الیقین فی اصول الدین [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

۷۸. العمدة (تحقیق: جامعة المدرسین- قم/ الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم) [ابن البطریق الاسدی حلی م. ۶۰۰]

۷۹. عوالم العلوم (التحقیق و الناشر/ مدرسة الامام المهدی) [شیخ عبدالله البحرانی م ۱۱۳۰هـ ق]

۸۰. عوالی اللئالی العزیزیة فی الاحادیث الدینیة (تحقیق: السید المرعشی و الشیخ مجتبی العراقی/ المطبعة: سید الشهداء- قم/ الطبعة الاولی ۱۴۰۳هـ ۱۹۸۳م) [ابن ابی جمهور الاحصائی م. ۸۸۰]

۸۱. عیون اخبارالرضا (تحقیق: علامه الشیخ حسین الاعلمی/ الناشر و المطبعة: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات- بیروت/ الطبعة الاولی ۱۴۰۴) [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

**(غ)**

۸۲. الغارات (تحقیق: سید جلال الدین المحدث/ المطبعة: بهمن) [ابراهیم بن محمد الثقفی الکوفی م. ۲۸۳]

۸۳. غایة المرام (التحقیق: سید علی عاشور) و (مطبعة/ مؤسسة التاریخ العربی- بیروت) [سید هاشم بحرانی م. ۱۱۰۷]

۸۴. الغدیر (الناشر و المطبعة: دار الکتاب العربی/ الطبعة الرابعة ۱۳۷۹هـ ق) [علامه امینی م ۱۳۹۲هـ ق]

۸۵. الغیبة (تحقیق: عباد الله الطهرانی و الشیخ علی احمد ناصح/ الناشر: مؤسسة المعارف الاسلامیة- قم المقدسة/ المطبعة: بهمن/ الطبعة المحققة الاولی ۱۴۱۱ هـ ق) [شیخ الطائفة ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی م. ۴۶۰]

**(ف)**

۸۶. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفی من مهدها الی لحدها (النشر و الطباعة و التوزیع: مؤسسة النعمان- بیروت/ تاریخ الطبع: ۱۴۱۳ هـ ق - ۱۹۹۲ م) (ترجمه /المترجم: دکتر سید حسن افتخار زاده‌ی سبزواری/ الناشر: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر/

المطبعة: بنیاد شهید انقلاب اسلامی/ الطبعة الاولی ۱۳۷۳ هـ ش) [احمد الرحمانی الهمدانی]

۸۷. فدک فی التاریخ (التحقیق: عبد الجبار شرارة/ الناشر: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة/ الطبعة الاولی ۱۴۱۵ هـ ق) [سید محمد باقر صدر]

۸۸. فدک و العوالی فی الکتاب و السنة [سید محمد باقر حسینی]

۸۹. الفضائل (الناشر و المطبعة/ المکتبة الحیدریة النجف الاشرف ۱۳۸۱هـ - ۱۹۶۲م) [شاذان بن جبرئیل م. ۶۶۰]

**(ق)**

۹۰. قواعد عقائد آل محمد ﷺ [محمد بن احمد دیلمی]

۹۱. قواعد الاحکام (التحقیق: مؤسسة النشر الإسلامی/ الناشر: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة/ المکتبة الأولی: ربیع الثانی ۱۴۱۳) [علامه حلی م. ۷۲۶]

**(ک)**

۹۲. الکافی (تحقیق: علی اکبر غفاری/ الناشر: دارالکتب الاسلامیة آخوندی/ المطبعة حیدری/ الطبعة الثالثة ۱۳۸۸هـ) [کلینی م. ۳۲۹]

۹۳. کتاب الاربعین فی امامة الائمة الطاهرین (التحقیق: السید مهدی الرجائی/ الناشر: المحقق/ المطبعة الامیر/ الطبعة الاولی ۱۴۱۸ هـ ق) [محمد طاهر قمی شیرازی]

۹۴. کامل بهائی (التحقیق و التصحیح: اکبر صفدری قزوینی/ الناشر: انتشارات مرتضوی/ المطبعة: حیدری/ الطبعة الاولی ۱۳۸۳ هـ ش) و (طبع آخر) [حسن بن علی بن محمد بن علی الحسن الطبری المشهور بعمادالدین الطبری م. قرن ۷]

۹۵. کامل الزیارات (تحقیق: شیخ جواد قیومی، لجنة التحقیق/ الناشر: مؤسسة نشر الفقاهة/ المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی/ الطبعة الاولی ۱۴۱۷) [شیخ ابوالقاسم جعفر بن قولویة م. ۳۶۸]

۹۶. کشف الغمة فی معرفة الائمة (الناشر و التحقیق: دار الاضواء- بیروت/ المطبعة الثانیة ۱۴۰۵ هـ ق – ۱۹۸۵ م / و (طبع آخر) مطبعة شریعت قم [علی بن عیسی ابن ابی الفتح الاربلی م. ۶۹۳]

۹۷. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (التحقیق: الآملی/ الناشر و المطبعة: مؤسسة نشر الإسلامی – قم/ الطبعة السابعة ۱۴۷۱ هـ ق) و (التقدیم و التعلیق: السبحانی) (التحقیق: الزنجانی/ الناشر: انتشارات شکوری- قم/ المطبعة: اسماعیلیان/ الطبعة الرابعة ۱۳۷۳ هـ ش) [علامه حلی م. ۷۲۶]

۹۸. کنز الدقائق (التحقیق: حسین درگاهی/ الناشر و المطبعة: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی/ الطبعة الاولی اسفند ۱۴۱۱ هـ ق - ۱۹۹۱م) و (التحقیق: مؤسسة نشر الاسلامی جلد دوم ۱۴۱۰ رمضان و تحقیق: الحاج آقا مجتبی العراقی جلد اول ۱۴۰۷ شوال/الناشر: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة) [المیرزا محمد المشهدی ابن محمد رضا بن اسماعیل بن جمال الدین القمی حدود عام ۱۱۲۵ هـ ق]

۹۹. الکنی والالقاب (التقدیم: محمد هادی الامینی/الناشر: مکتبة الصدر- تهران/ المجلدات ۳) [شیخ عباس قمی م.۱۳۵۹]

۱۰۰. الکوکب الدری (طبع: شریف رضی) و( طبع: حیدریة النجف)

**(ل)**

۱۰۱. اللمعة البیضاء [تبریزی انصاری م. ۱۳۱۰]

۱۰۲. اللوامع اللهیة فی المباحث الکلامیة [الفاضل المقداد السیوری م. ۸۲۶]

**(م)**

۱۰۳. مأساة الزهراء (طبع/ دار السیرة- بیروت) [سید جعفر مرتضی عاملی]

۱۰۴. مثالب النواصب (نسخه‌ی خطی) [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۱۰۵. المجالس السنیة فی مناقب و مصائب القرة النبویة

۱۰۶. مجمع النورين و ملتقى البحرين (طبعة حجرية) [ابوالحسن المرندى م. ۱۳۴۹]

۱۰۷. المحتضر (الناشر و المطبعة: الحيدرية النجف/ الطبعة الاولى ۱۳۷۰هـ ۱۹۵۱م ) و موافقة للطبع (طبع جديد تحقيق: سيد على اشرف/ الناشر: المكتبة الحيدرية/ المطبعة: شريعت/ الطبعة الاولى ۱۳۸۲هـ ش ۱۴۲۴ هـ ق) [الشيخ عز الدين حسن بن سليمان الحلى م. قرن۸]

۱۰۸. مختصر بصائر الدرجات (الناشر و المطبعة: المكتبة الحيدرية فى النجف/ الطبعة الاولى ۱۳۷۰ هـ -۱۹۵۰ م) [الشيخ عز الدين حسن بن سليمان الحلى م. قرن۸]

۱۰۹. مختلف الشيعة (التحقيق: مؤسسة النشر الإسلامى/ الناشر: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة/ الطبعة الثانية: ذى القعدة هـ ق۱۴۱۳) [علامه حلى م.۷۲۶]

۱۱۰. مدينة المعاجز (تحقيق: الشيخ عزة الله المولائى الهمدانى/ الناشر: مؤسسة المعارف الاسلامية/ المطبعة: بهمن- قم/ الطبعة الاولى ۱۴۱۳هـ ق) [سيد هاشم بحرانى م. ۱۱۰۷هـ ق]

۱۱۱. مرآة العقول [علامه مجلسى م. ۱۱۱۰]

۱۱۲. المزار (تحقيق: مدرسة الامام المهدى قم المقدسة- باشراف السيد الابطحى/ الناشر: مدرسة الامام المهدى قم المقدسة/ المطبعة مهر- قم/ الطبعة الاولى) [شيخ مفيد م. ۴۱۳]

۱۱۳. مستدرک سفينة البحار (تحقيق: الشيح حسن بن على النمازى/ الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم/تاريخ الطبع ۱۴۱۹هـ ق) [شيخ على النمازى الشاهرودى م ۱۴۰۵ هـ ق]

۱۱۴. مستدرک الوسائل ( التحقيق و الناشر: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث/ الطبعة الاولى ۱۴۰۸هـ) [ميرزا حسين نورى م. ۱۳۲۰]

۱۱۵. المسترشد (تحقیق: الشیخ الاحمد المحمودی/ الناشر: مؤسسة الثقافة الاسلامیة لکوشانبور / المطبعة: سلمان الفارسی- قم/ الطبعة الاولی- المحققة) [محمد بن جریر الطبری م. قرن ۴]

۱۱۶. مسائل علی بن جعفر

۱۱۷. مسند زیدبن علی (تحقیق: احد علماء زیدیین/ الناشر: دار الحیاة ، بیروت) [م. ۱۲۲]

۱۱۸. مصباح الزائر [سیدبن طاووس م. ۶۶۴]

۱۱۹. مصباح المتهجد (الناشر: مؤسسة فقه الشیعه- بیروت، لبنان) [شیخ طوسی م. ۴۶۰]

۱۲۰. مصباح کفعمی [کفعمی م. ۹۰۰]

۱۲۱. مظلومیت برترین بانو [آیة الله سید علی میلانی]

۱۲۲. معانی الاخبار (تحقیق: علی اکبر غفاری/ الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم ۱۳۶۱ هـ ش) [شیخ صدوق م. ۳۸۱]

۱۲۳. مناظرة الغروی و الهروی [ابن ابی جمهور احسائی م. ]

۱۲۴. مناقب آل ابی طالب (تحقیق: لجنة من استاذة النجف الاشرف/ المطبعة: محمد کاظم الحیدری- مطبعة الحیدریة النجف الاشرف/ الطبعة ۱۳۷۶) [ابن شهر آشوب م. ۵۸۸]

۱۲۵. منتخب طریحی [طریحی م. ۱۰۸۵]

۱۲۶. منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان (الناشر: جامعة المدرسین حوزة علمیة بقم/ المطبعة: اسلامیة/ الطبعة الاولی ۱۴۰۳ هـ ق) [الشیخ جمال الدین ابی منصور الحسن بن زین الدین الشهید صاحب المعالم م. ۱۰۱۱]

۱۲۷. من لا یحضره الفقیه (تحقیق: علی اکبر غفاری/ الناشر: جامعة المدرسین/ طبعة الثانیة ۱۴۰۴ هـ) [صدوق م. ۳۸۱]

۱۲۸. منهاج الکرامة (التحقیق: عبد الرحیم مبارک/ الناشر: انتشارات تاسوعاء -مشهد/ المطبعة : الهادی -قم/ الطبعة الاولی ۱۳۷۹ هـ ش) و (طبع/ الحجر) [علامه حلی م. ۷۲۶]

۱۲۹. مواقف الشیعه (الناشر و المطبعة: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم/ الطبعة الاولی رجب المرجب ۱۴۱۶ هـ ق) [علی بن حسینعلی الاحمدی المیانجی]

۱۳۰. موسوعة کلمات امام حسین (التحقیق: معهد تحقیقات باقر العلوم منظمة الاعلام الاسلامی/ الناشر: در المعروف- قم/ المطبعة: مطبعة دانش- قم/ الطبعة الثالثة ۱۴۱۶ هـ ق) [شیخ شریفی]

۱۳۱. المهذب [قاضی ابن براج م. ۴۸۱]

۱۳۲. المیزان فی تفسیر القرآن (الناشر: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم) [علامه طباطبائی]

**(ن)**

۱۳۳. النص و الاجتهاد (التحقیق و الناشر: ابو مجتبی/ المطبعة: سید الشهداء / الطبعة الاولی ۱۴۰۴هـ ق) و (مطبعة النجف) [سید شرف الدین عاملی م. ۱۳۷۷]

۱۳۴. النقض [عبدالجلیل قزوینی م. ۵۶۰]

۱۳۵. نهج الحق و کشف الصدق (التحقیق و التقدیم: السید رضا الصدر/ التعلیق : الشیخ عین الله الحسنی الأرموی/ الناشر : مؤسسة الطباعة والنشر دار الهجرة – قم/ تاریخ الطبع ۱۴۲۱ هـ ق) [علامه حلی م.۷۲۶ هـ ق]

۱۳۶. نوائب الدهور [علامة میرجهانی]

۱۳۷. نوادر الاخبار (تحقیق انصاری قمی) [فیض کاشانی م. ۱۰۹۱]

**(هـ)**

۱۳۸. الهجوم علی بیت فاطمة (گروه: مصادر عقائد شیعه/ الطبعة الاولی (المحققة) ۱۴۲۱ هـ ق) [عبد الزهراء مهدی]

۱۳۹. الهدایة الکبری (الناشر: مؤسسة البلاغ- بیروت/ الطبعة الرابعة ۱۴۱۱هـ ۱۹۹۱م) [ابی عبد الله الحسین بن حمدان الخصیبی م. ۳۳۴]

**(و)**

۱۴۰. وسائل الشيعة (تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث- قم/ المطبعة: مهر- قم/الطبعة الثانية جمادى الآخرة ۱۴۱۴ هـ ق) [حر عاملی م. ۱۱۰۴]

۱۴۱. وصول الاخيار الى اصول الاخبار (تحقيق: السيد عبد اللطيف الكوهكمری/ الناشر:مجمع الذخائر الاسلامية/ المطبعة: الخيام ۱۰۴۱هـ ق) [الشيخ حسين عبدالصمد العاملی والد الشيخ البهائی م. ۹۸۴]

۱۴۲. وفاة الصديقة الزهراء [عبدالرزاق المقرم م. ۱۴۰۳]

۱۴۳. وفيات الائمة ويليه وفاة السيدة زينب عليها السلام (الناشر و المطبعة: دار البلاغه - بيروت/ الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ ق) [مراجع من العلماء الاعلام (من علماء بحرين و قطيف)]

## [کتب اهل سنت]

**(الف)**


۱۴۴. اثبات الوصیة (مطبعة مرکز المصطفی) [مسعودی م. ۳۴۶]

۱۴۵. الآحاد و المثانی (التحقیق: باسم فیصل أحمد الجوابرة/ الناشر: دار الدرایة للطباعة والنشر والتوزیع/ الطبعة الأولی ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م) [ابن ابی عاصم (ضحاک) م. ۲۸۷]

۱۴۶. الاحدیث المختارة [ضیاء الدین حنبلی م. ۶۴۳]

۱۴۷. احکام السلطانیة [ماوردی م. ۴۵۰]

۱۴۸. احکام السلطانیة [ابی یعلی م. ۳۰۷]

۱۴۹. ارشادالساری [قسطلانی م. ۹۵۳]

۱۵۰. ازالة الخفاء [دهلوی هندی]

۱۵۱. الاستیعاب [نمری م. ۴۶۳]

۱۵۲. أُسد الغابة (الناشر: انتشارات اسماعیلیان- تهران) [عبد الواحد الشیبانی المعروف بابن الاثیر م. ۶۳۰]

۱۵۳. الاصابة فی تمیز الصحابة (التحقیق: الشیخ عادل احمد عبد الموجود/ الناشر: دار الکتب العلمیة- بیروت/ الطبعة الاولی ۱۴۱۵هـ ق) [احمد بن علی بن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

۱۵۴. اعلام النساء (مطبعة دمشق) [عمررضا کحالة]

۱۵۵. الامامة والسیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء (التحقیق: الشیرازی/ الناشر: انتشارات شریف الرضی/ المطبعة الاولی ۱۴۱۳ هـ ق - ۱۳۷۱ هـ ش) و (التحقیق: طه محمد الزینی/ الناشر: مؤسسة الحلبی و شرکاء للنشر و التوزیع) و (الناشر: منشورات رضی- منشورات زاهدی- قم/ تاریخ الطبع ۱۳۶۳ هـ ش) [ابن قتیبة م. ۲۷۶]

۱۵۶. الامام علی بن ابیطالب [عبدالفتاح عبدالمقصود]

۱۵۷. الاموال [ابو عبید م. ۲۲۴]

۱۵۸. الاموال (فی المکتبة الشاملة) [أبو أحمد حمید بن مخلد بن قتیبة بن عبد الله الخرسانی المعروف بابن زنجویه م. ۲۵۱]

۱۵۹. انساب الاشراف (المطبعة: دار المعارف قاهرة) و ( مطبعة دار الفكر بيروت) [احمد بن يحيى بن جابر البلاذرى م.۲۸۹]

**(ب)**

۱۶۰. البداية والنهاية (التحقيق و التدقيق و التعليق : على شيرى/ الناشر و المطبعة: دار احياء التراث العربى- بيروت/ الطبعة الاولى ۱۴۰۸هـ ق) [ابى الفداء اسماعيل بن كثير الدمشقى م. ۷۷۴]

۱۶۱. بلاغات النساء [الناشر: مكتبة بصيرتى- قم) [ابى الفضل بن ابى طاهر معروف بابن طيفور م. ۳۸۰]

**(ت)**

۱۶۲. تاريخ ابن اثير [ابن اثير م. ۶۳۰]

۱۶۳. تاريخ ابن كثير [ابن كثير م. ۷۷۴]

۱۶۴. تاريخ ابن شحنة [ابن شحنة م. ۸۱۷]

۱۶۵. تاريخ ابى الفداء، المختصر فى اخبار البشر (مطبعة دار الغرفة بيروت و مطبعة مكتبة المبتنى- قاهرة) [ابواالفداء م. ۷۳۲]

۱۶۶. تاريخ الاسلام ، عهد الخلفاء الراشدين (التحقيق : عمر عبد السلام تدمرى/ الناشر و المطبعة: دار الكتب العربى/ الطبعة الاولى ۱۴۰۷ هـ ق) [ذهبى م. ۷۴۸]

۱۶۷. تاريخ الخميس [ديار بكرى م. ۹۶۶]

۱۶۸. تاريخ الصحابة [البستى]

۱۶۹. تاريخ طبرى، تاريخ الامم و الملوك (النسخة الاولى فى المكتبة الشاملة الاصدار الثانى بعنوان تاريخ الطبرى موافق للمطبوع و النسخة الثانية من هذا الكتاب فى المكتبة الشاملة الاصدار الثانى بعنوان تاريخ الرسل و الملوك لا يكون موافقا للمطبوع) (التحقيق و التصحيح: نخبة من العلماء الاجلاء/ الناشر: مؤسسة الاعلمى- بيروت) و طبع آخر (مطبعة مؤسسة عزالدين بيروت) و(طبع/ مطبعة الاستقامة بالقاهرة) و طبع آخر (تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم) [ابن جرير الطبرى م۳۱۰]

۱۷۰. تاریخ المدینة (التحقیق: فهیم محمد شلتوت/ الناشر دارالفکر/ المطبعة قدس- قم/تاریخ الطبع ۱۴۱۰ هـ ق) [ابو زید عمر بن الشبه النمیری البصری م. ۲۶۲]

۱۷۱. تاریخ مدینة الدمشق (التحقیق: علی شیری/ الناشر و المطبعة: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان/ تاریخ الطبع ۱۴۱۵ هـ ق) [ابن عساکر م. ۵۷۱]

۱۷۲. تأویل مختلف الحدیث (المطبعة و الناشر: دار الکتب العلمیة- بیروت) [ابی محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبة م. ۲۷۶ هـ ق]

۱۷۳. التخلیص [ذهبی م. ۷۴۸]

۱۷۴. ترکة النبی والسبل التی وجهها فیه (التحقیق: اکرم ضیاء العمری) [حماد بن زید بغدادی م. ۲۶۷]

۱۷۵. تفسیر روح المعانی [آلوسی بغدادی م. ۱۲۷۰]

۱۷۶. تفسیر کشاف [زمخشری م. ۵۳۸]

۱۷۷. تفسیرالوصول الی جامع الاصول (چاپ مصر) [شیبانی م. ۹۴۴]

۱۷۸. تهذیب الاسماء [النووی م. ۶۷۶]

۱۷۹. تهذیب التهذیب (الناشر: دارالفکر/ الطبعة الاولی۱۴۰۴هـ ق) [شهاب الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی م. ۸۵۲]

**(ث)**

۱۸۰. الثغورالباسمة [سیوطی م. ۹۱۱]

**(ج)**

۱۸۱. جامع الاصول من احادیث الرسول [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۱۸۲. جامع المسانید و السنن [ابن کثیر م. ۷۷۴]

۱۸۳. الجرح و التعدیل (الناشر و المطبعة: دار احیاء التراث العربی- بیروت/ الطبعة الاولی ۱۳۷۱ هـ ق - المطبعة: دائرة المعارف العثمانیة- الهند) [شیخ الاسلام رازی م. ۳۲۷ هـ ق]

۱۸۴. جمهرة النسب (طبع: دارالیقضة العربیة دمشق) [ابن الکلبی م. ۲۰۴ هـ ق]

۱۸۵. جواهر السنیة (المطبعة: النعمان - النجف الاشرف/ تاریخ الطبع: ۱۳۸۴ هـ ق) [شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی م. ۱۱۰۴]

۱۸۶. جواهرالمطالب فی مناقب الامام علی (التحقیق: العلامة الشیخ محمد باقر المحمودی/ الناشر: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة- قم المقدسة/ المطبعة: دانش/ الطبعة الاولی ۱۴۱۵ هـ ق) [محمد بن احمد الدمشقی الباعونی الشافعی م.۸۷۱]

(ح)

۱۸۷. حلیة الاولیاء [ابونعیم اصفهانی م. ۴۳۰]

۱۸۸. حیاة الصحابة [دهلوی هندی]

(خ)

۱۸۹. خلاصة الوفاء

(د)

۱۹۰. درّ المنثور (الناشر: دار المعرفة/ المطبعة: الفتح- جدّه/ الطبعة الاولی ۱۳۶۵هـ ق) [جلال الدین السیوطی م. ۹۱۱]

(ر)

۱۹۱. روضة المناضر [ابن شحنه م. ۸۸۲]

(س)

۱۹۲. السقیفة والخلافة [عبدالفتاح عبدالمقصود]

۱۹۳. السقیفة و فدک (تحقیق: دکتر محمد هادی الامینی/ الناشر و المطبعة: شرکة الکتبی- بیروت/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۳) و طبع آخر (مکتبة نینوی الحدیثة- تهران) [الابوبکر الجوهری البصری م. ۳۲۳]

۱۹۴. سنن ابی داود (التحقیق و التعلیق : سعید محمد اللحام/ الناشر : دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع/ الطبعة الاولی ۱۴۱۰ هـ ق) [ابن الاشعث السجستانی م. ۲۷۵]

۱۹۵. سنن ترمذی (تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف/ الناشر و المطبعة: دار الفکر- بیروت/ تاریخ الطبع ۱۴۰۳ هـ ق) [ابوعیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی م. ۲۷۹ هـ ق]

۱۹۶. السنن الکبری (التحقیق : عبد الغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن/ الناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - لبنان/ الطبعة الاولی ۱۴۱۱ هـ ق) [نسائی م. ۳۰۳ هـ ق]

۱۹۷. السنن الکبری (الناشر و المطبعة: دار الفکر- بیروت) [احمد بن الحسین بن علی البیهقی م. ۴۵۸ هـ ق]

۱۹۸. سیر اعلام النبلاء (شراف وتخریج : شعیب الأرنؤوط و تحقیق: حسین الأسد/ الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت/ الطبعة التاسعة ۱۴۱۳ هـ ق) [ذهبی م.۷۴۸]

۱۹۹. سیره ابن هشام [ابن هشام م. ۲۱۸]

۲۰۰. السیرة الحلبیة [برهان الدین شافعی م. ۱۰۴۴]

۲۰۱. السیرة النبویة (التحقیق: مصطفی عبد الواحد/ الناشر: دارالمعرفة - بیروت/ الطبعة الاولی ۱۳۹۶هـ ق) [ابی الفداء اسماعیل بن کثیر م. ۷۷۴]

**(ش)**

۲۰۲. شرح مسلم (الناشر: دار الکتاب العربی بیروت/ الطبعة الثانیة ۱۴۰۷ هـ ق) [النووی م ۶۷۶ هـ ق]

۲۰۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (التحقیق: شیخ محمد باقر محمودی/ الناشر: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة- التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد/ الطبعة الاولی۱۴۱۱ هـ ق) [عبید الله بن احمد المعروف بالحاکم حسکانی م. ۴۹۰]

۲۰۴. شرح نهج البلاغة (التحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم/ الناشر: دار احیاء الکتب العربیة/ المطبعة: منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی) [ابن ابی الحدید م. ۶۵۶]

**(ص)**

۲۰۵. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان (تحقیق:شعیب الارنؤوط/ الناشر و المطبعة: مؤسسة الرسالة/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۴هـ ق - ۱۹۹۳ م) [محمد بن حبان بن احمد م. ۳۵۴ هـ ق]

۲۰۶. صحیح بخاری (الناشر و المطبعة: دارالفکر- بیروت/ الطبعة بالافست عن طبعة دار الطباعة العامرة باستانلبول ۱۴۰۱ هـ ق) [محمد بن اسماعیل بخاری م. ۲۵۶ هـ ق]

۲۰۷. صحیح مسلم (الناشر: دارالفکر- بیروت/ طبعة مصححة ومقابلة علی عدة مخطوطات ونسخ معتمدة) [مسلم ابن الحجاج ابن مسلم القشیری النیشابوری م.۲۶۱ هـ ق]

**(ض)**

۲۰۸. الضعفاء الکبیر (فی المکتبة الشاملة) [عقیلی]

**(ط)**

۲۰۹. الطبقات الکبری، طبقات ابن سعد (الناشر: دار صادر- بیروت) [محمدبن سعد بن منیع البصری م. ۲۳۰]

(ع)

۲۱۰. العقدالفرید (طبع: دارلکتاب العربی) و (طبع: مکتبة النهضة المصریة) و (طبع: دار الکتب العلمیة- بیروت) و (طبع آخر بمصر) [ابن عبد ربه م. ۳۲۸]

۲۱۱. عمدة الاخبار [احمد العباسی]

۲۱۲. عمدة القاری (الناشر والمطبعة: دار احیاء تراث العربی) [عینی م. ۸۵۵]

۲۱۳. (من حیاة الخلیفة) عمر بن خطاب (الناشر و المطبعة: الإرشاد- بیروت -لندن/ الطبعة السابعة: تمتاز علی الطبعات السابقة بزایادات هامة) [عبدالرحمن احمدالبکری]

(ف)

۲۱۴. فتح الباری (الناشر و المطبعة: دار المعرفة للطباعة و النشر- بیروت/ الطبعة الثانیة) [ابن حجر عسقلانی م. ۸۵۲ هـ ق]

۲۱۵. فتوح البلدان (التحقیق: الدکتور صلاح الدین المنجد/ الناشر: مکتبة النهضة المصریة- القاهرة/ المطبعة: لجنة البیان العربی/ تاریخ الطبع ۱۳۷۹ هـ ق) و (طبع آخر) [احمد بن یحیی بن جابر المعروف بالبلاذری م. ۲۷۹]

۲۱۶. فرائد السمطین [جوینی م. ۷۳۰]

۲۱۷. فلک النجاة فی الامامة و الصلاة (التحقیق و التقدیم: الشیخ ملا اصغر علی محمد جعفر/ الناشر: مؤسسة دار الاسلام/ المطبعة: صدر/ الطبعة الثانیة ۱۴۱۸ هـ ق - ۱۹۹۷ م ) [علی محمد فتح الدین الحنفی م .۱۳۷۱]

۲۱۸. فیض القدیر، شرح الجامع الصغیر (التحقیق و التصحیح: أحمد عبد السلام/الناشر: دارالکتب العلمیة- بیروت/ الطبعة الاولی ۱۴۱۵ هـ ق) [مناوی م. ۱۰۳۱]

(ک)

۲۱۹. الکامل [ابن اثیر م. ۶۳۰]

۲۲۰. کنز العمال (ضبط وتفسیر: الشیخ بکری حیانی/ تصحیح وفهرسة: الشیخ صفوة السقا/ الناشر و المطبعة: مؤسسة الرسالة- بیروت/ تاریخ الطبع: ۱۴۰۹ هـ ق) و (طبع آخر) [المتقی الهندی م. ۹۷۵]

(ل)

۲۲۱. لسان المیزان (الناشر: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات- بیروت/ الطبعة الثانیة ۱۳۹۰هـ ق) [شهاب الدین ابی الفضل احمد بن علی بن حجر العسقلانی م. ۸۲۵]

(م)

۲۲۲. مؤتمر علمای بغداد (التحقیق و المراجعة: السید مرتضی الرضوی / الناشر: دار الکتب الإسلامیة – تهران / المطبعة: خورشید / الطبعة الثانیة المحققة) و (طبع دار الارشاد الاسلامی – بیروت / تاریخ الطبع ۱۴۱۵ هـ ق [اقتباس از مإساة الزهراء]) [مقاتل ابن عطیة م. ۵۲۵]

۲۲۳. المبسوط(تحقیق: جمع من الافاضل / الناشر: دارالمعرفة ، بیروت ۱۴۰۶) [شمس الدین سرخسی م.۴۸۳]

۲۲۴. مجمع الزوائد (الناشر و المطبعة: دارالکتب العلمیة – بیروت / تاریخ الطبع ۱۴۰۸ هـ ق – ۱۹۸۸ م) [نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی م. ۸۰۷ هـ ق]

۲۲۵. مختلف الحدیث

۲۲۶. مروج الذهب (طبع بیروت) [مسعودی م. ۳۴۶]

۲۲۷. المستدرک علی الصحیحین (التحقیق: الدکتور یوسف المرعشلی / الناشر: دار المعرفة – بیروت / تاریخ الطبع ۱۴۰۶ هـ ق) [محمد بن محمد الحاکم النیشابوری م ۴۰۵ هـ ق]

۲۲۸. المستصفی [غزالی]

۲۲۹. مسند احمد (الناشر و المطبعة: دار صادر – بیروت) [احمدبن حنبل م. ۲۴۱ هـ ق]

۲۳۰. مسند ابو یعلی الموصلی (التحقیق: حسین سلیم اسد / الناشر و المطبعة: دار المأمون للتراث) و (طبع آخر) [احمد بن علی بن المثنی التمیمی الموصلی م. ۳۰۷ هـ ق]

۲۳۱. مسند الشامیین (التحقیق: حمدی عبد المجید السلفی / المطبعة مؤسسة الرسالة بیروت / الطبعة ثانیة ۱۴۱۷هـ ق–۱۹۹۶م) [سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی م. ۳۶۰]

۲۳۲. مسند فاطمة الزهراء (طبع: حیدر آباد) و (طبع: مؤسسة الکتب السقافیة بیروت) [سیوطی م. ۹۱۱]

۲۳۳. مشکل الآثار [طحاوی م. ۳۲۱]

۲۳۴. مصنف عبد الرزاق (التحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی / الناشر: المجلس العلمی) [ابی بکر عبد الرزاق الصنعانی م. ۲۱۱ هـ ق]

۲۳۵. المصنف (التحقیق: سعید محمد اللحام / الناشر و المطبعة: دار الفکر / الطبعة الاولی ۱۴۰۹ هـ ق) و طبع آخر (الناشر: دار الفکر بیروت / تاریخ الطبع ۱۴۱۴ هـ ق) [ابن ابی شیبة الکوفی م. ۲۳۵ هـ ق]

۲۳۶. المطالب العالیة [ابن حجرعسقلانی م. ۲۸۵]

۲۳۷. معجم البلدان (الناشر: دار الاحياء التراث العربى – بيروت) [شهاب الدين ابى عبد الله ياقوت بن عبد الله الحموى الرومى البغدادى م. ۶۲۶]

۲۳۸. المعجم الكبير (التحقيق و التخريج: حمدى عبد المجيد السلفى/ الناشر: مكتبة ابن تميمية– القاهرة/ المطبعة: دار احياء التراث العربى/ الطبعة الثانى مزيدة و منقحة) [ليمان بن احمد بن اوب اللخمى الطبرانى م. ۳۶۰ هـ ق]

۲۳۹. مغازى واقدى

۲۴۰. مقتل الحسين [خوارزمى م. ۵۶۸]

۲۴۱. الملل والنحل (التحقيق: محمد سيد گيلانى/ الناشر: دار المعرفة – بيروت/ المطبعة: دار المعرفة) و طبع آخر (مكتبة الانجلو المصرية) [شهرستانى م. ۵۴۸]

۲۴۲. مناقب اهل بيت [ابن مغازلى م.۴۸۳ هـ ق]

۲۴۳. ميزان الاعتدال (التحقيق: على محمد البجاوى/ الناشر: دار المعرفة – بيروت/ الطبعة الاولى ۱۳۸۲ هـ ق) و (طبع آخر) [ذهبى م. ۷۴۸ هـ ق]

**(ن)**

۲۴۴. نظم دررالسمطين (المطبعة/ من مخطوطات مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام (العامة)/ الطبعة الاولى ۱۳۷۷ هـ ق– ۱۹۵۸م) [محمد الزرندى الحنفى م. ۷۵۰]

۲۴۵. نيل الاوطار من احاديث سيد الاخيار (الناشر: دار الجليل ، بيروت) [محمد بن على بن محمد الشوكانى م. ۱۲۵۵]

**(و)**

۲۴۶. الوافى بالوفيات (التحقيق: أحمد الأرناؤوط وتركى مصطفى/ الناشر و المطبعة: دار إحياء التراث – بيروت/ تاريخ الطبع ۱۴۲۰ هـ ق) و (طبع آخر) [صفدى م. ۷۶۴]

۲۴۷. وفاء الوفاء [سمهودى م. ۹۱۱]

**(ى)**

۲۴۸. ينابيع المودة لذوى القربى (التحقيق: سيد على جمال اشرف الحسينى/ الناشرو المطبعة: دارالاسوة/ الطبعة الاولى ۱۴۱۶ هـ ق) و (طبع آخر) [الشيخ سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى م.۱۲۹۴هـ ق]